

جدا اول

دعا و نذر

تخلیگاه عشق

مقدمه از : دانشمند گرانمایه آیه... سعید تهرانی

مؤلف : سید محمود میر دامادی

دعاءِ ندبه

تجلیگاه

عشق

(جلد اول)

مقدمه از : عالم ربانی آیةالله سعید تهرانی
مؤلف : سید محمود میردامادی

تقدیم به : عاشقان نور و منتظرین ظهور

شناخته کتاب :

نام کتاب	:مراه‌الموده (تجلیگاه عشق) پیرامون دعاء ندبه
مؤلف	: سید محمود میردامادی
مقدمه از	: آیه‌الله سعید تهرانی
تیراژ	: ۵۰۰۰ عدد
چاپ	: المهدیه
با همکاری	: بهشت فاطمیه - کربلائینها (دهنو - اصفهان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه :

استاد معظم ، دانشمند گرانمایه ، آیه الله سعید تهرانی دام بقائه

بسم الله الرحمن الرحيم - ادعونی استجب لکم

بزرگترین و عالیترین نکته‌ای که در مکتب انبیاء (ع) به چشم می‌خورد و علت بعثت را بیان می‌نماید برقرار کردن ارتباط " بین خالق و مخلوق " است .

انسان از فیض الهی برخوردار بوده و به زندگی مادی خود ادامه می‌دهد و گاه رنگ آمیزی طبیعت او را از اصل خود دور می‌سازد و کم کم انسان ملکوتی گرفتار عوالم ناسوت شده جنبه معنوی خود را از دست می‌دهد .

اینجاست که انسان در صف درندگان و وحوش قرار می‌گیرد و از هر گزنده‌ای گزنده‌تر می‌شود و بجای اینکه برای خویشتن در سایه رحمت الهی زندگی همیشگی (معنوی) تامین کند نیروی خود را در ناهودی خویش مصرف می‌سازد .

همانطور که امروز می‌بینیم بشرهای دور از خدا از طبیعت استفاده

نموده با نیروی علم و دانش بر همه مشکلات طبیعی فائق آمده ولی با دست خود با سلاحهای مخرب دسترنج خود را با خویشتن نابود می‌سازند.

انبیاء (ع) برای مبارزه با طغیان بشر و ارتباط برقرار کردن مخلوق با خالق آمده‌اند.

فرزند تمام سلولهای بدنش در سایه مادر پرورش یافته ولی چون دنیا می‌آید خود را جدای از او می‌داند و به نیاز گذشته و آینده فکر نمی‌کند. انسان گاه با خیال خامش خود را بی‌نیاز از خالق و مستقل می‌پندارد و در برابر خدا خضوع و خشوع نمی‌کند در صورتیکه در هر لحظه‌ای از لحظات زندگی او به فیض ربوبی محتاج است که:

"اگر آنی کند نازی فرو ریزند قالبها"

آخرین مکتبی که برای تربیت جامعه بشریت آمده دین مقدس اسلام است. در این آئین انسانساز دو اصل اساسی (قرآن - عترت) پایه‌گذاری شده که همه مقررات باید بر محور آن دو گردش کند. در قرآن و مکتب عترت (ع) موضوع دعا مهمترین بحثی است که عنوان شده است.

قرآن می‌فرماید:

قل ما یعبوۃ ابکم ربی لولا دعائکم (۷۶- فرقان) (۱)

به همین جهت پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) به ما دستور می‌دهند گرفتاری‌های خود را با دعا حل کنید و خود معصومین هم بسیار دعا می‌کردند.

۱- یعنی: بگو اگر دعا و نیایش شما نبود خدا به شما اعتنا و توجهی نداشت.

دو نکته قابل توجه اینکه بنده نیازمند باید در خانه خدا برود ولی خدا روی عطوفت و رحمت او را دلجوئی نموده دعوت به دعای می‌کند و دیگر اینکه اگر دو سیم برق را خواستند به هم پیوند دهند باید تمام موانع برطرف گردد تا برق جریان پیدا کند.

انسان هم اگر می‌خواهد خود را به کانون هستی متصل کند باید همه علائق مادی و موانعی که در پیش دارد از سر راه بردارد تا بتواند به خدای خویش برسد. اینجاست که هدف انبیاء و اولیاء (ع) معلوم می‌شود و معنی و مفهوم دعا و توسلات آشکار می‌گردد.

ما برای رسیدن بحق باید خود را آماده کنیم و به آستانه کسانی روآوریم که خدا آنها را برای تربیت افراد بشر برگزیده است.

بر همین اساس در مکتب تشیع بدستور قرآن و صریح اوامر رسول اکرم (ص) پیوسته مسلمانان باید بدر خانه علی (ع) و اولاد آنحضرت که ائمه معصومین (ع) هستند بروند و علم بیاموزند و راه و روش زندگی را فرا گیرند و بوسیله آن بزرگواران سعادت‌مند شوند.

این بود چند کلمه مختصری که توانستم در بستر بیماری در "بیمارستان قلب" در باره دعا و توسلات یادآوری نموده به خواسته دوست عزیز، فاضل برومند جناب آقای میردامادی که بسیار زحمات ایشان در راه ارتباط مردم با اهل بیت (ع) طاقت‌فرسا است پاسخ دهم.

امید می‌رود مردم خداپرست در آینده از آثا، گرانبهای ایشان در زمینه‌های مختلف بهره ببرند.

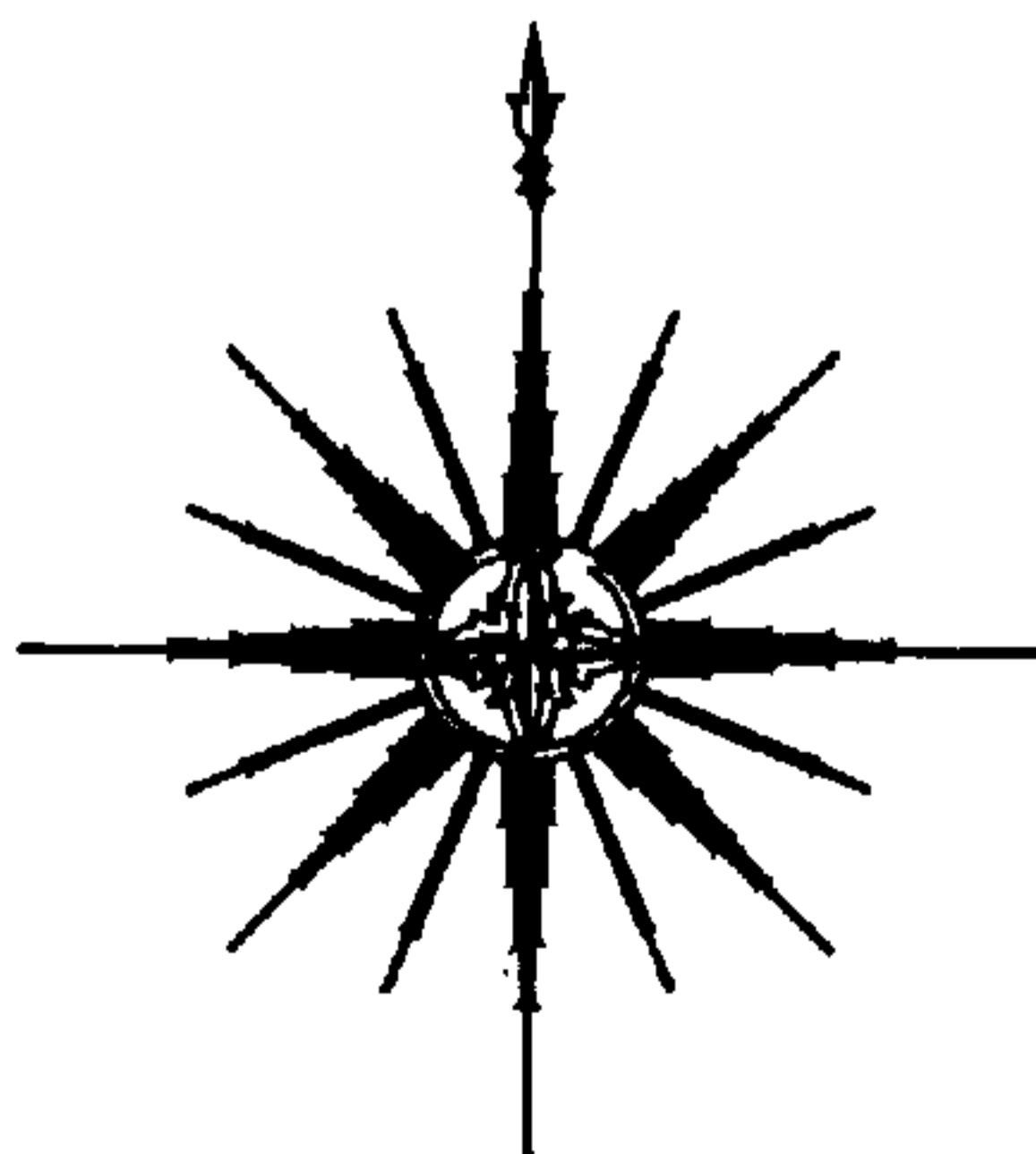
با توسل به عنایات ائمه طاهرین (ع) امیدوارم مسلمین پیروز و شیعه در این برهه از زمان موفق و ملت پاسدار تشیع سربلند باشند.

به برکت بانوی بزرگ اسلام سنگر شکست‌ناپذیر وحی

سوم جمادی‌الثانی ۴۰۴ ق

شهادت حضرت زهراى اطهر (ع)

حسن سعید



پیشگفتار :

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين
و لعنه الله على اعدائهم اجمعين .

از زبان شیعه علی (ع) :

گفت : وقتی متولد شدم صدای پدر در گوشم به ندای :

الله اکبر

اشهد ان لا اله الا الله

اشهد ان محمد رسول الله (ص)

اشهد ان عليا ولي الله (ع)

طنین انداز شد .

و ما در با یاد "محمد و علی" صلوات الله علیهما والیها به من

شیر داد و پس از مدتی غذا، در نیمه شب تشنه شدم مادر با مهربانی

به من آب نوشانید و گفت : فرزندم بگو یا حسین (ع)

در بین روز به زمین افتادم ، دستم را گرفت و گفت بگو یا علی

(ع) ، پس من از کودکی و قبل از آن (۱) به اصول اعتقادی ایمان داشته
با الله ، محمد ، علی و دیگر اولیاء حق (ع) آشنا شده‌ام .

من از کودکی عاشقت بوده‌ام

عنایت نما چون که در مانده‌ام

به او گفتند : مسئله محبت و موده اهل بیت ریشه دارتر از آن چیزی
است که تو گفتی .

ذره ذره گاندرین ارض و سماست

جنس خود را همچو گاه و گهریاست

در جهان هرچیز چیزی جذب کرد

گرم گرمی را کشید و سرد سرد

ناریان مرناریان را جاذبند

نوریان مرنوریان را طالبند .

خداوند! گویند هرکس با محبوبش محشور می‌شود (حتی اگر
کسی سنگی را دوست بدارد با همان سنگ محشور می‌گردد) گواه باش
ما محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را دوست می‌داریم ، پس ما
را با آنان محشور فرما .

سخنی از مؤلف :

در تاریخ ۶۱/۱۱/۱۸ کسالتی پیدا کردم ، متوسل به حضرت
عباس (ع) شدم - بهبودی حاصل گشت ، برای بهبود کامل نذر کردم
پیرامون دعای ندبه مطالبی بنویسم . شروع نمودم :

۱- به احادیث خلقت مؤمنین از طنیت محمد و آل محمد (ص)

و پاسخ مؤمنین به ولایت آنان رجوع شود

بسم الله الرحمن الرحيم . . .

دیگر از درد اثری نماند .

زیرا :

ان عادتهم الاحسان و سجیتهم الکریم

امید آنکه دردهای باطنی ما نیز با توجهات آن بزرگواران درمان

گردد .

نوشته حاضر پیرامون دعای ندبه است و خواننده را در پیروی

و دوستی اهل بیت (ع) نیرو می بخشد .



در این نوشته تا (فقال والملا امامه من کنت مولاہ فعلی مولاہ)

سیر نموده ایم چون پاک نویس بقیه مطالب آماده نبود به چاپ این مقدار

اقدام شد تا آینده خداوند متعال چه خواهد .

لازم به تذکر است : اعضاء محترم هیئت فاطمیه کربلائیها -

(دهنوی اصفهان) که در امور خیر و ترویج مکتب اهل بیت (ع) کوشا

هستند چاپ این کتاب را به عهده گرفتند .

هیئت نامبرده به فعالیت های دینی و نشر فرهنگ حسینی (ع)

مشغول و بحمدالله به خدمتگزاری و شاگردی اهل بیت (ع) پذیرفته

شده اند .

رجاء آنکه با محبوبشان حضرت سیدالشهداء (ع) محشور و همواره

موفق باشند .

در خاتمه از استاد عزیزم - حضرت آیه الله سعید تهرانی دام

ظلم العالی بسیار متشکر و سلامتی کامل و موفقیت ایشان را برای ادامه

خدمت به مکتب اهل بیت (ع) و بیداری نسل جوان از خداوند متعال

خواهانم .

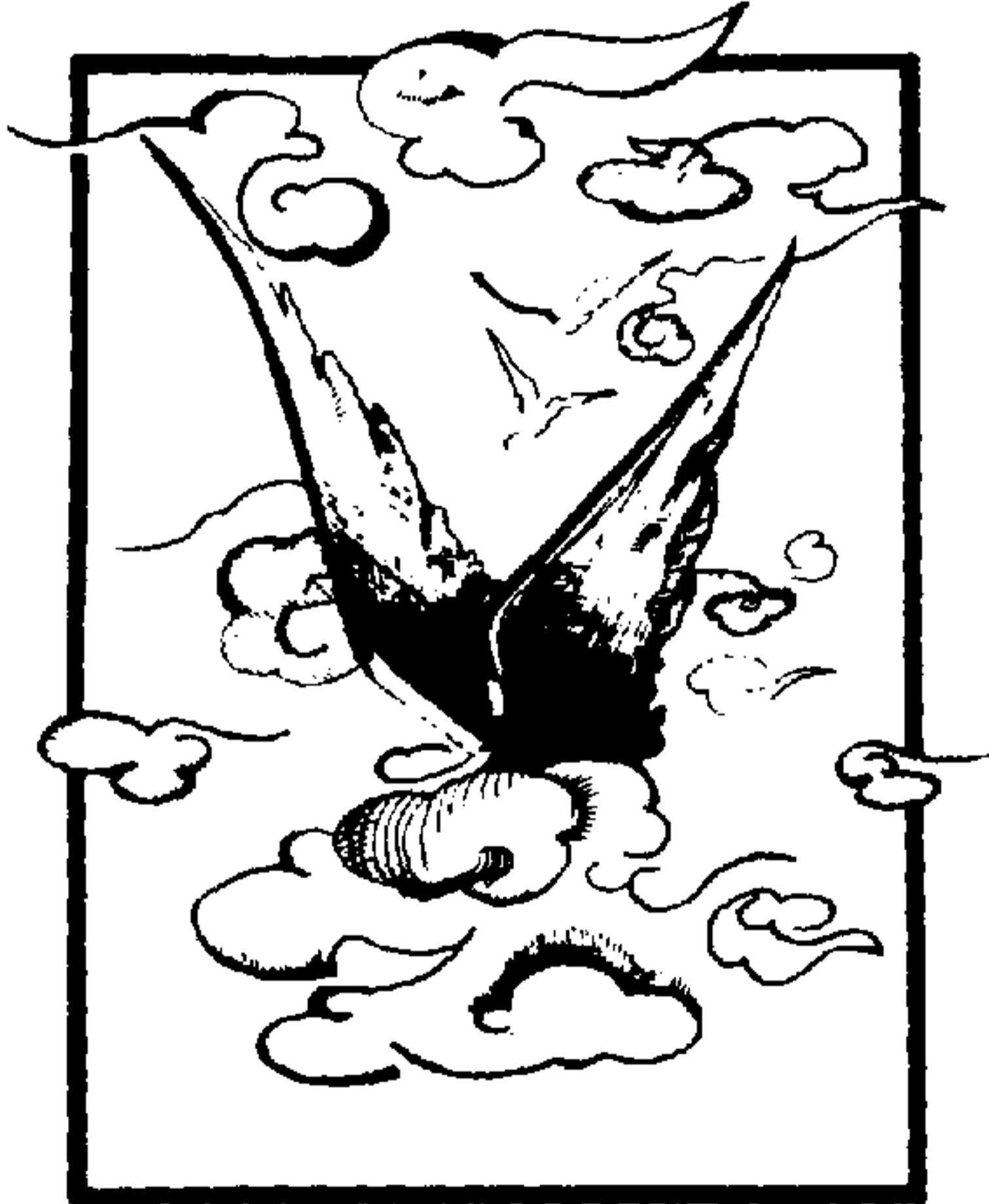
۱۳ رجب ۴۰۴ - ق

ميلاد با سعادت سيد الاوصياء

اخ الرسول و زوج البتول اميرالمؤمنين عليه السلام

قم - مؤسسہ ديني و علمي "مهديه"

سيد محمود - ميردامادي



قسمت اول :

- ۱- صلوات بر محمد و آل محمد
- ۲- رنج برای معرفت
- ۳- تعهد زهد در پیشگاه خدا
- ۴- زهد چیست؟
- ۵- اقسام زهد
- ۶- حکومت الهی بر اساس لیاقت و کمالات معنوی.

بسمه تعالی - بنام او که قلوب لایق را تجلیگاه عشق محمد و آل
(ص) قرار داد و بیاد او که نوریان را با نوریان و ناریان را با ناریان
محشور می کند سخن را آغاز می کنیم :

الحمد لله رب العالمین :

از رسول اکرم (ص) روایت شده : هر کلامی که اول آن "الحمد لله"
نباشد کامل نگردد .

از امام چهارم علیه السلام نقل شده : کسی که بگوید : الحمد لله
شکر همه نعم الهی را نموده است .

خواننده عزیز! قبل از خواندن دعای ندبه و توسل به حضرت
"بقیه الله" حجه بن الحسن العسکری (عج) خدا را شکر نما که نعمت
دوستی خاندان پیامبر (ص) بتو داده شده و در مکتب انسان ساز تشیع
نامت ثبت گردیده است .

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیرالمؤمنین والائمة
علیهم السلام .

و صلی الله علی سیدنا محمد نبیه و اله و سلم تسلیما

درود و تحیت کامل بر بزرگ رهبر ما حضرت محمد (ص) و عترت او (ع) باد .

صلوات بر محمد و آل محمد :

یکی از اموری که از طرف پیشوایان الهی بر آن تاکید و سفارش شده است اینست که اهل ایمان هنگام دعا و نیایش به درگاه خدای متعال بر پیامبر و آل او سلام و صلوات بفرستند تا ببرکت صلوات و اظهار محبت به این خانواده خداوند به فریاد آنها برسد و دعای آنان را مستجاب نماید .

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده :

هرکس حاجتی بدرگاه خدا دارد ابتداء صلوات بر محمد و آل او بفرستد بعد حاجتش را بخواهد و بعد از آن (باز) صلوات بفرستد . به راستی خدا کریمتر از آن است که هر دو طرف دعا (یعنی صلواتی که اول و آخر دعا کننده فرستاد) را اجابت کند و دعای وسط (و حاجت دعا کننده) را اجابت نکند . خدای کریم همانطور که صلوات بر محمد و آل محمد را اجابت می کند (دعای فرستنده صلوات را هم اجابت می کند .

و نیز از آن حضرت روایت گشته :

دعا پوشیده می ماند (و مستجاب نمی شود) تا اینکه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستند (در این صورت مستجاب می شود) .

مسلم در جلد اول صحیح و بخاری در جلد سیم از صحیح و سلیمان حنفی در ینابیع الموده و دیگر علماء اهل سنت از کعب بن عجره نقل می کنند :

هنگامی که آیه :

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه

و سلموا تسليما
(احزاب ۵۶)
نازل گردید عرض کردیم یا رسول الله طریقه سلام بر تو را دانستیم، کیف
نصلی علیک؟ یعنی چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: به
این طریق صلوات بفرستید: اللهم صل علی محمد و آل محمد.
فخر رازی در تفسیرش نقل می کند که از رسول اکرم (ص) سوءال
نمودند چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود بگوئید:
اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صليت علی ابراهيم
و علی آل ابراهيم و بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت
علی ابراهيم و علی آل ابراهيم انک حمید مجید.
شافعی گفته:

یا اهل بیت رسول الله حبکم
فرض من الله فی القرآن انزله
کفاکم من عظیم القدر انکم
من لم یصل علیکم لا صلوه له

ای خاندان پیامبر! دوستی شما را خدا در قرآن واجب کرده است
در عظمت مقام شما همین بس که هرکسی بر شما صلوات نفرستد
نمازش قبول نمی گردد.

مردی متوسل به خانه کعبه گشته و می گفت:

اللهم صل علی محمد

و دنبال آن "آل محمد" را نمی گفت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

صلوات را بریده ساز و در حق ما ظلم مکن و بگو:

اللهم صل علی محمد و آل محمد

اللهم لک الحمد علی ماجری به قضائک فی اولیائک الذین

استخلصتهم لنفسك و دينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك
من النعيم المقيم الذي لازوال له و لا اضمحلال

رنج برای معرفت :

خدا اولیاء خود را به انواع گرفتاری‌ها و رنج‌ها مبتلا نمود تا
وجودشان صیقلی گشته شایسته مشاهده محبوب گردند "...الذین
استخلصتهم لنفسك" از قدیم گفته‌اند :

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

مقام شهود که بالاترین مرتبه خداشناسی است خاص افرادی است
که به قضا و قدر الهی راضی بوده و در اثر فرمانبری به آنها نورانیت
و چشم باطن عنایت شده است .

کسب این مرتبه عظمی یعنی مشاهده حضرت باری تعالی به وسیله
چشم باطن تسلیم و خلوص نیاز دارد .

صاحبان این مرتبه را دیگر احتیاجی به استدلال و برهان برای
اثبات حق تعالی نیست و فرا رسیدن صبح آنان را از مصباح بی‌نیاز نموده
است .

همه عالم بنور اوست پیدا

کجا او گردد از عالم هویدا

زهی نادان که او خورشید تابان

بنور شمع جوید در بیابان

قال الله تعالی :

..... اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید (فصلت ۵۳)

و قیل فی هذه الایه : یعنی ساکحل عین بصیرتهم بنور توفیقی

و هدایتی لیشاهدونی فی مظاهری الا فاقیه و الانفسیه مشاهده
عیان حتی یتبین لهم انه لیس فی الافاق ولا فی الانفس الا انا
و صفاتی و اسمائی و انا الاول و الاخر والظاهر والباطن ثم اکده
بقوله اولم یکف علی سبیل التعجب .

حضرت سیدالشهداء علیه السلام عرض می کند : الهی ترددی فی
الاثار یوجب بعدالمزار فاجمعنی بخدمه توصلنی الیک .

خدای من ! تماشای جهان هستی موجب می گردد از زیارت تو دور
گردم توفیقی ده که با خدمت بسوی تو روانه شوم .

در این شب سیاهم گمگشته راه مقصود
از گوشه‌ای برون آی ای گوگب هدایت
از هر طرف که رفتم جز حیرتم نیفزود
زنهار ازین بیابان وین راه بی نهایت

"کیف یستدل علیک بما هوفی وجوده مفتقر الیک"

خدایا ! چگونه این موجودات که نیازمند تو هستند در هستی
خویش می توانند ما را به تو راهنمایی کنند .

جمعی ز کتاب و سخنت می جویند
جمعی ز گل و نسترننت می جویند
آسوده جماعتی که دل از همه چیز
برتافته از خویشنتت می جویند

" ای کون لغيرک من الظهور مالیس لک حتی یكون هوالمظهر لک؟"
متی غبت حتی تحتاج الی دلیل یدل علیک و متی بعدت حتی
تکون الاثار هی توصل الیک ."

آیا برای غیر تو ظهوری است که برای تو نیست تا او تو را ظاهر
نماید . چه زمانی غایب بودی که احتیاج به نشانی داشته باشی . چه

زمانی دور بودی تا آثار تو را نزدیک کند (۱)
 جملات فوق از سرور آزادگان و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله
 الحسین علیه السلام است که به رضای دوست راضی و در برابر خدای
 تعالی عبدی مطیع بود.

نیست مانند تو عاشق در همه روی زمین
 چهره خندان، دیده گریان، شادمان و دل غمین
 نیست مانند گلی شاداب در یک بوستان
 بر لب دریای آب و تشنه باشد اینچنین
 نیست مانند مسافر در همه ملک جهان
 رهسپار و ره شناس و رهنا در راه دین
 ای حسین! ای مظهر تنهایی ذات احد
 ای که الله الصمد را آیتی اندر زمین
 انبیاء و اولیاء را بر لب انگشت عجب
 دست همت را چو آوردی برون از آستین
 داده‌ای هفتاد و دو قربانی اندر یک منا
 کعبه هفتاد و دو ملت بپا گردی ازین
 نزد هر قربانی از خجلت جمالت سرخ بود
 نازم این شرم حضورت پیش رب العالمین
 از همه هستی گذشتی و خجل هستی هنوز؟
 به از این همت و بر این ادب صد آفرین
 آری خداوند متعال برای اولیاءش گاه بلا و رنج و گاه زیادی نعمت

۱- نقل از رساله سیر و سلوک - تالیف حجه الاسلام والمسلمین

آقای بحر العلوم میردامادی دام بقائه (پدر اینجانب).

و راحت را مقدر نمود تا آنانرا آزمایش کند و نیز مقام و منزلتشان را به دیگران نشان دهد .

تعهد زهد در پیشگاه خدا :

بعد ان شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنيه و
زخرفها وزبرجها .

زندگی انبیاء و اولیاء الهی بیشتر با رنج و بلا همراه بوده و خداوند
برای خالصگشتن آنها گرفتار شدن و درد کشیدن را تقدیر نموده است .
آنها در برابر خواست خدا و اراده حق تسلیم بوده و آنرا خواهند
که معبود خواهد و در آن راه قدم نهند که رضای محبوب باشد .

به درد و صاف تو را کار نیست دم درگش

که آنچه ساقی ما ریخت عین الطافست

خدا با انبیاء و ائمه علیهم صلوات الله زهد و عدم اسارت در
چنگال هوس و لذات مادی را شرط نمود و آنان به این شرط در پیشگاه
خدا متعهد شدند .

مطالعه تاریخ انبیاء و ائمه (ع) نشان دهنده این معنی است که
آنان به تعهد خویش وفا نموده تقوی و پاکی ، زهد و بندگی حق را پیشه
خود ساختند و خدا وفای به عهد را از طرف آنان می دانست .

در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام آمده است :

(السلام عليك يا ممتحنه امتحنك الذی خلقك قبل ان یخلقك

و كنت لما امتحنك به صابره و)

فشرطوا لك ذلك و علمت منهم الوفاء به

زهد چیست؟

ممکن است بعضی از کلمه زهد گوشه گیری و رهبانیت و یا بدبینی

نسبت به دنیا و مافیها را بفهمند و تصور کنند اولیاء خدا سست و بی-تلاش بوده و با اجتماع قهر کرده و فقط به ذکر و دعا پرداخته‌اند.

باید دانست که زهد با رهبانیت فرق می‌کند و این کلمه هرگز نباید به معنی گوشه‌گیری و بدبینی به دنیا تفسیر شود.

انسان زاهد در ضمن اینکه در جامعه تلاشگر و فعال است، دل‌بستگی و وابستگی به دنیا ندارد و در چنگال زر و شهوات اسیر نمی‌باشد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب به دنیا فرماید:

الیک عنی یا دنیا فحبلک علی غاربک (سیری در نهج‌البلاغه)

دور شو از من، افسارت را بدوشت انداخته‌ام.

برو این دام بر مرغ دگر نه

که عنقارا بلند است آشیانه

ای دنیا! تو مقدمه‌ای نه اصل، وسیله‌ای نه هدف، دار مهره‌ستی

نه مقر و دار مجازی نه قرار، با این بینشی که من نسبت به تو دارم چگونه می‌توانی مرا اسیر و دلباخته خود سازی.

به تعبیر بعضی از علماء زهد برداشت کم برای بازدهی زیاد

و عدم وابستگی به دنیا و آزادگی و خلاصه حکومت بر جهان ماده‌است.

اقسام زهد:

باید توجه داشت که زهد زاهدان به دلیل اختلاف درجات

معرفت مختلف است.

بوعلی در نمط‌نهم اشارات زهد را اینگونه تقسیم می‌کند:

۱- زهد عارف

۲- زهد غیر عارف

زاهدانی که از فلسفه زهد آگاهی ندارند به خیال خود معامله‌ای

انجام می دهند، کالای آخرت را با کالای دنیا معاوضه می کنند .
از تمتعات دنیا دست می شویند که در عوض از تمتعات اخروی
بهره مند گردند .

به عبارت دیگر در این جهان برداشت نمی کنند تا در جهان
دیگر برداشت نمایند ولی زاهد آگاه و آشنا به فلسفه زهد از آنجهت
زهد می ورزد که نمی خواهد ضمیر خویش را به غیر ذات حق مشغول
بدارد .

چنین شخصی شخصیت خویش را گرامی می دارد و جز خداچیز
دیگر را کوچکتر از آن می داند که خود را بدان مشغول سازد و دربند
اسارتش درآید . (سیری در نهج البلاغه)

بلاشک انبیاء و اوصیاء خصوصا خاتم الانبیاء و آل طاهرین
آنجناب (ع) بالاترین درجه معرفت را به خدای متعال داشتند و عبادت
و زهدشان که برخواسته از معرفتشان بود نیز در حد اعلا قرار داشت .
قال مولانا امیرالمؤمنین (ع) الهی ما عبدتک خوفا من نارک
ولاطمعا فی جنتک بل وجدتک اهلا للعباده فعبدتک .

حکومت الهی بر اساس لیاقت و کمالات معنوی :

فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذکر العلی والثناء الجلی
و اهبطت علیهم ملائکتک و کرمتهم بوحیک و رفدتهم بعلمک
و جعلتهم الذریعه الیک والوسیله الی رضوانک .

خدای متعال با اولیائش زهد و پاکی را شرط نمود و آنان به این
شرط متعهد شدند و چون خدا می دانست آنان به تعهدشان عمل می کنند
آنها را بالاترین درجه قرب، رفعت ذکر، علم، شفاعت، و مقام پیامبری
و رهبری عنایت نمود .

یکی از مهمترین مسائلی که در اسلام بر آن تکیه شده و آیات و روایات زیادی را به خود اختصاص داده موضوع نبوت و امامت است. بعضی از قلمزنیهای استعمار و روشنفکرانهای مامور در نوشتههای خود امامت را با سلطنت یکی دانسته، تشیع را به سلطنت طلبی متهم کرده‌اند. این قسمت از دعا این نکته را بازگو می‌کند که رهبری و ارشاد مردم چه در پست پیامبری و چه در پست امامت شرائط بسیار مهمی دارد.

به عبارت دیگر:

این مقام الهی مانند خلافت و سلطنت ستمگران نیست که با زور، و قلدری، دروغ و مکر بدست آید بلکه ملاک و شرط رهبری از دیدگاه شیعه و شاگردان قرآن و عترت (ع) دارا بودن حد اعلای فضائل و کمالات معنوی و صلاحیت واقعی می‌باشد.

بی‌جهت کسی پیامبر و یا امام (و یا پیامبر و امام) نمی‌شود و این پست مخصوص کسانی است که در امتحانات الهی صلاحیت خود را نشان داده باشند.

قال الله تعالی:

واذ ابتلی ابراهیم ربه... (بقره - ۱۲۳)

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از طی مراحل کمال و پیمودن نردبان معنویت صلاحیت پیدا کرد، رهبر و پیشوا گردد.

او از خدا تقاضا کرد که این موهبت در نسلش ادامه یابد ولی خدا پاسخ داد امامت پیمان الهی است و ستمگران را در آن نصیبی نیست.

حکیم الهی و عالم ربانی مرحوم میرسید احمد علوی صاحب کتاب

"لطائف غیبیه" می‌فرماید:

و این جوابی است مشتمل بر کمال بلاغت و مبالغه در اینکه در

گمان ابراهیم نباشد که هرکه ذریه^۱ آنحضرت است سزاوار مرتبه خلافت و امامت باعتبار ولادت از آن حضرت تواند بود.

بلکه کسی بآن درجه تواند رسید که بصفت ظلم موصوف نباشد همچنانچه ابراهیم که استحقاق این امر او را حاصل شده هیچوقت از اوقات دامن عصمتش آلوده غبار ظلم و معصیتی نبوده و بقرینه مقام فهمیده می شود که مراد از ظالم مالیس بمعصوم است.

زیرا که متبادر آن است که حق تعالی در جواب حضرت خلیل اراده آن نمود که هرکس از ذریه^۱ تو بر صفت تو باشد "که آن عصمت است" مستحق امامت خواهد بود پس دراین هنگام از عدم عصمت تعبیر به ظلم نموده است. (۱)

امامت و حکومت الهی با سلطنت و سلطه ظالمانه بسیار فرق دارد از جمله: امامت و رهبری الهی برای شخص واجد شرائط در هر زمان و در هر حال ثابت و تغییرناپذیر است.

ولی سلطنت و حکومت ظالمانه با تغییر اوضاع و احوال متغیر و فناپذیر می باشد.

امام حق و خلیفه^۲ الهی چه ریاست ظاهری داشته باشد و چه خانه نشین و یا غایب باشد، چه در جامعه و در وطن باشد چه غریب و دور از وطن، چه از دست ستمگران آزاد باشد چه اسیر و زندانی و چه ... در هر حالی ولایت الهی دارد و صاحب اختیار و مولای مردم است. زیرا داشتن فضائل و کمالات معنوی که ملاک امامت است با عدم ریاست ظاهری و خانه نشینی، اسیر و زندانی شدن در دست دشمن و سرانجام شهادت از بین نمی رود.

۱- پایان کلام میرسید احمد علوی (ره)

کما قال مولانا و سیدنا ابو عبدالله الحسین علیه السلام :
 اقبال الموت تخوفنی ، هیبهات ، طاش سهمک و خاب ظنک لست
 اخاف الموت ، ان نفسی لاکبر و همتی لاعلی من ان احمل الصیم
 خوفا من الموت و هل تقدرون علی اکثر من قتلی .
 مرحبا بالقتل فی سبیل الله و لکنکم لاتقدرون علی هدم مجدی
 و محو عزی و شرفی فاذا لا ابالی بالقتل . (نهج الشهاده)
 " مرا با مرگ می ترسانی ؟

هیبهات تیرت به خطا رفته و گمانت به پوچی رسیده است ، من
 از مرگ نمی ترسم .

چرا که شخصیت و اراده آهنین من بالاتر و همت من بلند تر از
 آنست که به خاطر ترس از مرگ ذلت را بپذیرم .

آیا به جز کشتن من به چیز دیگری قادر هستید ؟

آفرین بر شهادت در راه خدا

آری شما می توانید مرا بکشید ولی نمی توانید مجد و عظمت مرا
 نابود کنید و شرف و عزتم را از بین ببرید . پس در چنین شرائط هیچ
 از مرگ باکی ندارم ."

اما سلاطین جور و خلفاء غاصب چون حکومتشان بر زور و قلدری
 و دروغ و مکر بنا شده با تغییر اوضاع و احوال و غلبه دشمن بر آنان دیگر
 ریاست و حکومتی نداشته باید با خسران دنیا و آخرت دست به گریبان
 باشند .

السلام علیک یا ابا عبدالله ، السلام علیک یا بن رسول الله ،
 السلام علیک یا بن امیر المؤمنین و ابن سید الوصیین ، السلام
 علیک یا بن فاطمه سیده نساء العالمین .

السلام

عليك

يا

ثارالله

وابن

ثاره

پایان قسمت اول



قسمت دوم :

- ۱- داستان آدم برای آدمها
- ۲- توبه آدم
- ۳- درسی از مکتب نوح پیامبر (ع)
- ۴- دوست خدا
- ۵- گریه ابراهیم (ع) بر سیدالشهداء (ع)
- ۶- توسل حضرت موسی به محمد و آل محمد
- ۷- شگفتی تولد حضرت عیسی (ع)
- ۸- لزوم بعثت انبیاء (ع)

فبعض اسکنته جنتک الی ان اخرجته منها

داستان آدم برای آدمها

داستان قرارگرفتن آدم و حوا در بهشت و بیرون شدنشان را باید
از کتب تاریخ انبیاء مطالعه نمود .

ولی مطلبی که بیانش دراین نوشته لازم بنظر می‌رسد روایتی
است که از حضرت رضا علیه‌السلام نقل شده است .

.... قال الرضا علیه‌السلام :

ان آدم لما اکرم الله تعالی ذکره باسجاد ملائکته له و بادخال
الجنه قال فی نفسه :

هل خلق الله بشرا افضل منی ؟

فناداه ارفع راسک یا آدم وانظر الی ساق عرشى

فرفع آدم راسه فنظر الی ساق العرش فوجد مکتوبا

لااله الاالله

محمد رسول الله

علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین

و زوجته فاطمه سیده نساء العالمین

والحسن والحسين سيدا شباب اهل الجنة

فقال آدم يا رب من هولاء؟

فقال عزوجل:

هولاء ذريتك و هم خير منك و من جميع خلقى ولولا هم ما خلقتك

ولا خلقت الجنة والنار ولا السماء و لا الارض.

" اياك ان تنظر اليهم بعين الحسد و تمنى منزلتهم "

فتسلط عليه الشيطان . . .

کوتاه سخن آنکه آدم اسماء حضرات معصومین (ع) را دید از خدا

سوءال کرد که اینها کیستند؟

خدا فرمود:

اینها فرزندان تو و از تو و جمیع خلقم بهترند. اگر اینها نبودند

تو و جنت و نار و آسمان و زمین را خلق نمی‌کردم (مواظب باش)

به چشم حسد به اینها نگاه نکنی و مقام آنها را تمنی ننمایی

ولی شیطان مسلط شد بر آدم و . . .

عارف بزرگ و حکیم الهی فیض‌کاشانی (ره) گوید:

آدم چو دید حکمت و سجده در بهشت

گفتا در آسمان و زمین کیست مثل ما؟

آمدندا که سر بسوی عرش کن بین

آمد چو دید در نظرش نور مصطفا

با نور اهل بیت ز اشباح منعکس

اشباح کرده بود به صلبش ز عرش جا

تا آنجا که می‌گوید:

آدم ز رشک تمنای علمشان

آورد در خیال بدی گاشکی مرا

آمد ندا ز غیب به آدم که زینهار
از ما مخواه رتبه این قوم در دعا
نزدیک این درخت مرو آرزو مکن
حد تو نیست منزلت سیدالوری
کردیم ما ملائکه را ساجدان تو
زیرا که بود صلب تو این قوم را وعا (۱)

توبه آدم :

هنگامی که آدم بترک اولائی از بهشت اخراج شد به معصومین (ع) یعنی محمد و آل محمد (ص) متوسل گشت تا مورد لطف خدا قرار گرفت و توبه او پذیرفته شد .

فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه (بقره - ۳۶)
از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله سوءال شد از کلماتی که آدم از خدا دریافت کرد و خدا به وسیله آن او را بخشید . حضرت فرمود :
آدم خدا را بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) قسم داد که او را عفو کند و خدا او را بخشید .
و بعض حملته فی فلکک و نجیته و من امن معه من الهلکه برحمتک .

درسی از مکتب نوح پیامبر (ع) :

حضرات : نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی ، پیامبر اسلام صلوات الله علیهم اجمعین اولوالعزم و صاحب شریعت بوده اند .

۱- دنباله اشعار را در کتاب شوق مهدی صفحه ۱۴۵ مطالعه/

سرگذشت حضرت نوح علیه‌السلام و شکیبائی او در راه ترویج توحید بسیار آموزنده و برای اهل ایمان درس بزرگ است . آنچه در این سطور قابل تذکر و توجه می‌باشد اینکه جناب نوح علیه‌السلام هم مانند آدم (ع) در وقت گرفتاری و غم متوسل به محمد و آل محمد (ص) گشت .

مرحوم علامه مجلسی فرماید :

در روایات معتبر وارد است که (نوح) متوسل شد بانوار مقدسه رسولخدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) و سایر ائمه و ایشان را شفیع گردانید (حیوهالقلوب)

حضرت صادق (ع) از جدش رسول خدا (ص) حدیث فرموده :

چون نوح از غرق شدن ترسید عرض کرد :

خداوندا ! از تو سوءال می‌کنم بحق محمد و آل محمد (ص) که مرا از غرق شدن نجات دهی پس حق تعالی او را نجات داد . (قصص قرآن) و این مطلب خود درسی بزرگ است برای کسانی که پنبه از گوش بیرون کرده راه سعادت را در پیروی از انبیاء و اولیاء حق می‌دانند . شیفتگان عترت و عاشقان آل محمد (ص) را بشارت باد که پیامبر (ص) فرمود :

" مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركبها نجی و من تخلف عنها غرق " .

یعنی : مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هرکس سوار شد بر آن رستگار شد و هرکس تخلف کرد (و پیروی نکرد) غرق گردید . و بعضی اتخاذته لنفسک خلیلا و سئلک لسان صدق فی الاخرین فاجبته و جعلت ذلک علیا .

دوست خدا :

از حضرت ابراهیم (ع) و لیاقت وی برای امامت سخن گفته شد .

و لذا به ذکر چند مطلب بطور اختصار می پردازیم :

۱- ابراهیم (ع) به عنوان خلیل و دوست خدا نامیده شد بدلیل اینکه :

اولا : هیچ سائلی را محروم نمی کرد و خود بغیر خدا از کسی طلب کمک نمی فرمود .

ثانیا : حضرتش بسیار سخی و اهل بخشش بود .

ثالثا : آن حضرت مهماندوست و اهل اطعام بود .

رابعا : حضرتش بسیار شیفته محمد و آل محمد (ص) بود و همواره

بر آن بزرگواران صلوات می فرستاد . (وظائف الشیعه)

در تفسیر صافی از عیون از حضرت رضا علیه السلام روایت شده

که فرمود :

چون ابراهیم مامور شد آن گوسفند بهشتی را بجای اسماعیل ذبح کند ابراهیم تمنا نمود که ای کاش فرزندم اسماعیل بدستم مذبح شده بود و فدا برای او نیامده بود تا بر قلبم می نشست آنچه بر دل کسی می نشیند که عزیزترین فرزندانش را بدست خود (در راه اطاعت امر خدا) ذبح نموده باشد تا بدان سبب مستحق رفیع ترین درجات اهل ثواب از صاحبان مصیبات گردد .

پس خداوند عزوجل وحی بر او فرستاد که ای ابراهیم ! محبوب ترین افراد از خلق من در نزد تو کیست؟ عرض نمود : پروردگارا ! نیافریده ای مخلوقی را که در نزد من از حبیبیت محمد (ص) محبوبتر باشد خطاب شد بر او آیا محمد (ص) را بیشتر دوست داری یا نفس خودت را؟

عرض کرد : او را از نفس خود هم عزیزتر و دوستتر دارم خطاب شد آیا فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟ عرض کرد :

فرزند او را . خطاب شد : آیا ذبح فرزند پیغمبر بدست اعداء و دشمنانش بیشتر دل ترا بدرد می آورد یا ذبح فرزندت بدست خودت ؟
 عرص نمود : خدایا ! ذبح پسر پیامبر بدست دشمنانش بیشتر قلب مرا می گدازد و دل مرا می سوزاند .

خطاب شد : ای ابراهیم ! طائفه‌ای گمان می کنند که از امت محمد (ص) هستند و حال آنکه بعد از پیغمبر فرزند او حسین (ع) را از روی ظلم و عدوان می کشند همانطوری که گوسفند سربریده می شود و آنها مورد سخط من قرار می گیرند .

گریه ابراهیم بر سیدالشهداء علیه السلام :

ابراهیم (ع) (وقتی داستان کربلا را شنید) جزع نمود و دلش از آن خبر بدرد آمد و بنا کرد گریه کردن .

پس خداوند باو وحی فرستاد که ای ابراهیم ! ما این گریه و ناله ترا بر حسین (ع) قبول کردیم و شهادتش را فدیة از برای ذبح اسماعیل بدست تو و جزعت را برای او اگر ذبح می شد قرار دادیم و من واجب ساختم از برای تو رسیدن برفیعتترین درجات اهل ثواب را بر مصائب . پس می فرماید : این است معنی قول خداوند عزوجل که میفرماید :
 و فدیناه بذبح عظیم . . . (قصص قرآن)

۲- قرآن می فرماید :

واجعل لی لسان صدق فی الاخرین .

یعنی (ابراهیم دعا کرد که خدایا) ! لسان صدق و نام نیک برای

من در آخرین از امتها مقرر فرما .

و نیز می فرماید :

و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیا

یعنی : و بخشیدیم برای ابراهیم و ذریه او رحمت خود را و قرار دادیم برای ایشان نام نیک بلندی را .

در بحار است که ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که ابراهیم دعا کرد که لسان صدق در آخر الزمان برای او قرار دهد پس خداوند برای اجابت دعا او در این آیه خبر می دهد و مراد از علی در این آیه علی بن ابیطالب علیه السلام است .

و در تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت عسکری علیه السلام روایت کند که مراد از کلمه " رحمتنا " رسول خدا (ص) و مراد از کلمه " لسان صدق علیا " امیرالمؤمنین علیه السلام است .

و بعض کلمته من شجره تکلیما و جعلت له من اخیه ردا و وزیرا
توسل حضرت موسی به محمد و آل محمد (ص) :

حضرت موسی (ع) را در پیشگاه خدا مقامی بس عظیم است و در قرآن آیاتی مربوط به آنحضرت وجود دارد .

ولی آنچه در این آینه دوستی (مرات الموده) باید ذکر شود
توسل حضرت موسی (ع) به محمد و آل محمد (ص) است .

هنگامی که بنی اسرائیل از امر موسی (ع) سرپیچی کردند و از آب عبور نکردند بموسی (ع) وحی شد که عصایت را به دریا بزن و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) بفرست و از خدا درخواست کمک کن تا دریا شکافته شود .

حضرت موسی (ع) بر محمد و آل محمد (ص) درود فرستاد و طلب کمک نمود تا دریا شکافته شد تا آخر داستان که (بنا به فرموده مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی ص ۳۱) موسی چندین مرتبه متوسل به محمد و آل محمد (ص) شد تا گره از کارش گشوده گشت .

خواننده عزیز! امیدوارم با خواندن دعای ندبه و شرح آن

(مرات‌الموده) قلبت به نور محبت محمد و آل محمد منور گردد و روح کانون و آینه دوستی خاندان پیامبر (ص) شود و برای باز شدن گره‌ها و نابودی کفار و ستمگران به محمد و آل محمد متوسل گردی. (۱)
و بعض اولدته من غیراب و اتیته البینات و ایدته بروح القدس.

شگفتی تولد حضرت عیسی (ع):

داستان ولادت حضرت عیسی (ع) و تاریخ حیات او و مادرگرمی آنحضرت بسیار آموزنده و شگفت‌انگیز است - این داستان بخصوص برای کسانی که با بیان پوچ و فکر سطحی می‌خواهند معجزات را منکر شوند می‌تواند راهنمای خوبی باشد.

قرآن می‌فرماید:

ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن
فیکون (آل عمران - ۵۹)

یعنی براستی مثل عیسی در پیشگاه خداوند مانند آدم است که او را از خاک آفرید. پس به او گفت باش، پس موجود گشت -
این آیه گویای اینست که همانگونه که آدم بدون پدر و مادر به وجود آمد عیسی (ع) نیز بدون پدر خلق گشت و برای قدرت‌نمایی خداوند متعال هیچ مانعی وجود ندارد.

۱- این قسمت را ۲۷ صفر ۱۴۵۴ ق شب شهادت پیامبر اکرم (ص) و حضرت امام حسن علیه‌السلام نوشتم - خدا را به حق محمد و آل محمد می‌خوانیم جبهه حق را تقویت و صف کفار و ستمگران را متفرق و متلاشی فرماید، آمین.

و کل شرعت له شریعه و نهجت له منهاجا .

لزوم بعثت انبیاء (ع) :

مسئله لزوم بعثت و آمدن انبیاء (ع) برای هدایت بشر مسئله‌ای است که باید بدان توجه شود .

برای اینکه به موضوع مذکور خوب آشنا شویم باید قبل از هرچیز به هدف خلقت انسان آگاه گردیم .

قرآن می‌فرماید :

و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون .

پس هدف از آفرینش انسان کسب کمال و معرفت خدای تعالی بوده

است .

منقول است : که داود علی نبینا و آله و علیه‌السلام عرض کرد :

خداوندا ! خلائق را برای چه آفریدی ؟

پاسخ آمد : من گنجی ناپیدا بودم دوست داشتم شناخته شوم پس

خلق را آفریدم تا مرا بشناسند .

و در حدیث قدسی است :

عالم را برای تو و تو را برای (شناخت) خودم خلق نمودم .

انسان باید با بهره‌برداری از طبیعت دنبال کمال و معرفت باشد

و برای سرای آخرت توشه و ثمره‌ای بردارد .

الدنیا مزرعه الاخره .

سوءاستفاده از جهان طبیعت ، سرگرم دنیاشدن و به‌عنوان‌هدف

به آن عشق ورزیدن و سرانجام دست‌خالی و بدون توشه معنوی از دنیا

بیرون رفتن خطری است که همه‌وقت انسان را تهدید می‌کرده است .

لذا برای راهنمایی بشر بسوی خدا و اعلان " انما الدنیا دارمجاز /

والاخره دار قرار " و مبارزه با موانع تکامل انسان لازم است افرادی بنام

(پیامبران) از طرف خدا در میان جوامع بشری مبعوث گردند .
پس از آن باید اوصیائی با همان برتری‌های الهی (از علم و عصمت
و ...) از طرف حق مأمور پاسبانی و تفسیر و اجرای قوانین انبیاء شوند
تا مکتب توحید و رسالت انبیاء به نابودی کشیده نشود .

سخنی از مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام :

" اللهم بلی ، لاتخلوا الارض من قائم لله بحجه ؛ اما ظاهرا

مشهورا و اما خائفا مغمورا ، لئلا تبطل حجج الله و بیناته "

یعنی : زمین خالی از کسی که بحجت دین را برپا می‌دارد

نمی‌ماند و همواره برای نگهداری دین رهبری روی زمین بوده است .

زیرا اگر امام و رهبر روی زمین نباشد دلیلهای روشن حق و آثار

دین خدا و زحمات انبیاء از بین می‌رود و خدا برای نگهداری دینش

همیشه حجتی را قرار داده که گاه (مانند یازده امام "ع") آشکار و مشهور

است و گاه (مانند امام عصر "عج") ترسان و از دیده‌ها پنهان می‌باشد .

پایان قسمت دوم



قسمت سوم :

- ۱- اتمام حجت
- ۲- آخرین پیامبران
- ۳- سخنی از مولانا امیرالمؤمنین (ع)
- ۴- معراج پیامبر (ص)
- ۵- حرم امن الهی
- ۶- حافظ مکتب
- ۷- شرط توحید
- ۸- کشتی نجات
- ۹- مکه بهترین سرزمین‌ها
- ۱۰- قیام کربلا علت بقاء کعبه
- ۱۱- حرکت امام حسین (ع)
- ۱۲- اصلاح جامعه
- ۱۳- شعر
- ۱۴- ابراهیم کربلا
- ۱۵- تو خلیلی
- ۱۶- زیارت امام حسین (ع)

و تخیرت له اوصیاء مستحفظا بعد مستحفظ من مده الی مده اقامه
لدنیک و حجه علی عبادک و لئلا یزول الحق عن مقره و یغلب
الباطل علی اهله و لایقول احد لولا ارسلت الینا رسول منذرا
و اقامت لنا علما هادیا فنتبع ایتک من قبل ان نذل و نخزی .

اتمام حجت :

رسالت انبیاء (ع) و رهبری رهبران الهی (ع) مشعلهای هدایتی
است که یکی پس از دیگری برای راهنمایی بشر از طرف حق روشن می شده
است .

خداوند متعال با افروختن این مشعلهای نورانی قوانین خود را
اقامه نموده و حق را بر باطل غلبه داده است .

با وجود پیامبری انبیاء (ع) و امامت ائمه دین (ع) قوانین زندگی
و عوامل سعادت برای انسان بیان گشته و راه اعتراض (که خدایا چرا
رهبری برای ارشاد ما نفرستادی؟) برای بشر مسدود شده است .

الی ان انتهیت بالامر الی حبیبک و نجیبک محمد صلی الله علیه

و آله فکان کما انتجبته سید من خلقتہ و صفوه من اصطفیته و افضل من اجتبیته و اکرم من اعتمدته قدمته علی انبیائک و بعثته الی الثقلین من عبادک و اوطاته مشارقک و مغاربک .

آخرین پیامبران :

در باره نبوت خاصه و تشریح زندگی پیامبر (ص) و بیان برتری آنجناب و مکتبش بر دیگر انبیاء و مکتبشان کتابها نوشته شده که شیفتگان معرفت باید به آن کتب مراجعه کنند . ولی بطور اجمال باید دانست که رسالت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله مطلبی است که پیامبران دیگر از آن خبر داده و آنحضرت را بعنوان آخرین پیامبران به امتشان معرفی کرده‌اند .

پیامبر اسلام (ص) برترین فرستاده خدا و مکتب آنجناب کاملترین برنامه الهی است . پیامبر اسلام (ص) زمانی مبعوث برسالت گردید که مردم به سقوط اعتقادی و اخلاقی دچار گشته و از صفات عالیہ انسانی و علم و تفوی خبری نبود .

سخنی از مولانا امیرالمؤمنین (ع) :

ان الله بعث محمدا نذیرا للعالمین و ... (نهج البلاغه)
یعنی : برآستی خداوند محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود در حالیکه آنجناب جهانیان را از عذاب الهی می ترسانید و امین بود بر آنچه به او نازل می گشت .

شما ای گروه عرب ! در آن هنگام از نظر مادی و معنوی عقب افتاده بودید و در بدترین مرامها و جایگاهها بسر می بردید .

و سخرت له البراق و عرجت به الی سائک و اودعته علم ماکان

و ما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته بالرعب و حفته بجبرئيل و ميكائيل و المسومين من ملائكتك و وعدته ان تظهر دینه علي- الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوثته بموء صدق من اهله.

معراج پیامبر (ص):

راجع به معراج پیامبر (ص) در نسخه‌های دعای ندبه که در دسترس مردم است (عرجت به) و (عرجت بروحه) هر دو وجود دارد. خواننده عزیز باید بداند (عرجت به) که دلالت بر معراج جسمانی دارد صحیح و (عرجت بروحه) غیر صحیح است.

زیرا علمای شیعه بالاتفاق معراج پیامبر را جسمانی می‌دانند و با استفاده از آیات قرآن و روایات این موضوع را ثابت کرده‌اند.

بعلاوه در نسخه‌های اصلی که دعای ندبه از آنها اخذ شده عبارت (عرجت به) ضبط شده است.

یکی از علمای معاصر در کتاب ارزنده‌ای که در باره دعای ندبه نوشته (فروغ ولایت در دعای ندبه) در باره جمله عرجت بروحه می‌گوید:

این جمله نزد اهل فن علی‌التحقیق تحریف شده و صحیح آن (عرجت به الی سماء) می‌باشد.

محدث عالی‌مقام حاج شیخ عباس قمی رضوان‌الله علیه در منتهی‌الامال می‌فرماید:

... احادیث متواتره خاصه و عامه دلالت دارد که عروج آن حضرت ببدن بود نه بروح در بیداری بود نه در خواب.

"و در میان قدمای علمای شیعه در این خلاقی نبوده چنانچه

علامه مجلسی فرموده . و شکی که بعضی در باب جسمانی بودن معراج کرده‌اند یا از عدم تتبع اخبار و آثار رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام است یا بسبب عدم اعتماد بر اخبار حجت‌های خدا و وثوق بر شبهات غیر متدینین از حکماء است .

و جعلت له و لهم اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاوهدی
للعالمین فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان امنا .

حرم امن الهی :

خدای تعالی حرم امن و پناهگاه استواری برای رهانیدن انسانها
از بدبختی و خسران قرار داده است .

این حرم، امن و دژ محکم الهی مکتب توحید و آئین لاله الاالله
می‌باشد .

در حدیث است که خداوند متعال فرمود :

لااله الاالله حصنی فمن دخل حصنی امن من غذایی

یعنی : (مکتب) لاله الاالله قلعه و دژ من است هرکس در این
قلعه وارد شود از عذاب من ایمن خواهد بود .

خانه کعبه بدلیل اینکه تجلیگاه توحید و پرستش حق و محل
تدریس یگانه‌پرستی و مبارزه با شرک و ناپاکی است (و فیه آیات بینات
مقام ابراهیم) خداوند متعال این خانه را حرم امن و پناهگاه نامیده
و از آن به نخستین خانه برای مردم (که در آن حق را پرستش می‌کنند)
و وسیله هدایت جهانیان یاد می‌کند .

حافظ مکتب :

نباید از این نکته غافل شد که هر مکتبی استاد و رهبر و هر
مدرسه‌ای مدیر و معلم و هر قلعه و دژی حافظ و نگهبان لازم دارد .

چه کسی رهبر جامعه و استاد مکتب توحید است؟
 چه کسی مدیر و معلم مدرسه توحید و حافظ مکتب لاله‌الاله است؟

اینجاست که به لزوم اعتقاد به نبوت و امامت آگاه گشته و انبیاء را بعنوان استاد و معلم مکتب توحید و ائمه (ع) را بعنوان رهبر جامعه اسلامی و حافظ لاله‌الاله و قوانین الهی می‌شناسیم.

شرط توحید :

بدینجهت در حدیث مذکور که لاله‌الاله قعله خدا معرفی گشته حضرت رضا علیه‌السلام (که خود ناقل حدیث هستند) میفرمایند :
 بشروطها و انا من شروطها - داخل شدن در حرم امن و مدرسه یگانه‌پرستی شراعی دارد که یکی از آن شرائط من هستم .

یعنی انسانها اگر خواستار توحید و یگانه‌پرستی هستند و قصد دارند در اثر ایمان به خدا به امنیت واقعی برسند و از خسران و عذاب حفظ شوند باید با چراغ (رهبری) حرکت کنند و به ولایت و امامت من (و دیگر ائمه) معتقد باشند .

اعتقاد به رهبری ائمه (ع) شرط مدرسه توحید و بزرگترین پشتوانه برای مبارزه با الحاد و شرک ، ستم و ناپاکی است .

کشتی نجات :

ائمه علیهم‌السلام ابواب خدا و به تعبیر دیگر دربهای ورودی مکتب توحید و پرستش حق هستند .

اگر کسی غیر ائمه (ع) را به رهبری انتخاب نماید مثل سارقی است که درب ورودی را رها کرده و از دیوار وارد ساختمان شود .

ائمه دین خود کشتی نجات و ولایتشان دژ و پناه و محبتشان
وسيله کمال انسان است .

در روایت نقل شده از شیعه و سنی است که پیامبر فرمود :
" مثل اهل بیتی کسفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها
غرق " .

مثل اهل بیت من همچون کشتی نوح است که هرکس در آن نشست
نجات یافت و هرکس از آن روی گردان شد غرق گشت .
در این اقیانوس پر تلاطم زندگی با وجود طوفانهای خشمناک شرک
و ستم اگر کسی رهبری اهل بیت (ع) را بپذیرد و به این کشتی متوسل
شود نجات پیدا می کند و اگر کسی تخلف کند و غرور ورزد غرق می شود .
نتیجه اینکه لا اله الا الله حصن و کعبه حرم امن خدا است ولایت
و دوستی اهل بیت شرط توحید و نجات مؤمنین و امان امت اسلام
است كما قال النبی ص :

... النجوم امان لاهل السماء و اهل بیته امان لامتی

(احسن الجزاء)

و قال احمد بن حنبل فی مسنده قال رسول الله صلی الله علیه و آله :
النجوم امان لاهل السماء فاذا ذهب النجوم ذهب اهل السماء .
و اهل بیته امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیته ذهب اهل
الارض (الطرائف) .

مکه بهترین سرزمینها :

سرزمین مکه بر دیگر سرزمینها اشرف است و کعبه اولین مکانی
است که برای تدریس توحید و عبادت حق ساخته شده است .

از اباذر نقل شده که :

سئل عن النبی عن اول مسجد وضع للناس .

فقال (ص) : المسجد الحرام ثم بیت المقدس .

در معنی بکه سه قولست :

۱- بکه مسجد الحرام و مکه شهر مکه است .

۲- بکه خانه خدا و مکه شهر مکه است .

۳- بکه و مکه مرادف و اصل مکه بکه بوده و باء آنرا تبدیل به میم

نموده اند . (نقل از وظائف الشیعه)

قیام کربلا علت بقاء کعبه :

ابراهیم (ع) بفرمان الهی برای تدریس توحید مدرسهای بنام کعبه بنا نمود . و خود با دودمان گرامیش کار تدریس در این مدرسه را بعهدہ گرفتند . ولی این مدرسه را دشمنانی سرسخت و معلمینش را خصم‌هایی ستمگر بود که هرگز برای تخریب این تجلیگاه یگانه‌پرستی و آزار معلمین آن آسوده نمی‌نشستند .

غیر از جنگ‌ها و ستیزها و غیر از تزویرها و حرکت‌های منافقانه برای هدم کعبه و مبارزه با توحید چندین بار کعبه بدست ستمگران ویران گردیده است .

از کسانی که برای ویرانی کعبه اقدام نمودند یزید بن معاویه (لع) و حجاج بن یوسف ثقفی (لع) می‌باشند .

یزید بن معاویه نه فقط به ویرانی کعبه اقدام کرد بلکه برای هدم اساس اسلام کمر همت بسته به شدت ستیز با توحید را آغاز نمود .

حرکت امام حسین (ع) :

اینجاست که بزرگمردی از دودمان ابراهیم (ع) و از خاندان وحی

و رسالت (امام حسین "ع") برای پاسداری از کعبه و حفاظت از مکتب اسلام قیام می نماید و با حرکت الهی خود موجب بقاء دین می گردد .

اصلاح جامعه :

امام حسین (ع) در موقعیت های مناسب هدف خویش را از حرکت بسوی عراق بازگو می فرمود و مسلمین را از خطرات حکومت یزید آگاه می نمود .

هنگام عزیمت به سوی عراق وصیتی به محمد بن حنفیه مرقوم فرمود و علت حرکت خود را اصلاح جامعه اسلامی معرفی کرد .

" انی لم اخرج اشرا ولا بطرا و لامفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی و شیعه ابی علی بن ابیطالب " .

هنگامی که حضرت در مکه اقامت داشتند مامورین یزید به شکل زائرین خانه خدا همانند گرگ به لباس میش آماده بودند حضرت را در حرم امن الهی مورد آزار قرار داده بخيال خامشان نور خدا را خاموش نمایند .

امام حسین علیه السلام در ایام حج از مکه بطرف عراق حرکت فرمود و قبل و بعد از حرکت با خطبه ها و نامه ها هدف خود را بازگونیود از جمله نامه ای است که به مردم کوفه نوشته و مردم را به جهاد و هماهنگی دعوت فرموده و تاریخ حرکت خود را از مکه ۸ ذیحجه مرقوم فرموده است . و در نامه ای دیگر که در پاسخ عبداللہ بن جعفر نوشته مکرستم دشمنان را بازگو نموده و می فرماید :

" ای پسرعمو! بخدا سوگند اگر من در لانه جنبنده ای از جنبنندگان زمین آشیان می کردم آنان مرا بیرون می آوردند و می کشتند ، بخدا قسم به حرمت من تعدی خواهند کرد همچنانکه قوم یهود

به حرمت روز شنبه تعدی کردند " .
(نهج الشهاده)

شعر:

بیوم ترویه محمل ببستند
 خواتین اندر آن محمل نشستند
 حرم را از حرم کردند بیرون
 همه سرگشته اندر دشت و هامون
 کسانی را که در عالم پناهند
 برون کردند از گاخ خداوند
 مہار ناقه بانوی ذیجود
 بر دست طرمح عدی بود
 ہدی با زنگ اشتر گشت چون جفت
 طرمح عدی با آن شتر گفت
 ہمین بانو کہ در محمل نشسته
 دل از قید علایقہا گسسته
 مہین دخت امیرالموء منین است
 ہمین فرمانده روی زمین است
 مبادا آنکہ آزارش نمائی
 تو آزار دل زارش نمائی
 پس از چندی فلک در گردش آمد
 سپس تیر قضا در پرش آمد
 همان زن شد اسیر قوم عدوان
 چه گویم من ز اشترهای عریان

ابراهیم کربلا :

آیا سرگذشت ابراهیم (ع) را می‌دانید؟ قیام امام حسین (ع) از جهاتی به حرکت ابراهیم (ع) شباهت دارد .

هر دو بزرگوار قیامشان برای مبارزه با شرک و ستم بود و هر دو عاشق حق و برای خدا قربانی دادند .

این پدر و پسر (که بر هر دو آن بزرگوار سلام و رحمت خدا باد) هر کدام بامشکلات و مصائبی در راه خدا روبروگشته (فاطمه) و شعار رضایت بر آنچه محبوب خواهد سردادند .

به درد و صاف تو را گار نیست دم درگش

که آنچه ساقی ما ریخت عین الطافست

حتما می‌دانید که مشکلات و مصائب امام حسین (ع) از ابراهیم (ع) سخت‌تر و زیادتر بوده و انبیاء و اولیاء حق از جمله حضرت ابراهیم (ع) برای آنحضرت گریسته‌اند .

ابراهیم برای تدریس توحید کعبه را بنا نهاد و امام حسین (ع) برای حفاظت از اسلام با شهادت خود و یارانش کربلا را برپا نمود .

تو خلیلی :

همه جا شور عزای تو بپا می‌بینم

عالم اندر غم تو غرق عزا می‌بینم

همه جا نام دل آرای تو را می‌شنوم

جلوه روی تو را در همه جا می‌بینم

در هوای تو چنان دیده دل صافی شد

هر کجا می‌نگرم کربلا می‌بینم

هرگجا زمزمه آب روان می شنوم
 در خیالم لب عطشان تو را می بینم
 خیمه گاهت بلب آب و تو اندر تک و پو
 کعبه و زمزم ازین مروه صفا می بینم
 تو خلیلی و ذبیح، اللهت اکبر باشد
 دشت خونین بلا را چو منا می بینم
 السلام علیک یا ابا عبد الله .

زیارت امام حسین (ع)

پیشوایان الهی همانطور که بر انجام حج و زیارت خانه خدا امر
 نموده بر زیارت امام حسین (ع) نیز سفارش فراوان کرده اند .
 از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود :
 کسی که قبر (امام) حسین (ع) را زیارت کند همانند کسی است
 که خدا را در عرش زیارت کرده باشد .
 از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود :
 کسی که قبر (امام) حسین (ع) را زیارت کند خداوند (ثواب)
 حج برای او می نویسد .
 مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در مفاتیح در اعمال روز عرفه
 می نویسد :

دوم : زیارت امام حسین (ع) که مقابل هزار حج و هزار عمره
 و هزار جهاد بلکه بالاتر است و احادیث در کثرت فضیلت زیارت آن
 حضرت در این روز متواتر است و اگر کسی توفیق یابد که در این روز در
 تحت قبه مقدسه آنحضرت باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد
 نیست بلکه زیاده و مقدم است .

پایان قسمت سوم

قسمت چهارم :

- ۱- مقام عصمت
- ۲- شعری در مدح پنج نور مقدس (ع)
- ۳- محبت اهل بیت (ع)
- ۴- دوستی علی علیهما السلام
- ۵- اتصال محب با محبوب
- ۶- یاد علی (ع)
- ۷- فائده زیارت و ذکر اهل بیت (ع)
- ۸- راه وصول به خدا
- ۹- راهنمای سعادت

" و قلت انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا " .

مقام عصمت :

این قسمت از دعا آیه ۲۳ سوره احزاب را در بر دارد .

قرآن می فرماید :

" انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا "

یعنی : جز این نیست که خدا اراده فرمود تا پلیدی از شما خاندان پیامبر (ص) دور باشد و شما را به بهترین پاکی ها پاک گرداند . طبق روایات زیادی که از شیعه و سنی نقل شده این آیه در شان اهل بیت پیامبر (ص) نازل گشته و بزرگترین دلیل بر عصمت آن بزرگواران می باشد .

علامه سید مرتضی عسکری در کتاب ارزنده حدیث کساء در کتب معتبر اهل سنت می نویسد : "حاکم در کتاب خود" مستدرک علی- الصحیحین " از عبدالله فرزند جعفر بن ابیطالب نقل می کند که گفت : هنگامی که رسول خدا مشاهده فرمود رحمت خداوند در حال فرود آمدن است فرمود : به سوی من بخوانید .

صفیه گفت : چه کسی را ای رسول خدا؟

فرمود : اهل بیت من : علی ، فاطمه ، حسن ، حسین را فراخوانید .
 آنگاه که ایشان آمدند پیامبر "کساء" خویش را بر آنها افکند
 و سپس دستهای مبارک خویش را بلند کرد و فرمود :

خداوندا ! اینان آل منند پس درود بر محمد و آلش فرست .

خداوند متعال هم این آیه را فرو فرستاد :

انما یریدالله . . .

و در تفسیر سیوطی از ابن عباس آمده که : من شاهد بودم رسول
 خدا ۹ ماه تمام هرروز وقت هر نمازی به در خانه علی بن ابیطالب می آمد
 و می فرمود :

درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت گرامی باد .

انما یریدالله . . .

و این عمل را پیامبر هرروز ۵ بار تکرار می کرد .

ابوسعید خدری می گوید :

آیه تطهیر در باره پنج نفر نازل گشته :

۱- رسول خدا ۲- علی (ع) ۳- فاطمه (ع) ۴- حسن (ع) ۵-

حسین (ع) . (ینابیع الموده)

صاحب ینابیع الموده " الحافظ سلیمان حنفی " از امام حسن (ع)

نقل می کند که فرمود : ما اهل بیته هستیم که خدا در باره آنان
 می فرماید :

انما یریدالله . . .

آری برادر من :

ان النبی محمدا و وصیه

و ابنتیه و ابنته البتول الطاهره

اهل العباء فاننی بولائهم
ارجوالسلامه والنجافی الاخره

شعری در مدح ۵ نور مقدس :

قال العالم العامل الشيخ محمد حسین الاصفهانی (ره)

تا عقل نخستین زد در زیر گسا قدم
در پرده تجلی گرد ناموس جمال قدم
چون شاهد هستی را بی پرده نشان نبود
در پرده فروزان شد آن شمع دل عالم
معراج نبوت بود یا خلوت او ادنی
گان پرده بخود بالید از زینت آن مقدم
الی ان قال :

آنروضه خضرا شد از روی حسن خندان
و ان لاله حمرا شد از بوی حسین خرم
الی ان قال :

تا ماه ولایت شد با مهر نبوت جفت
از رشک گسا برخاست دود از فلک اعظم
در بزم حقیقت گرد تا شمع طریقت جا
آن پرده چه سینا زد از سرانا الله دم
آن عرش سلونی بود یا مسند هرونی
گاندر پی تعظیمش پشت فلک آمد خم
چون دائره هستی زین چهار بهم پیوست
حوراء فلک حشمت شد محور مستحکم
الی ان قال :

از پرتو آن پنج است هر شارق و هر غارب
 وز گوهر آن گنج است هر سر که بود مبهم
 از غره غراشان وز طره زیباشان
 الصبح اذا اسفر واللیل اذا اظلم
 جبریل چه ویرانه در دور حرمخانه
 تا شمع جهان سوزش در پرده کند محرم
 فرمان طهارت را از حق بشفاعت برد
 با تحفه تقدیمی شد داخل خیل خذم
 ثم جعلت اجر محمد صلواتک علیه وآله مودتهم فی کتابک فقلت
 قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی و قلت ما سئلتکم من
 اجر فہولکم و قلت ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ
 الی ربہ سبیلا

محبت اہلبیت (ع) :

این قسمت از دعا آیه ۲۲ سوره شوری را بازگو می کند .

قرآن می فرماید :

" قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی "

یعنی : (ای رسول ما به امت) بگو من مزدی برای رسالت خود جز

دوستی خویشانم از شما نمی خواهم .

در ینابیع الموده نقل شده :

اخرج احمد فی مسنده بسنده عن سعید بن جبیر عن ابن عباس
 رضی اللہ عنہما قال لما نزلت " قل لا اسئلكم علیه اجرا الا
 الموده فی القربی " قالوا یا رسول اللہ : من ہولاء الذین وجبت
 لنا مودتهم قال : علی و فاطمہ والحسن والحسین .

این روایت نمونه‌ای از دهها روایتی است که محبت و دوستی اهل بیت را واجب می‌شمرد و آیه شریفه را در شان اهل بیت می‌داند.

مؤلف کتاب اهل البیت (توفیق ابو علم) می‌گوید:

الی هذا الایه الکریمه یشیر اما من الشافعی :

یا اهل بیت رسول الله حبکم

فرض من الله انزله

دوستی علی علیه السلام :

در میان روایات بسیار که در باره دوستی اهل بیت علیهم السلام از پیشوایان الهی رسیده روایاتی اختصاص بدوستی علی بن ابیطالب (ع) دارد.

احمد بن حنبل در مسند - خوارزمی در مناقب - خطیب در تاریخ بغداد نقل کرده‌اند که پیامبر فرمود:

ای علی! دشمنی نمی‌کند با تو جز منافق - دوستی نمی‌دند با تو جز مؤمن.

اصحاب رسول خدا (ص) می‌گفتند که ما در عهد آن حضرت منافقین را جز بدشمنی با علی بن ابیطالب (ع) نمی‌شناختیم.

در کتب حدیث (از جمله ینابیع الموده) وارد است که علی (ع) قسمت‌کننده بهشت و جهنم است.

مامون عباسی معنی این حدیث را از حضرت رضا علیه السلام سؤال نمود. حضرت فرمود:

آیا تو از آباء و اجدادت از عباس روایت نکردی که پیامبر فرمود:

دوستی علی ایمان و دشمنی وی کفر است؟

مامون گفت: بلی

از پرتو آن پنج است هر شارق و هر غارب
 وز گوهر آن گنج است هر سر که بود مبهم
 از غره غراشان وز طره زیباشان
 الصبح اذا اسفر واللیل اذا اظلم
 جبریل چه ویرانه در دور حرمخانه
 تا شمع جهان سوزش در پرده کند محرم
 فرمان طهارت را از حق بشفاعت برد
 با تحفه تقدیمی شد داخل خیل خذم
 ثم جعلت اجر محمد صلواتک علیه وآله مودتهم فی کتابک فقلت
 قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربى و قلت ما سئلتکم من
 اجر فہولکم و قلت ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ
 الی ربه سبیلا

محبت اہلبیت (ع) :

این قسمت از دعا آیه ۲۲ سوره شوری را بازگو می کند .

قرآن می فرماید :

" قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربى "

یعنی : (ای رسول ما به امت) بگو من مزدی برای رسالت خود جز

دوستی خویشانم از شما نمی خواهم .

در ینابیع الموده نقل شده :

اخرج احمد فی مسنده بسنده عن سعید بن جبیر عن ابن عباس

رضی اللہ عنہما قال لما نزلت " قل لا اسئلكم علیه اجرا الا

الموده فی القربى " قالوا یا رسول اللہ : من ہولاء الذین وجبت

لنا مودتهم قال : علی و فاطمہ والحسن والحسین .

حضرت فرمود : چون بهشت برای مؤمن و آتش برای کافر است و بهشت و جهنم بردوستی و دشمنی علی علیه السلام تقسیم می شود بدین جهت او قسمت کننده بهشت و جهنم است .

اتصال محب با محبوب :

رهروان قله کمال و شیفتگان راه خدا در اندرون خویش از نیروئی برخوردارند که اثرش اجراء فرامین الهی و دوری از اعمال زشت و حرام است . این نیرو که محبت و موءدت نام دارد گاه به اوج خود رسیده و نام انسان را در دفتر دلباختگان حق و عاشقان خدا ثبت می کند .

"محبت گوهرگران بهائی است که در هر قلبی یافت شود صفات محبوب را بخود جذب می کند و آن یگانه چیزی است که سبب ربط و اتصال بین محب و محبوب خود می گردد .

و از اینجا معلوم می شود سر حدیث نبوی (ص) که فرمود :

(روز قیامت هرکسی با آنکه دوستش می داشت محشور می شود) . زیرا که علقه محبت باعث یگانگی و اتحاد می شود و یگانگی سبب می شود که بعضی از صفات محبوب در آینه قلب محب جلوه گر گردد و (شاید) این است سر آنکه فرمود : اگر بقدر خردلی محبت علی (ع) در قلب کسی باشد آتش جهنم ضرر بوی نمی رساند " .

یاد علی علیه السلام :

ممکن است کسی سؤال کند : چگونه دوستی و محبت علی (ع) و دیگر معصومین برای انسان پیدا می شود؟ و به تعبیر دیگر طریق کسب محبت اولیاء حق چگونه است؟

پاسخ شاید این باشد که باید این بزرگواران را شناخت و به کمالات

و فضائل آنها آگاه گشت .

مقام و مرتبه علی (ع) را در پیشگاه خدا و رسول (ص) بوسیله آیات و روایات و تاریخ صحیح باید مطالعه نمود و به جلالت شان آن بزرگوار واقف شد .

اگرچه - بگنه ذاتش خرد برد پی

اگر رسد خس بقعر دریا

اما وقتی انسان پاکسیرت در حد توان به طهارت و پاکی ، امانت و راستی ، مروت و جوانمردی ، عبادت و پرهیزکاری ، شجاعت و از خودگذشتگی ، عدالت و انصاف ، سخاوت و ایثار و خلاصه زهد و شهادت طلبی علی علیه السلام واقف بشود و او را مبدء برکات و معلم خیرات ببیند حتما به او عشق می ورزد و به او دل می بندد .

در تفسیر آیه شریفه : " واذکروا الاءالله " از حضرت صادق (ع) نقل شده که : الاءالله ولایت ماست (که مردم باید بیاد آن باشند) پس باید اهل بیت (ع) را به عنوان امام و صاحب اختیار و ولی نعم ظاهری و باطنی ، دنیوی و اخروی یاد کنیم و مدح گوئیم تا در اثر ذکر و مدحشان (که ذکر و یاد خداست) محبت آن بزرگواران بیش از پیش بر قلب ما حاکم گردد .

فائده زیارت و ذکر اهل بیت (ع) :

آن همه سفارش برای زیارت قبور ائمه (ع) و خواندن زیارتهائی که از طرف ایشان رسیده و تشکیل مجالس بنام آنان و حتی سرودن شعر در مدح آنان برای اینست که همواره بیاد آن بزرگواران باشیم و قلب ما جایگاه محبت و مودت حضرات معصومین گردد .

حضرت صادق (ع) به فضیل فرمودند :

آیا مجلس مذاکره و حدیث دارید؟

جواب داد: بله جانم بقربانت.

فرمود: من آن مجلس را دوست می‌دارم (در آن مجالس بنشینید)

و از امامت و ولایت ما سخن بگوئید.

خدا رحمت کند کسی را که ولایت (و همه کمالات) ما را زنده

نماید. ای فضیل هرکس ما را یاد کند، یا دیگری ما را در نزد او یاد کند

و (برای مصائب ما) به اندازه پال مگسی اشک بریزد خدا گناهان او را

می‌بخشد...

در حدیث است: کسی که در باره امام حسین (ع) شعری بگوید

و گریه کند و یک نفر را بگریاند برای او (ثواب) بهشت نوشته می‌شود

(کامل الزیارات)

و در حدیث دیگر امام صادق علیه‌السلام فرمود:

هیچ بنده‌ای نیست که آب بیاشامد و امام حسین (ع) را یاد کند

و بر قاتلش لعنت نماید مگر اینکه خدا برای او صد هزار حسنه می‌نویسد.

و

هشدار به نسل جوان:

نسل جوان نباید فریب تبلیغات مامورین استعمار را بخورد

و وهابی‌زده شود. یاد علی (ع) و دیگر معصومین یاد خداست و منافاتی

با توحید ندارد بلکه شرط توحید است.

بر شما باد به تجلیل مقام شامخ اهل بیت (ع) و ذکر و مدح آن

بزرگواران تا خدا بواسطه آنان مسلمین را بر دشمن درون و بیرون پیروز

گرداند و محبت خود و اولیائش را بر قلبها حاکم فرماید.

فكانوا هم السبيل اليك والمسلك الي رضوانك

راه وصول به خدا :

در زیارت جامعه می خوانیم :

السلام على الائمة الدعاه والقاده الهداه والساده الولاه و...

وحجته و صراطه و نوره و برهانه و رحمائه و برکاته

مفهوم عبارت فوق اینست که اهل بیت رسول الله (ص) طریق و رهبر

بسوی خدا و راه وصول به حق هستند .

مکتب عترت صراط مستقیم و طریق سیر الی الله می باشد .

کما قال مولانا علی بن الحسین علیها السلام :

نحن ابواب الله و نحن الصراط المستقیم (نور الثقلین)

ابو بریده در باره آیه " اهدنا الصراط المستقیم " گفته :

صراط محمد و آل محمد (ص) منظور است .

ابن عباس نیز صراط مستقیم را به دوستی پیامبر و اهل بیت آن

حضرت معنی کرده است . (اهل البيت في القرآن) .

در تفسیر آیه شریفه " صراط الذین انعمت علیهم " از امام باقر

علیه السلام نقل شده که فرمود :

نحن الطريق الواضح والصراط المستقیم الی الله عزوجل و نحن

من نعمه الله، علی خلقه (۱)

نسل جوان بداند یگانه مکتبی که هدایت و ارشاد بسوی حق تعالی

می باشد و بشریت را به تقوی و خیرات دعوت می نماید مکتب عترت

پیامبر (ص) است .

کلامکم نور و امرکم رشد و وصیتکم التقوی و فعلکم الخیر .

۱- به پیشواشناسی از قرآن تالیف اینجانب مراجعه کنید .

فلما انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابيطالب صلوات الله عليهما
والهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قام هاد

راهنمای سعادت :

این قسمت از دعا اشاره به آیه شریفه است که می فرماید :

... انما انت منذر ولكل قوم هاد" (رعد - ۶)

یعنی : (ای رسول ما !) جز این نیست که تو بیم دهنده هستی
و برای هر قومی راهنما هست .

مرحوم علامه سید احمد علوی (صاحب لطائف غیبیه ، جد
سادات میردامادی) از احمد بن حنبل و ابن مردویه (صاحب کتاب
مناقب) و شیرویه (صاحب کتاب فردوس الاخیار) و ابونعیم نقل می کند
که :

عبدالله بن عباس گفت :

لما نزلت انما انت منذر " الایه " قال رسول الله (ص) :

انا المنذر و علی الهادی و بک یا علی یهتدی المهتدون .

یعنی : وقتی آیه فوق نازل گشت حضرت رسول (ص) فرمود :

من بیم دهنده و علی رهنماست . یا علی بوسیله تو اهل هدایت
رهبری می گردند .

حاکم نیشابوری در مستدرک ج ۳ ص ۱۲۹ بسند خود از عباد بن -

عبدالله اسدی روایت می کند که علی علیه السلام فرمود :

" منذر " پیامبر (ص) و " هادی " من هستم . (فروغ هدایت)

ابن شهر آشوب می گوید : ابن عقده احمد بن سعید کتابی در تفسیر

آیه : انما انت منذر ولكل قوم هاد " تالیف نموده و گفته است این آیه

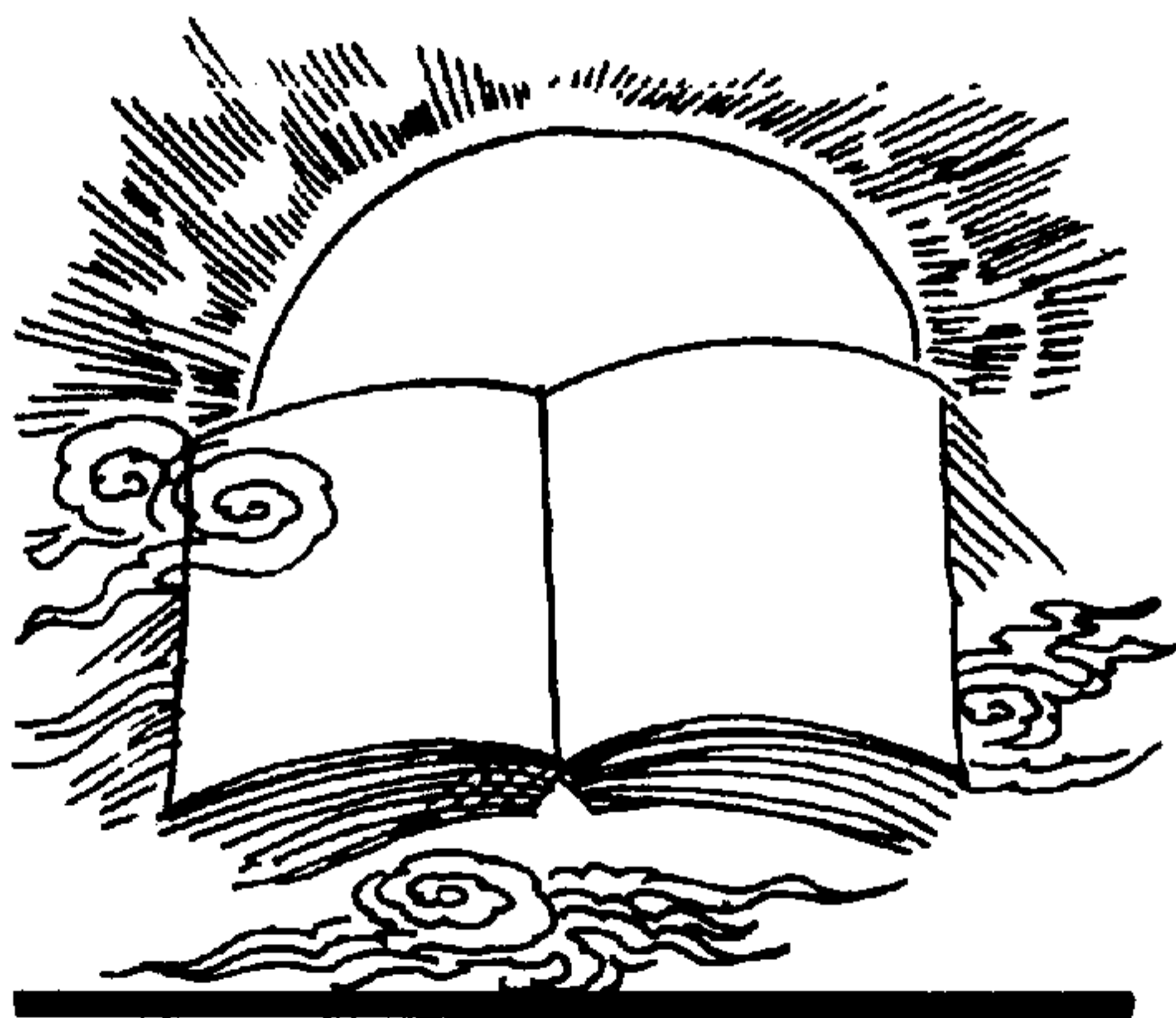
تنها در باره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است .

مرحوم علامه آیه‌الله سید علی بهبهانی رحمه‌الله علیه (مؤلف کتاب مصباح‌الهدایه فی اثبات الولایه) می‌فرماید :

مؤید اینکه راهنما در این آیه امیرالمؤمنین علیه‌السلام است روایات متواتری است که شیعه و سنی راجع به اهل بیت عصمت نقل کرده‌اند که آنها همیشه با قرآن هستند و از آن جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از آنها جدا نمی‌گردد و جز با توسل به آنها راهی برای حفظ از گمراهی نیست .

شعر :

انما انت منذر لعباد و علی لکل قوم هاد
پایان قسمت چهارم



قسمت پنجم :

- ۱- معرفی امام
- ۲- پیدایش شیعه
- ۳- سخن آیه‌الله کاشف‌الغطاء (ره)
- ۴- تبلیغات علیه تشیع
- ۵- پشتوانه محکم
- ۶- خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم
- ۷- ابلاغیه الهی در باره حکومت علی (ع)
- ۸- ای مردم!
- ۹- زکوه دادن در حال رکوع
- ۱۰- ترس از منافقین
- ۱۱- پس بدانید . . .
- ۱۲- یادی از علامه امینی (ره)
- ۱۳- اشعاری راجع به غدیر خم
- ۱۴- غدیریه آیه‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی (ره)
- ۱۵- انسان بدبخت

فقال والملا امامه من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه
و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله

معرفی امام :

از نظر دانشمندان شیعه خلافت و امامت منصب الهی است و شخص
واجب شرائط باید از طرف خدا برای این مقام معین گردد .

طبق آیات قرآن و روایات ، پیامبر اکرم (ص) مامور بود در طول
مدت رسالتش امام و خلیفه بعد از خود را که از طرف خدا تعیین گردیده
به مردم معرفی کند .

پیامبر (ص) در اولین روزهای بعثت که ماموریت یافت خویشان
خود را به اسلام دعوت نماید (و انذر عشیرتک الاقربین) به آنها فرمود
هریک از شما در قبول دعوت من سبقت بگیرد و ریر و وصی من است
و علی (ع) پیش از همه دعوت پیامبر (ص) را پذیرفت و پیامبر (ص) ایمان
او را پذیرفت و او را (به امر خدا) وصی و جانشین خود قرار داد .

بعد از آن همواره به مناسبتهای مختلف پیامبر (ص) امامت علی

(ع) را بازگو می نمود و امت اسلامی را به پیروی از آن بزرگوار امر می کرد.

پیدایش شیعه :

پیدایش شیعه در زمان حیات پیامبر (ص) بوده و سلمان و اباذر و مقداد و عمار به دلیل پیروی از پیامبر (ص) و علی (ع) به شیعه مشهور شدند .

سخن آیه الله کاشف الغطاء (ره) :

مرحوم آیه الله کاشف الغطاء (ره) در این باره می نویسد :

"اگر بخواهیم شیعیان از صحابه و اثبات تشیع آنها را بر طبق کتب علمای سنی شرح داده و بشماریم محتاج تالیف کتاب جداگانه ای خواهیم بود و لذا مراجعه به کتب علمای شیعه از جمله "الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه" تالیف سید علی خان" صاحب کتاب السلافه و طراز اللغه برای ما کافی است .

و من بخاطر دارم که عده شیعیان از صحابه را که از کتب تراجم احوال صحابه مانند "اصابه" و "اسد الغابه" و "استیعاب" و نظائر آنها یافته و جمع نموده ام در حدود ۳۰۰ نفر از بزرگان صحابه پیغمبر (ص) بوده اند و شاید اگر کسی بیشتر تتبع کند بیش از این خواهد یافت . (۱)

تبلیغات علیه تشیع :

همزمان با تبلیغ پیامبر (ص) در باره امامت علی علیه السلام نغمه های شیطانی آغاز گردید و حسودان جسور و نادانان بزدل علت

۱- نقل از سالنامه ۲۰، مکتب تشیع بنقل از اصل الشیعه و اصولها .

انحراف مسیر رهبری گشتند .

تبلیغات علیه تشیع تا این زمان ادامه داشته و بلندگوها و قلمهای استعماری سعی بر این دارند تشیع را مذهب ساختگی معرفی کنند و فرقه‌های دیگر اسلامی را از مطالعه در مکتب عترت پیامبر (ص) و کتب علمای شیعه باز دارند .

قلمزنیهای استعمار تشیع را پدیدهء انتقام‌جوئی ایرانیان، ساخته آل‌بویه، آفریده سیاست صفویه، و شیعه را مشرک و طرفدار سلطنت ظالمانه و موروثی معرفی نموده و ذهن دیگر فرق اسلامی و مردم جهان را نسبت به این مکتب انسانساز و الهی خراب می‌کنند .

پشتوانهء محکم :

ولی مخالفین اسلام و نوکران استعمار با همه سعی و تلاشی که در نابودی مکتب عترت پیامبر (ص) داشته و دارند نتوانسته‌اند نور خدا را خاموش و شیعه را از اثبات عقائدش باز دارند .

یکی از پشتوانه‌های محکم برای تشیع جریان غدیر خم است که به امر خدا پیامبر (ص) علی (ع) را به عنوان حاکم مسلمین و وصی خود به مردم معرفی نمود .

حدیث غدیر خم از احادیث مسلمه میان شیعه و سنی می‌باشد و بیش از صد نفر از صحابی با سندها و عبارتهای مختلف آنرا نقل کرده‌اند .

پیامبر (ص) از آغاز رسالت تا روزهای آخر در باره امامت معصومین علیهم‌السلام با مردم سخن گفته و در سفر و حضر با تعبیرات مختلف بر رهبری برادر و یاور باوفای خود علی علیه‌السلام تاکید نموده است . "ولی هیچ‌کدام از آنها از نظر عظمت و صراحت و قاطعیت و

عمومیت به پایه حدیث غدیر نمی‌رسد. . . ."

مراسم حج به پایان رسید مسلمانان اعمال حج را از پیامبر عالی-
قدر اسلام آموختند. پیامبر اکرم (ص) تصمیم گرفت که مکه را به عزم
مدینه ترک گوید.

فرمان حرکت صادر شد. هنگامی که کاروان به سرزمین رابغ که
در سه میلی جحفه قرار دارد، رسید امین وحی در نقطه‌ای به نام غدیر
خم فرود آمد و او را با آیه زیر مورد خطاب قرار داد که:

یا ایها الرسول، بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما
بلغت رسالته . (مائده - ۶۷)

یعنی: ای رسول! آنچه از طرف خدا بسوی تو فرستاده شد به
مردم ابلاغ فرما، اگر ابلاغ نکنی رسالت خود را نرسانده‌ای.

لحن آیه حاکی است که خداوند انجام امر خطیری را به عهده
پیامبر گذاشته است. چه امر خطیری بالاتر از اینکه در برابر دیدگان
صدهزار نفر علی (ع) را به مقام خلافت و وصایت و جانشینی نصب کند،
از این نظر دستور توقف صادر شد، کسانی که جلوی کاروان بودند از
حرکت باز ایستادند و آنها که دنبال کاروان بودند به آنها پیوستند.
وقت ظهر هوا به شدت گرم بود، مردم قسمتی از ردای خود را بر سر
و قسمتی را زیر پا می‌افکندند. برای پیامبر (ص) سایبانی بوسیله چادری
که روی درخت افکنده بودند درست کردند.

پیامبر نماز ظهر را با جماعت خواند. سپس در حالی که جمعیت
حلقه‌وار دور او را گرفته بودند بر روی نقطه بلندی که از جهاز شتر بود
قرار گرفت و با صدای رسا خطبه‌ای قرائت فرمود و امامت علی (ع) را
به مردم باز گو کرد. (فروع ابدیت - با تغییر عبارت)

خطبه پیامبر در غدیر خم :

خطبه رسول اکرم (ص) در روز غدیر خم که در حقیقت ابلاغیه الهی بشمار می‌رود طولانی و بسیار آموزنده و برای اهل ایمان و معرفت دلنشین و شیرین است .

اصل خطبه در آخر کتاب قرار داده شد تا آنها که به زبان عربی آشنائی دارند به آن مراجعه کنند و بهره کامل ببرند .

در اینجا قسمتی از ترجمه خطبه را می‌آوریم تا ذکری از دریای بیکران فضائل امیرالمؤمنین شده باشد و قلبها با یادش منور و باصفا گردد . انشاءالله تعالی

ابلاغیه الهی در بارهٔ حکومت علی علیه السلام :

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در اول خطبه پروردگار را حمد و ستایش نمود و صفات حق تعالی را در ضمن شهادت بتوحید او بازگو کرد سپس چنین فرمود :

از جانب خدای متعال بمن وحی رسیده است که :

یا ایها الرسول بلغ . . .

(ای پیامبر ابلاغ کن بمردم آنچه را از طرف حق بتو نازل گشته و اگر ابلاغ نکنی رسالت او را بجا نیاورده‌ای . . .)

ای مردم :

شاهد باشید که من در رساندن پیام حق کوتاهی نکردم - بدانید جبرئیل سه مرتبه در این سفر از جانب خدای متعال بسوی من آمده و مرا مامور کرده در مقابل دیدگان عموم علی بن ابیطالب (ع) را بمقام خلافت

و وصایت خود نصب نمایم .
 بدانید علی (ع) پس از من خلیفه و امام است و مقام او چون
 هارون نسبت به موسی است .
 او بعد از خدا و رسول صاحب اختیار و مولای شما است (یعنی
 حاکم و حجت الهی بر روی زمین است) .

زکوه دادن در حال رکوع :

سپس حضرت اذهان مردم را به قرآن سوق دادند و فرمودند :
 براستی خدا (درقرآن) فرموده : انما و لیکم الله و رسولوالذین
 علی (ع) مصداق واقعی این آیه شریفه است - علی (ع) است
 که نماز خواننده و در حالت رکوع زکوه داده (بیریدالله عزوجل فی کل
 حال) او همواره و در همه حال به خدا توجه دارد و برای او کار می کند .

ترس از منافقین :

رسول اکرم (ص) در عبارات بعدی چهره منافقین را ترسیم می کند
 و راجع به فردا و پس فردا و نتیجه دوستی و دشمنی با علی (ع) سخن
 می گوید :

چون در مرتبه اول موضوع معرفی علی (ع) بمن امر شد از جبرئیل
 خواستم مرا از این امر معفو بدارد ، (یعنی این کار از دوشم برداشته
 شود) (چرا؟) .

چون می دانستم پرهیزکاران کم و منافقین زیاد هستند (یعنی
 می دانستم هنوز حقیقت اسلام و ایمان برای شما حاصل نگشته و اهل گفتار
 هستید نه اهل عمل) .

يقولون بالسنتهم ماليس في قلوبهم و ...

ولی خداوند متعال مأموریت را از دوشم بر نداشت و تکلیف را محکم و سخت نمود تا جائیکه فرمود: و ان لم تفعل فما بلغت رسالتہ یعنی اگر به این امر عمل نکردی و علی (ع) را به عنوان امام و حاکم معرفی ننمودی رسالت و وظیفه خود را انجام نداده‌ای

پس بدانید:

فاعلموا معاشرالناس ان الله قد نصبه لكم وليا و اما ما مفترضا طاعته على المهاجرين والانصار و ...
 خداوند علی علیه السلام را بر شماها ولی و امام قرار داده و اطاعت او را بر عموم واجب ساخته و رحمتش شامل کسی می شود که مقام علی (ع) را تصدیق کند و او را پیروی نماید.
 و عذاب و لعنتش مخصوص کسانی است که با علی (ع) دشمنی و مخالفت نمایند.

ای گروه مردم!

الی ان قال صلی الله علیه و آله وسلم: (تا آن جا که فرمود):
 معاشرالناس، ان علیا والطیبین من ولدی هم الثقل الاصغر
 والقرآن هو الثقل الاکبر فکل ...

ای مردم!

علی علیه السلام و اولاد طاهرین من ثقل اصغر هستند و قرآن ثقل اکبر است و هر کدام موعود یکدیگر هستند و از هم جدا نمی شوند تا روزیکه در جانب حوض کوثر بر من وارد شوند.

آگاه باشید!

علی (ع) و اولاد پاک او امناء و حجتهای خدا در روی زمین

هستند .

الی ان قال ص :

معاشرالناس هذا علی اخی و وصیی و واعی علمی ...
پس از اینکه بازوی علی علیه السلام را گرفت و حضرت را بلند نمود

فرمود :

ای مردم ! این علی برادر و وصی من و مخزن دانش و حافظ
علوم من است و ...

اللهم وال من والاه و عاد من عاداه والعن من انكره و ...
خدایا دوست بدار هرکس علی (ع) را دوست می دارد و دشمن
دار هرکس با او دشمنی نماید و لعن نما هرکس او را انکار کند و ...

یادی از دلباخته علی علیه السلام "علامه امینی" :

همانطور که قبلا بیان شد حدیث غدیر خم از احادیث مسلم و
معتبر است و علماء شیعه و سنی آن را نقل کرده اند .

خوانندگان گرامی ! برای تحقیق و دقت بیشتر در این حدیث
مهم به کتاب ارزنده "الغدیر" نوشته عالم عامل - محقق گرانقدر -
دلباخته عترت پیامبر (ص) مرحوم آیه الله علامه امینی رضوان الله علیه
مراجعه نمایند .

ما برای تبرک و نیز یادبود آن گرامی خادم و دلباخته علی (ع)
به نقل دو حدیث از "الغدیر" می پردازیم :

۱- حافظ ابوسعید سجستانی (متوفی ۴۷۷) در کتاب "الولایه"

از ابن عباس نقل کرده که گفت :

پیامبر (ص) به تبلیغ ولایت علی (ع) امر شد . (یا ایها الرسول /

بلغ ما انزل الیک من ربک) .

آن حضرت روز غدیر خم (در میان مردم ایستاد) و حمد و ثنای خدا نمود و فرمود: **الست اولى بكم من انفسكم**
 آیا من مولى و صاحب‌اختیار شما نیستم؟ (آیا ولایت من از ولایت خود شما بر خودتان بیشتر و بالاتر نیست؟).
قالوا بلى يا رسول الله.

مسلمین گفتند بلى ای پیامبر خدا.

فرمود: **فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و ...**

هرکسی که من مولى و صاحب‌اختیار او هستم - علی (ع) مولى و صاحب‌اختیار اوست. خدایا ... (۱)

۲- سید علی همدانی (متوفی ۷۸۶ در موده‌القربی از البراءین عازب نقل کرده که گفت: (در برگشت) حجه‌الوداع در غدیر خم ندای نماز داده شد، پس از آن پیامبر (ص) دست علی (ع) را گرفت و فرمود: آیا من مولى و صاحب‌اختیار مؤمنین نیستم؟
 مسلمین گفتند: بلى ای پیامبر.

فرمود: آگاه باشید هرکسی که من مولای او هستم علی (ع) مولای اوست. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

پس از آن "عمر" خطاب به علی علیه‌السلام گفت:

(به به - بتو) ای علی! گوارا باد تو را، مولای من و همه مؤمنین

گردیدی. (الغدیر ج ۱ ص ۲۲۵)

اشعاری در باره غدیر خم و مولانا امیرالمؤمنین (ع):

حسان بن ثابت از کسانی است که در روز غدیر خم حضور داشته

و با اجازه پیامبر (ص) اشعاری را در مدح مولا و ولایت آنحضرت سروده است :

ینادیهم یوم القدیر نبیهم
 بخم واگرم بالرسول منادیا
 یقول فمن مولاکم و ولیکم ؟
 فقالوا و لم یبدوا هناک التعادیا
 الهک مولانا و انت ولینا
 ولن تجدن منا لک الیوم عاصیا
 فقال له قم یا علی فانی
 رضیک من بعدی اما ما و هادیا
 فمن گنت مولا ه فهدا ولیه
 فکونوا له اتباع صدق موالیا
 هناک دعا اللهم وال ولیه
 وکن للذی عادى علیا معادیا
 فخص بهادون البریه کلها
 علیا و سماه العزیز المواخیا

اشعاری از میرزا حبیب الله شهیدی خراسانی (از علمای خراسان)

مرآت خندانما علی بود
 از خلعت "هلأتی" علی بود
 در مدحت مرتضی علی بود
 بر خاطر اولیاء علی بود
 آن کس که نهاد پا علی بود
 در ظلمت بحر یسا علی بود
 بنمود چو ازدها علی بود

آیین گبریا علی بود
 میری که به بر نمود تشریف
 هر نامه که شد فرود از حق
 هر جلوه که کرد چهره دوست
 بر موضع خاتم نبوت
 آن حرف ندا که گفت یونس
 آن کس که عصا به دست موسی

در بارهٔ غدیر گوید :

امروز که روز داد و گیر است
چون جام دهی به ما جوانان
از جام و سبو گذشت گسارم
امروز به امر حضرت حق

می ده که پیاله دلپذیر است
اول به فلک بده که پیر است
وقت خم و نوبت غدیر است
بر خلق خدا علی امیر است (۱)

غدیریه از عالم عامل و عارف کامل شیخ محمد حسین اصفهانی (ره) :
بـسـادـه بـده سـاقـیا و لی ز خم غدیر

چنگ بزن مطربا و لـی بیاد امیر
تو نیز ای چرخ پیر بیاز بالا بزیر
داد مسرت بده ساغر عشرت بگیر
بلبل نطقم چنان قافیه پرداز شد

که زهره در آسمان بنگمه دساز شد
محیط کون و مکان دائره ساز شد
سرور روحانیان هو العلی الکبیر
نسیم رحمت وزید دهر کهن شد جوان

نهال حکمت دمید پر ز گل ارغوان
مسند حشمت رسید بخسرو خسروان
حجاب ظلمت درید ز آفتاب منیر
وادی خم غدیر منطقه نسور شد

یا ز کف عقل پیر تجلی طور شد

۱- اشعار مرحوم شهیدی از کتاب یادبود علامه امینی نقل شده .

یا که بیانی خطیر ز سر مستور شد

یا شده در یک سریر قران شاه و وزیر

(الی ان قال)

چون بسردست شاه شیر خدا شد بلند

بتارک مهر و ماه ظل عنایت فکند

بشوکت فرو جاه بطالعی ارجمنند

شاه ولایت پناه بامسر حق شد امیر

مژده که شد میر عشق و وزیر عقل نخست

بهمت پیر عشق اساس وحدت درست

بآب شمشیر عشق نقش دوئیت بشست

بزیو زنجیر عشق شیر فلک شد اسیر

(الی ان قال)

جلوه بصد ناز گرد لیلی حسن قدم

پرده زرخ باز کرد بدر منیر ظلم

نغمه گری ساز گرد معدن گل حکم

یا سخن آغاز کرد عن اللطیف الخبیر

بهر که مولا منم علی است مولای او

نسخه اسماء منم علی است طغرای او

سر معما منم علی مجلای او

محیط انشا منم علی مدار و مدیر

طور تجلی منم سینه سینا علی است

سر انا الله منم آیت کبری علی است

دره بیضا منم لوء لوء لالا علی است

شافع عقبی منم ،علی مشارو مشیر

حلقه افلاک را سلسله جنبان علی است

قاعدهٔ خاک را اساس و بنیان علی است

دفتر ادراک را ، طراز و عنوان علی است

سید لولاک را ، علی وزیر و ظهیر

انسان بدبخت :

با توجه به آیات قرآن و گفتار پیامبر (ص) در باره خلافت و امامت
عده‌ای از روی حسد و دشمنی ولایت علی (ع) را نپذیرفته ، علم مخالفت
با خاندان وحی را برداشتند .

آیا تابحال از خود سوءال کرده‌اید که بدبختی چیست؟ و یک
انسان بدبخت کیست؟ بدبختی جهل مرکب و پیروی از هوی و هوس است
و انسان بدبخت کسی است که کور باشد و عوض توسل به بینا دستش را
به کور دیگری بدهد .

سرگذشت یک انسان بدبخت :

پیامبر (ص) در غدیر خم با جمله " من کنت مولاه فعلی مولاه "
علی (ع) را بعنوان حاکم و امام مسلمین معرفی فرمود .

خبر این جریان منتشر شد ، حارث بن نعمان فهری سوار بر شتر
شد و خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت :

یا محمد امرتنا عن الله ان نشهد ان لا اله الا الله و انک لرسوله
فقبلناه و امرتنا ان نصلی خمسا فقبلناه منک .

و امرتنا بزکاه فقبلنا

و امرتنا ان نصوم شهرا فقبلنا

و امرتنا بالحج فقبلنا

ثم لم ترض بهذا حتی رفعت بضعی ابن عمک فضلته علینا

و قلت : من كنت مولاة فعلى مولاة
فهذا شى منك ام من الله عزوجل؟

یعنی : ای پیامبر! از طرف خدا امر کردی که بگوئیم جز خدای
یگانه خدائی نیست و تو پیغمبر خدائی ماهر پذیرفتیم . و نیز بما امر
کردی که پنج نوبت نماز بخوانیم و زکوه بدهیم و یک ماه روزه بگیریم
و حج خانه خدا کنیم همه را قبول کردیم به اینها راضی نشدی تا بازوهای
پسرعم خود را گرفتی و او را بر همه ما برتری دادی و گفتی :

"هرکس من آقا و سرپرست او هستم علی آقا و سرپرست اوست"
آیا این کار را از خودت انجام دادی یا بدستور خدا؟
فقال (رسول الله ص) والذى لالا اله الا هو ان هذا من الله .

پیغمبر (ص) فرمودند : بخدائی که جز او خدائی نیست این را از
طرف خدا می گویم (و به امر خدا علی (ع) را حاکم و خلیفه نمودم) .

فولى الحرث بن النعمان يربد راحلته و هو يقول :
اللهم ان كان ما يقول محمد حقا فامطر علينا حجاره من السماء او
ائتنا بعذاب اليم .

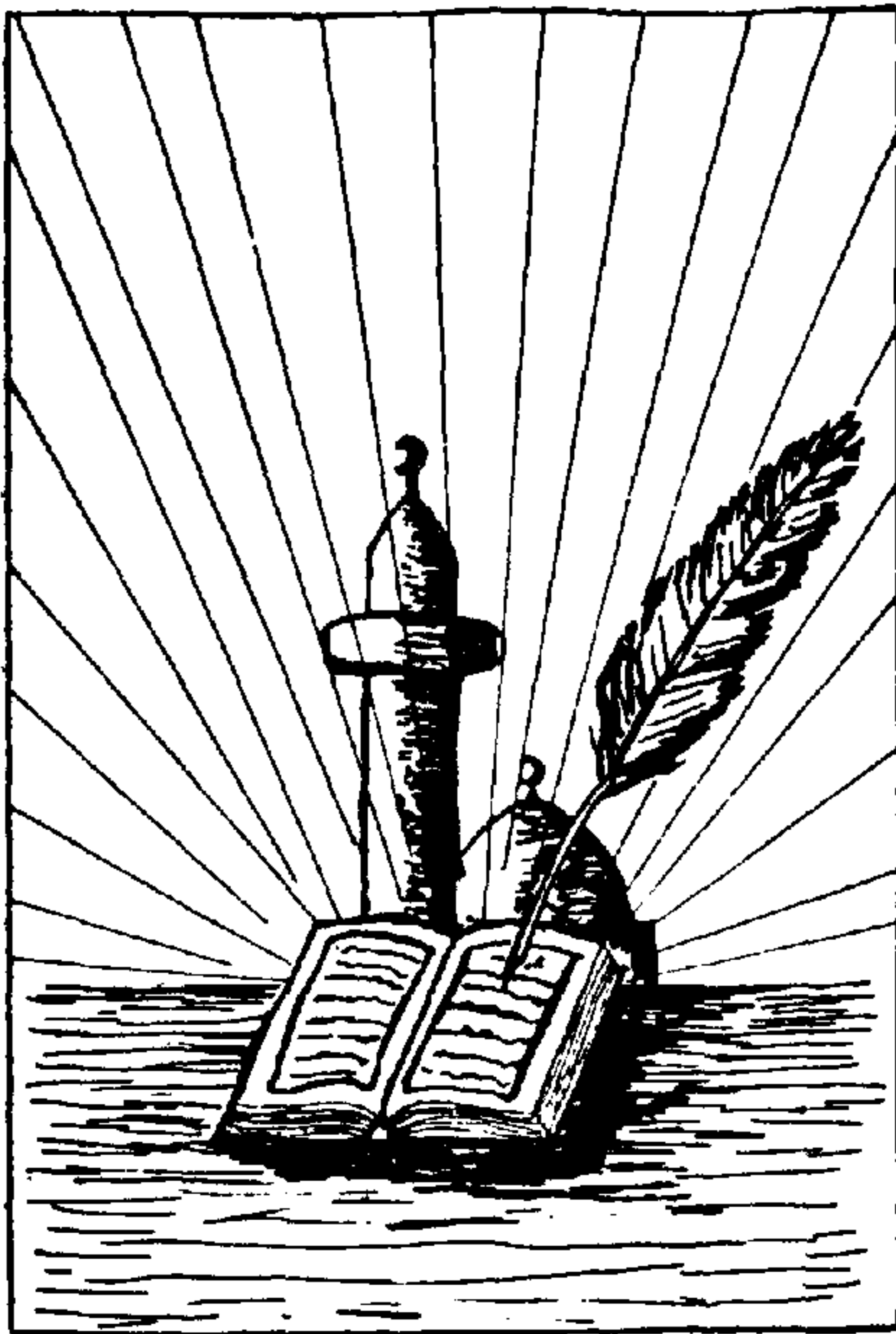
فما وصل اليها حتى رما الله تعالى بحجر فسقط على هامته و خرج
من دبره و قتله و انزل الله عزوجل : سال سائل بعذاب واقع . . .
حارث رو از پیامبر گردانید و در حالیکه بطرف شتر خود می رفت
گفت : خدایا ! اگر آنچه محمد (ص) می گوید راست باشد سنگی از آسمان
بر سر من فرود آور یا عذابی دردناک بر من بفرست .

حارث (بدبخت) هنوز به شتر خود نرسیده بود سنگی از آسمان
بر سر او فرود آمد و او را هلاک گردانید .

آنگاه این آیات نازل شد :

سال سائل بعداب واقع ... (۱)

پایان قسمت پنجم



۱- نقل از الفدیر " علامه امینی " رضوان الله علیه (جلد اول ص ۲۴۰) و " مصباح الهدایه فی اثبات الولایه " علامه میر سید علی بهبهانی رضوان الله علیه .

قسمت ششم :

- ۱- قرآن مؤید عترت
- ۲- کرائم القرآن
- ۳- آیات الولایه
- ۴- بازگشت به بحث غدیر خم
- ۵- سخن عارف الهی مرحوم میرزا جواد تبریزی
- ۶- فردا چه می شود
- ۷- تذکر
- ۸- متن دعای ندبه
- ۹- خطبه رسول اکرم یوم الغدیر

قرآن مؤید عترت

تا این قسمت از دعا (یعنی فقال والملا امامه...) آیاتی چند (مثل آیه تطهیر و موده) که در بارهٔ اهل بیت (ع) بود تشریح گردید ولی باید به این نکته توجه داشت که آیات ولایت (یعنی آیاتی که در معرفی اهل بیت (ع) و تأیید رهبری آنان است) بسیار است .

کرائم القرآن :

برای اینکه قلوب دوستان آل محمد (ص) بیش از پیش تجلیگاه عشق این بزرگواران بشود بعضی از آیات را همراه با روایات مربوطه نقل می‌کنیم .

قبل از ذکر آیات قرآن در شان اهل بیت (ع) به حمله مولانا امیر-المؤمنین (ع) تمسک می‌جوئیم که فرمود :

فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن .

یعنی : آیات کریمه (وستایشی) قرآن در شان ائمه دین و عترت پیامبر (ص) نازل گشته و آنها گنجهای علم و فضیلت الهی هستند که

خدای رحمن برای بندگان خویش ذخیره فرموده است .
خطیب بغدادی در تاریخش (ج ۶ ص ۲۲۱) از ابن عباس نقل
می‌کند که در باره علی علیه السلام ۳۵۵ آیه در قرآن موجود است .
و نیز در صواعق از ابن عباس نقل شده که آنچه از آیات قرآن در
باره علی (ع) نازل گشته در باره احدی نازل نگشته است .

آیات الولایه :

۱- بسم الله الرحمن الرحيم

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

همه قرآن در باء " بسم الله " است و من نقطه زیر باء هستم و به

عبارت دیگر فرمود :

آنچه در قرآن است در سوره فاتحه است و آنچه در سوره فاتحه

است در آیه بسم الله است و آنچه در بسم الله است در باء آنست و من

نقطه باء هستم . (۱)

در تشریح این حدیث گفته شده :

شاید منظور این باشد ، همانطور که شناخت حروف بوسیله نقطه

است شناخت قرآن و معارف اسلامی و حقائق عالم هم بعلی علیه السلام

است .

مرحوم آیه الله شیخ محمدحسین اصفهانی (ره) در دیوانش اشاره

به حدیث مذکور دارد .

" نقطهء بائیه "

۱- تجلی ولایت به نقل از اسفار ملاصدرا و انوارالمواهب .

گلشن خلد برین شد عرصه بیت الحرام
تا خرامان گشت دوری تازه سروی خوشخرام
نونهای معتدل از بوستان فاستقم
شاخه طوبی بری از روضه دارالسلام
قامتی در استقامت چون صراطی مستقیم
سرو آزادی بقامت همچو میزانی تمام
"نقطه بائیه" بود و در تجلی شد الف
مصحف کونین را داد افتاح و اختتام
تا قیامت وصف آن قامت نگنجد در بیان
لیک می دانم قیامت می کند از وی قیام
۲- اهدنا الصراط المستقیم - صراط الذین انعمت علیهم

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود :
ما ابواب خدا و صراط مستقیم هستیم .

قال رسول الله صلى الله عليه وآله في قول الله عزوجل : صراط -
الذین ...

شیعه علی (ع) الذین انعمت علیهم بولایه علی ابن ابیطالب
لم یغضب علیهم ولم یضلوا
"نور الثقلین"

پیامبر (ص) فرمود :

پیروان علی (ع) را خدا نعمت ولایت داده آنها غضب شده
و گمراه نیستند .

۳- ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب
امام صادق علیه السلام فرمود :

" کتاب " علی علیه السلام است که شکی (در حقانیت) وی نیست .

صاحب کتاب "آیات الولایه" گوید :

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از حضرت ابی عبدالله ماثور است "کتاب" علی ولی است که شک در آن نیست و نیز از آن حضرت ماثور است که : کتاب علی "لا شک فیه" .

اضافه کتاب به علی (ع) بیانیه است یعنی کتابی که آن علی (ع) است شکی در آن نیست .

در حدیثی از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که :

پیامبر (ص) از ائمه "اثنی عشر" یاد می کند و می فرماید :

خوشا بحال دوستانشان، آنها هستند که خدا توصیفشان کرده

و فرموده :

هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب . . .

۴- اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون

قال رسول الله (ص) :

یا سلمان هذا (یعنی علی "ع") و حزبه هم المفلحون یوم القیامه

۵- و بشر الذین آمنوا و عملوا الصالحات ان لهم

(بقره - ۲۵)

از ابن عباس نقل شده که گفت :

آیات مذکور اختصاص به رسول اکرم (ص) و علی (ع) و اهل بیت

آنحضرت دارد .

(بقره - ۴۳)

۵- وارکعوا مع الراكعین

قال الباقر علیه السلام فی قوله تعالی : وارکعوا مع الراكعین

نزل فی رسول الله (ص) و علی (ع) و هما اول من صلی و رکع

(البرهان)

(بقره - ۵۸)

۶- و قولوا حطه . . .

رسول اکرم فرمود :

برای هر امتی صدیقی و فاروقی هست و صدیق و فاروق این امت
علی علیه السلام است و او کشتی نجات و باب حطه این امت است .

(نورالثقلین)

۷- فانفجرت منه اثنتا عشره عینا (بقره - ۶۵)

ابن عباس گفت از رسول اکرم شنیدم فرمود :

ای مردم ! کسی دوست دارد از من پیروی کند به ولایت علی (ع)
و دیگر پیشوایان از فرزندانم تمسک جوید زیرا آنها مخزن دانش من
هستند .

جابر برخاست و گفت : ای رسول خدا ! تعداد پیشوایان چیست ؟

فرمود : ای جابر ! از من سوءال کردی از اسلام واقعی

(الی ان قال) عده آنها عده چشمه‌هایی است که برای موسی بن

عمران بیرون آمد هنگامی که با عصا به سنگ زد و (برای او) دوازده
چشمه بیرون آمد .

(اهل البیت فی القرآن)

(بقره - ۱۱۴)

۹- فاینما تولوا فثم وجه الله

امام رضا علیه السلام فرمود :

(نورالثقلین)

وجه الله علی (ع) است .

مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی (ره) در باره میلاد امیر-

المؤمنین فرمود :

تا درخشان شد درون کعبه زان وجه حسن

ثم وجه الله روشن شد برون شد شک و ظن

۹- الذین آتیناهم الكتاب یتلونه حق تلاوته

(بقره ۱۲۱)

از امام صادق در باره این آیه سوءال شد فرمود :
 آنها پیشوایان (معصوم) هستند .

(نورالثقلین)

۱۰- اذا بتلی ابراهیم ربه بکلمات ... (بقره ۱۲۳)

روی الحافظ القندوزی الحنفی باسناده عن المفضل قال :

سالت جعفر الصادق عن قوله تعالى : واذ ابتلی ...

قال : هی الکلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب علیه

فقلت له یا ابن رسول الله فما یعنی بقوله " فاتمهن " ؟

قال علیها السلام : یعنی اتمهن الی القائم المهدي اثنی عشر اماما
 تسعه من الحسین .

(نورالثقلین)

۱۱- وکذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس

(بقره - ۱۴۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

خداوند در آیه شریفه " لتکونوا شهداء علی الناس " ما را قصد

کرده پس رسول الله شاهد برماست و ما شهداء خدا و حجت او بر خلقش
 در روی زمین می باشیم .

کما قال الصادق علیه السلام : نحن الامه الوسطی و نحن شهداء

الله علی خلقه و حججه فی ارضه

(نورالثقلین)

۱۲- والذین آمنوا اشد حباله

امام صادق علیه السلام در باره آیه فوق فرمود :

آل محمد منظور هستند (یعنی آل محمد شدیدترین محبت را

به خدا دارند) .

۱۳- ليس البر بان تاتوا البيوت من ظهورها ولكن البر...

(۱۸۹ - بقره)

قال مولانا اميرالمؤمنين عليه السلام :

نحن البيوت امرالله ان توتي ابوابها

۱۴- و من الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله...

(بقره - ۲۵۶)

امام حسين عليه السلام فرمود :

این آیه در شان علی (ع) نازل گشت هنگامی که در بستر پیامبر

(ص) خوابید .

ابن عباس گفته :

شبی که پیامبر از مکه خارج شدند علی (ع) بجای ایشان خوابید

و این آیه نازل شد : " و من الناس..."

(ينابيع الموده)

۱۵- يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة

(بقره - ۲۵۸)

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود :

ولايت ما اهلبيت منظور است .

(اهل البيت في القرآن)

از امام صادق نقل شده که فرمود :

يعنى در ولايت على عليه السلام (داخل شويد)

(نورالثقلين)

۱۶- فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة

(بقره - ۲۵۶)

الوثقى

قال رسول الله (ص) لعلي عليه السلام .

(انت العروه الوثقی) یعنی پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود :
 تو عروه الوثقی هستی و نیز فرمود :
 کسی که دوست دارد به عروه الوثقی متمسک گردد باید به محبت
 و موده علی بن ابیطالب (ع) چنگ بزند .

(البرهان)

۱۷- من یوءت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا

(بقره - ۲۶۹)

... عن ابی عبداللہ (ع) فی قول اللہ "ومن یوت الحکمه..."
 قال : طاعه اللہ و معرفه الامام

(نورالثقلین)

رسول اللہ (ص) فرمودند :

حمد خدای را که حکمه را در خانواده ما اهل بیت قرار داد .

(اهل البیت فی القرآن)

۱۸- الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرا و علانیه ...

(بقره - ۲۷۴)

قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ :

نزلت " الذین ینفقون اموالهم ... " فی علی (ع)

(البرهان)

۱۹- هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب

و اخر متشابهات و اما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء
 الفتنه و ابتغاء تاویلہ و ما یعلم تاویلہ الا اللہ و الراسخون فی العلم ...

(آل عمران - ۶)

... عن ابی بصیر عن ابی عبداللہ (ع) قال :

نحن الراسخون فی العلم و نحن نعلم تاویلہ

(البرهان)

قال علی (ع) :

این الذین زعموا انهم الراسخون فی العلم دوننا کذبا و بغیا
علینا . . . (نهج البلاغه)

۲۰- شهد الله انه لا اله الا هو والملائکه و اولوالعلم . . .

(آل عمران - ۱۸)

عبدالملک بن عطا گفت از امام باقر (ع) شنیدم می فرمود :

ما اولوالالذکر و اولوالالعلم هستیم و (علم) حلال و حرام نزد

ما است .

(البرهان)

۲۱- فمن حاجک فيه ما جاءک من العلم فقل تعالوا . . .

(آل عمران - ۶۲)

علی (ع) در احتجاج بر ابي بکر فرمود :

تو را به خدا سوگند می دهم روز مباحله با مشرکین ، رسول الله ص

من و همسر و فرزندانم را (برای مباحله) بیرون آورد یا تو و همسر و -

فرزندانم را .

ابابکر گفت : شما را (نورالثقلین)

۲۲- افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون (سوره سجده)

ابن عباس گفته : این آیه در باره علی (ع) و ولید بن عقبه نازل

گشته - منظور از مؤمن علی (ع) و فاسق ولید بن عقبه است .

(فضائل الخمسه . . . جلد اول)

۲۳- فان الله هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین

(سوره تحریم)

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود :

پیامبر (ص) فرمود : صالح المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) است .

(مدرک قبل)

۲۴- ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا

(سوره مریم -)

از ابن عباس نقل شده که گفت :

این آیه در شان علی (ع) نازل گشته است .

۲۵- مرج البحرین يلتقیان . . .

(سوره الرحمن -)

در مجمع البیان از طریق اهل سنت و غیره از سلمان و سعید بن جبیر و سفیان ثوری روایت کرده است که بحرین در این آیه "علی و فاطمه و برزخ رسول الله و لوءاء و مرجان حسن و حسین (ع) هستند

(مصباح الهدایه . . .)

۲۶- رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه . . .

(سوره احزاب)

فی مجمع البیان :

وروی ابوالقاسم الحسکانی عن عمرو بن ثابت عن ابی اسحاق عن

علی (ع) قال : فینا نزلت : رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه . . .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : این آیه در باره ما نازل

گشته است .

(نور الثقلین)

۲۷- والذی جاء بالصدق وصدق به اولئک هم المتقون

(سوره الزمر)

سیوطی در تفسیرش گفته :

از ابوهریره نقل شده که والذی جاء بالصدق رسول الله (ص) است

" و صدق به " علی بن ابیطالب است .

۲۸- یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین

(سوره توبه)

از ابن عباس نقل شده که گفت :

"کونوا مع الصادقین" یعنی با علی (ع) و پیرو او باشید .

۲۹- فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون

(نحل)

ثعلبی در تفسیر خود از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که وقتی آیه : "فاسئلوا اهل الذکر . . ." نازل شد علی علیه السلام فرمود : ما اهل ذکر هستیم .

(مصباح الهدایه فی اثبات الولایه)

۳۰- و قفوهم انهم مسئولون

(سوره صافات)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على جهنم لم يجز عليه الا من معه جواز فيه ولايه علي - بن ابيطالب (ع) و ذلك قوله تعالى . . . و قفوهم انهم مسئولون" یعنی عن ولایه علی بن ابیطالب (ع)

(نور الثقلین)

۳۱- و من يطع الله والرسول فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا (سوره نساء - ۶۹)

از انس بن مالک روایت شده که گفت :

از رسول اکرم (ص) تفسیر آیه (فوق) را سؤال نمودم پیامبر (ص) فرمود : منظور از پیامبران "من" هستم - و صدیقان برادرم علی (ع) است و شهیدان برادرم حمزه و نیکوکاران دخترم فاطمه و اولاد او حسن

و حسین می باشند .

از طریق اهل سنت نقل شده که پیامبر (ص) فرمود :
صدیقین سه نفر هستند : ۱- حبیب نجار ۲- حزقیل ۳- علی بن
ابی طالب (ع) و او از آن دو افضل است .

(مصباح الهدایه . . .)

۳۲- طوبی لهم و حسن مآب

ثعلبی در تفسیر خود از جابر جعفی از حضرت باقر (ع) نقل کرده
است که فرمود : از پیامبر (ص) ، سؤال کردند " طوبی لهم و حسن مآب
چیست ؟ فرمود : طوبی درختی است در بهشت ، ریشه آن در خانه علی
(ع) و شاخه های آن بر سر اهل بهشت سایه می افکند . . .

(فروع هدایت - ترجمه مصباح الهدایه . . .)

۳۳- والسابقون السابقون اولئک المقربون فی جنات النعیم .

(واقعه - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳)

امیرالمؤمنین خطاب به مهاجر و انصار فرمود :

شما را بخدا سوگند می دهم آیا می دانید که خداوند در قرآن در
چندین آیه سابق را بر مسبوق برتری داده و هیچکس در ایمان و اطاعت
از خدا و پیامبر (ص) بر من سبقت نگرفته است .

همه گفتند آری می دانیم .

فرمود : شما را بخدا آیا می دانید که وقتی آیه "السابقون . . ."

نازل گشت از پیامبر سؤال شد که در باره چه کسانی نازل شده است ؟

فرمود : خداوند آنها را در باره پیغمبران و جانشینان آنها نازل

کرده ، من از همه پیغمبران خدا افضل و علی بن ابیطالب (ع) جانشین من

از همه جانشینان افضل است .

(فروع هدایت)

حضار گفتند آری .

۳۲- فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ . . .

(بینه - ۷)

از طریق اهل سنت روایت شده که وقتی این آیه نازل گشت مردی برخاست و سوءال کرد : یا رسول الله این خانه ها کدام است ؟
فرمود : خانه های انبیاء

گفت : خانه علی و فاطمه از آنهاست ؟

فرمود : بلی - از بهترین آنهاست . (مدرك قبل)

۳۵- انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه .

(مائده - ۵۵)

علامه بزرگوار امینی رحمه الله فرماید :

۶۶ نفر از علماء اهل سنت این آیه را در باره علی (ع) دانسته اند

(امرأه هستی بنقل از الغدیر)

صاحب کشف اسرار (امام خمینی) فرماید :

از اهل سنت ۲۴ حدیث نقل شده که این آیه درباره علی (ع)

نازل گشته است .

۳۶- و اعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

(آل عمران - ۱۰۳)

از طریق اهل سنت ۴ حدیث نقل شده که حبل الله که مردم

مامورند به او متمسک شوند علی بن ابیطالب (ع) است .

(ماخذ قبل)

۳۷- انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لاینال عهدی

الظالمین (بقره - ۱۲۳)

از پیامبر (ص) در روایت مفصلی نقل شده که فرمود :

آنچه پدرم ابراهیم از خدا خواست من هستم . الی ان قال (ص)

درخواست ابراهیم منتهی به من وعلی شده است که هیچگاه در برابر بت سرفرود نیاوردیم .

(فروغ هدایت)

۳۸- اجعلتم سقایهالحاج و عمارهالمسجدالحرام کمن آمن بالله .
 واحدی در تفسیر اسباب نزول آورده و محمد بن کعب قرظی روایت کرده که سبب نزول این آیه آن بود که :
 امیرالمؤمنین (ع) و عباس و طلحه بن شیبه افتخار کردند . طلحه به کلیدداری خانه کعبه - عباس به آب دادن به حاجیان .
 امیرالمؤمنین فرمود : من ششماه قبل از مردم نماز خوانده و صاحب جهاد هستم .

در این هنگام آیه آمد : اجعلتم . . .

(لطائف غیبیه علامه میرسیداحمد علوی "ره")

۳۹- یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره مستطیرا و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا

ابوالموید خوارزمی در کتاب مناقب - ثعلبی و واحدی در تفسیر خود آورده اند که این آیات در باره خاندان رسالت نازل گشته است .
 (لطائف غیبیه . . .)

بازگشت به بحث غدیر خم :

۴۰- الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و . . .

(مأئده - ۴)

مرحوم علامه امینی صاحب "الغدیر . . ." بحث مفصل و ارزنده ای پیرامون آیه فوق نموده و از کتب اهل سنت نقل فرموده که این آیه در روز غدیر خم نازل گشته است .

الحافظ ابن مردويه الاصفهانی (المتوفى ۴۱۰) روی من طریق
ابی هارون العبدی عن ابي سعيد الخدری -
انها نزلت على رسول الله (ص) يوم غدیر خم حين قال (ص)
لعلى (ع) من كنت مولاہ فعلى مولاہ . . .

(الغدیر جلد ۱ ص ۲۳۱)

حموئی از دانشمندان بزرگ اهل سنت (بسند خود) از ابوسعید
خدری روایت نموده است که گفت :

پیغمبر (ص) مردم را در غدیر خم دعوت به ولایت علی (ع) نمود
. . . (الی ان قال) هنوز مردم پراکنده نشده بودند که این آیه

نازل شد :

اليوم اکملت لکم . . .

(فروع هدايت ترجمه مصباح الهدایه . . .)

سخن عارف الهی آیه الله میرزا جواد آقا تبریزی :

عارف الهی مرحوم آیه الله میرزا جواد آقا تبریزی رحمه الله در
باره روز غدیر خم و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مطالب
بسیار ارزنده ای بیان داشته که برای اهل معرفت نقل می کنیم :

" و اما یوم الغدیر

و ما ادراک ما یوم الغدیر؟

و قد اشرنا فیما اسلفناه فی یوم مبعث النبی صلی الله علیه وآله
ان هذا الیوم من جهة شرافه هذا المبعث الشریف اشرف الايام
والاوقات .

واشرنا الی ما یدل علیه من الاخبار .

و یوم الغدیر من هذا الیوم بمنزله الجزء الاخیر من العله التامه .

بل بمنزله الباطن من الشئ الظاهر ،

و بمنزله الروح من الانسان ،

لان كل ما فى هذا المبعث الشريف ، من الخير والفوز و السعاده مشروطه بولايه اميرالموءمنين والائمه من ولده لما وردت فى الاخبار الكثيره العاميه والخاصيه ان انوارهم كانت واحده الى ان افترقا فى صلب عبدالله و ابي طالب وان الله اوجب ولايتهم على جميع الخلق والغدير يوم ظهور هذه الولايه ولذا نزل فيه :

اليوم اكملت لكم دينكم و . . .

و قد روى الصدوق فى علل الشرايع عن مفضل بن عمر حديثا مفصلا فيه ان النبى صلى الله عليه وآله قد ارسل الى جميع الانبياء والمرسلين ، و ان اميرالموءمنين عليه السلام خليفته سيهم كلهم و انه يجب طاعته عليهم .

كما يجب اطاعه رسول الله صلى الله عليه وآله

و ان حكمه جار على سدنه الجنان و خزنه النيران ، و ان الملائكه متعبدون بالاستغفار لشيئته . . .

الى ان قال (رحمه الله)

و اما تفصيل يوم الغدير و قضيه تخليف النبى عليا عليهما السلام فقد روى فى ذلك مجملا و مفصلا مع اختلاف يسير فى بعض الالفاظ ولكن الجامع من الالفاظ المرويه عن علماء العامه المتفق على روايتها فى المتواتر وقوته انه بعد نزول آيه : النبى اولى بالمؤمنين من انفسهم . . .

قال الناس : يا رسول الله ما هذه الولايه التى انتم بها احق منا بانفسنا ؟

فقال : السمع والطاعه فيما احببتم وكرهتم قال يوم الغدير :

یا ایها الناس الست اولی بالموءمنین من انفسهم؟
قالوا : بلی

قال : من کنت مولاہ فهذا علی مولاہ و ...

(المراقبات)

فردا چه می شود؟

در شرح کلمات ائمه علیهم السلام و ادعیه منقول از آنها علماء ربانی و اهل معرفت رضوان الله علیهم کتابها نوشته و عمیقا موضوعات اعتقادی و بخصوص ولایت و حکومت اهل بیت (ع) را بررسی کرده اند . نوشته حاضر هرگز محتوی و عمق آن کتابها را نداشته و مهتر نویسنده ، خلوص نیت آن نویسندگان را ندارد .

ولی حقیقت اینست که علت نوشتن این سطور محبت و شاید عشقی است که نسبت به محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین در دل داشته به اندازه ای که گاه هنگام مطالعه روایات و یا تاریخ زندگی آن بزرگواران اشکم سرازیر می شود و با یاد مظلومیت آنان خصوصا :

مولانا امیرالموءمنین علیه السلام

و حضرت، صدیقه کبری فاطمه زهراء علیها السلام

سخت محزون می گردم .

البته اینها زیاد مهم نیست . مهم اینست که فردا یعنی پرم—
الحسره کار ما بکجا می کشد؟ آیا دستگیران روءف دستمان را می گیرند
یا رها و تنهایمان می گذارند؟

آیا فریادزسان الهی به ما توجهی می کنند یا ...

اعتقادم براین است همانطور که ما در دنیا سرپرست و آقا و صاحب
و فریادرس داریم فردا هم بی کس نخواهیم بود .

مگر می شود در دنیا (یا علی) و (یا حسین) و (یا صاحب الزمان)
بگوئیم و با مخالفین آنها مخالف باشیم و فردا آن بزرگواران به ما توجهی
نکنند .

هرگز - هرگز

ما در خانهای به خدمت مشغولیم که صاحبانش بسیار کریم
و مهربان هستند .

و براستی :

عادتهم الاحسان و سجيتهم الكرم وان الله فتح بهم و ختم بهم
و ينزل الغيث بهم و يمسك السماء بهم و انهم معادن الرحمه .

تذکر:

لازم به تذکر است چون پاک نویس و تنظیم بحثهای آینده به
زمان نیاز داشت فرصت را مغتنم دانسته به چاپ بحثهای آماده شده
پرداختم در این دفتر تا (من کنت مولاه...) از دعای ندبه سیر
نمودیم ، ادامه کار و چاپ بقیه مطالب بستگی به فضل خدا و عنایت
حجه بن الحسن العسکری (عج) دارد .

اللهم نور ظاهری برحمتک ، و باطنی بمعرفتک و قلوبنا بمحبتک
و ارواحنا بمشاهدتک وصل علی محمد و آله و ارزقنا بهم عفوا
بلا عتاب و جنبه بلا حساب بمحمد و آله الاطیاب

ایام شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا (ع)

جمادی الاول ۴۰۴ ق

قم - سید محمود میردامادی

دُعای نذیر

مستحب است خواندن آن در چهار عید:
فطر - قربان - غدیر - روز جمعه و آن دعایست

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ

سپاس خداوندی را است که پروردگار جهان نیاست و تحت فرستد خدا

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

بر آقای ما محمد پیامبر خود و اولادش و همچنین درود فرستد

تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جِئَنِي

درود فراوان بار خدا یا ترا است سپاس در مقابل آنچه جاری شده

بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ

بر آن حکم تو درباره دوستان تو آنانکه

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ إِذِ

خالص گردانیدی آنها را برای خود و برای دین خود چون

اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنْ

اختیار نمودی برای آنها بزرگترین چیزی که به پیشگاه تو است از

النَّعِيمِ الْمَقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَ

نعمت جاودانی که نه زوالی بر آن است و نه از

لَا اضْطِلَالٍ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ

بین رفتن بعد از آنیکه شرط کردی « پیمان گرفتی »

عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ

بر آنها که پارسائی کنند در مقامات این

الدُّنْيَا الدِّنْيَةَ وَزُخْرُفَهَا وَزُبُرِجَهَا

دنیاى پست و در زینت و آرایش آن

فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَعَلَيْكَ مِنْهُمْ

پس این شرط را با تو کردند و داشتی و نفاى

الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْنَاهُمْ وَقَرَّبْنَاهُمْ

آنان را و پذیرفتی از آنان و مقربشان ساختی و

قَدَّمْتَهُمْ لَكَ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالشَّانَةَ

پیش انداختی برای آنها یاد بلندى و تعریفى

الْحَلِيَّ وَاهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ

پس آشکار و فرو فرستادى برايشان فرشتگان خود را

وَكَرَّمْنَاهُمْ بِوَجْهِكَ وَرَفَدْنَاهُمْ بِعَلِيكَ

و اگر امشان نمودى بوجهى خود و پذیرايشان نمودى بعلم خود

وَجَعَلْنَاهُمْ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ

و آنان را واسطه بوسی خود و وسیله بوسی بهشت

إِلَى رِضْوَانِكَ فَبَعْضُ أَسْكَنَهُ جَنَّاتِكَ

خود قرار دادی پس بعضی را ساکن کردی در بهشت

إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ

تا آنکه بیرون نمودیش از آن و بعضی را حمل نمودی

فِي فُلُوكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ أَمِنَ مَعَهُ

در کشتی خود و نجات دادی او و گروهی که با او را

مِنَ الْمَلَائِكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضُ اتَّخَذَتْهُ

از ملائکه بر رحمت خود و بعضی را برای خود بدوستی

لِنَفْسِكَ خَلِيلاً وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ

انتخاب فرمودی و از تو درخواست کرد نیکو می را

فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذَاكَ

برای بعد از خود پس اجابتش کردی و شتر را دادی آوازه

عَلِيًّا وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكَلِّمًا

آواز بلند و بعضی را سخن گفتی از درخت سخن گفتنی

وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ آخِيهِ رِدًّا وَوَزِيرًا

و قرار دادی برایش برادر خودش پشیمان و وزیر

وَ بَعْضُ أَوْلَادِنَهُ مِنْ غَيْرِ آبٍ وَآتِنَهُ

و بعضی را متولد ساختی بدون پدر و دادی برایش

الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ

معجزات آشکار و تأییدش فرمودی بوسیله جبرئیل و

كُلِّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَفَجَبْتَ لَهُ

برای هر یک آئینی شتر را دادی و طریقه ای را معین

مِنْهَا جَاوِزٌ خَيْرٌ لَّهِ اَوْ صِبَاءٌ مُسْتَحْفِظًا

فرمودی و اختیار کردی برایش جانشینانی که یکی پس از

بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مَدَّةٍ اِلَى مَدَّةٍ

دیگری حافظ دین باشد از مدت معین تا مدت معین

اِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ

تأیید دارند دین تو را و حجت باشند بر بندگان تو

وَلَيْتَ لَا يَرْوُلَ الْحَقُّ عَنْ مَفْرَسِهِ وَيُغْلِبَ

و تا بر داشته نشود حق از جایگاه خود و غلبه نکند

الْبَاطِلُ عَلَى اَهْلِيهِ وَلَا يَقُولَ اَحَدٌ

باطل بر اهل حق و تا نکوید کسی که چرا

لَا اَرْسَلْتُ الْبَنَادِرَ سِوَا مَنْ ذَرَاوَا فِئْتِكَ

نفرستادمی بسوی ما پیغمبری که بترساند ما را و چرا بر پا نکردی

لَنَا عَلَمًا هَادٍ بِأَفْتَبِخِ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ

برای ما پرچم راهنمائی که پیروی کنیم از آیات تو قبل از

أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزِي إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ

آنکه خوار و رسوا گردیم تا اینکه رسانیدی این امر

إِلَى الْحَبِيبِ وَنَجِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

بِجِيبِ وَ نَجِيبِ خُودِ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَالْإِلَهِ فَكَانَ كَمَا أَنْجَبْتَهُ سَيِّدًا

عَلَيْهِ وَ آله پس میباشد همچنانکه برگزیدی آقای

مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ

مخلوقاتت و برگزیده برگزیدی گانت و

وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ وَ أَكْرَمَ مَنْ

برتر از همه آنانکه انتخاب فرمودی و گرامی تر از همه آنانکه

اعْتَدْتَهُ فَدَمَّتْهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ

اعتماد نمودی، مستم داشتی آزا بر پیامبرانت و

بَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَ

بر اینجختی او را بسوی جن و انس از بندگانت و

أَوْطَأْتَهُ مَشَارِفَكَ وَمَغَارِبَكَ وَ

زیرپایش گذاشتی شرق و غرب عالم خود را و

سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِهِ

سخر فرمودی برایش براق را و بالا بردی او را

إِلَى سَمَائِكَ وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ

بسوی آسمانهایت و داخل کردی او را علم گذشته

وَمَا يَكُونُ إِلَى انْفِصَالِ خَلْقِكَ ثُمَّ

وآینده را تا پایان خلقت «موجودات» پس

نَصْرَتَهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَفْنَاهُ بِحَبْرٍ نَّيْلٍ

یاریش فرمودی به ہراس «دل دشمنان» و حفظ فرمودی اورا بوسیلہ

وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكِكَ

جبرئیل و میکائیل و نشانہ داران از فرشتگان و اورا

وَوَعَدْنَاهُ أَنْ نُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ

وعدہ دادی کہ ظاہر گردانی «غلبہ دہی» دینش را بر ہمہ

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَذَلِكَ

ادیان گر چه ناپسند دارند مشرکان و این پس از آن

بَعْدَ أَنْ بَوَّأْنَاهُ مَبُوءَهُ صِدْقٍ مِنْ

است کہ جا دادی اورا در جایگاہ صدق و راستی در میان

أَهْلِهِ وَجَعَلْتُ لَهُ وَلَهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ

اہل خود و قرار دادی برای وی و ہمہ آنان اول خانہ را کہ

وَضِعَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بَكَهَ مُبَارَكًا وَ

برپاشت بنفع عموم مردم در سرزمین مکه که او مبارک است و

هُدًىً لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ

و سید هدایت برای جهانیان در آن آیات است روشن

مَقَامٌ اِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا

و مقام ابراهیم و هر که داخل آن شود در امان است

وَقُلْتَ اِنَّمَا بُرِّدُ اللّٰهُ لِيُذِيبَ عَنْكُمْ

و گفتی : اینست و جز این نیست که اراده کرده است خدا تا ببرد همه

الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكَ تَطْهِيرًا

پلیدها را از شما اهل بیت^(ع) و پاک کرد و اند شمارا پاک کردنی

مَرَّجَعَتَا جَوْ مَحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

پس قرار دادی پاداش «حضرت» محمد صلی الله علیه

وَالِإِلَىٰ مَوَدَّتِهِمْ فِي كِتَابِكَ قُلْتَ

وآله را دوستی ایشان در کتاب خودت و فرمودی

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

بگو نمی خواهم از شما در مقابل این کار «رسالت» مزدی مگر

الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَقُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ

دوستی به خویشان من و نیز فرمودی پاداشی که از شما

مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ

خواستم آن هم بنفع شماست و فرمودی میخواهم از شما

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ

براین کار مزدی مگر آنکه کسی که بخواهد در پیش گیرد

إِلَىٰ رِيبِهِ سَبِيلًا فَمَا نُوَاهِمُ السَّيِّئِينَ

بسوی پروردگارش راهی را پس بودند آنها را ای «ستقیم»

إِلَيْكَ وَالْمَسَلِكِ إِلَى رِضْوَانِكَ فَلَمَّا

بسوی تو و طریق «استوار» بسوی خوشنودی تو پس چون

أَنْقَضَتْ أَيَّامَهُ أَقَامَ وَلِيَّهُ عَلِيُّ بْنُ

سپری شد روزگارش پیاداشت جانشین خود علی بن

أَبِي طَالِبٍ صَلِّوْا نُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا

ابیطالب را که درود و رحمت تو بر هر دو آنها و فرزندانشان باد برای

إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

راهنمایی، زیرا که او خود بیم دهنده بود و برای هر ملت راهنماییت

فَقَالَ وَاللَّاءِ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاؤُ

پس فرمود در حالیکه جمعیت در مقابلش بودند: هر کس من مولای اویم

فَعَلَيْ مَوْلَاؤُ اللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ

پس علی مولای اوست خدایا دوست دار کسی را که دوستش دارد

وَعَادٍ مِّنْ عَادٍ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

و دشمنان دار هر که را که دشمنش دارد و یاری کن هر که را که یاریش کند

وَإِخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ

دو اگذار آنکه را که اگذارش دگفت هر که را که من یارم

أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيَ أَمِيرُهُ وَقَالَ أَنَا وَ

پیغمبر او پس علی است امیر او دگفت : من و

عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرِ النَّاسِ

علی از یک درخت هستیم و سایر مردم «مردمان»

مِنْ شَجَرَاتٍ وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ

از درختهای مختلفند و او را مکانی داد که هارون بنزد موسی

مُوسَى فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ

داشت پس گفت به او که تو به پیش من بمنزله هارون هستی

مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدَكَ

بہ پیش موسیٰ مگر ایسے پیغمبری بعد از من نخواہد بود

وَزَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و تزویج نمود با او دخترش را کہ سیدہ زنان عالمیان بود

وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدٍ مَّاحِلٌ لَهُ وَ سَدَّ

و حلال کرد بر او از مسجد چیزی را کہ حلال بود بر خودش و بست

الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ عَلَيْهِ وَ

دربارہا کہ مسجد بودند جز در او را پس بود بیت نهاد پیش او علم

حِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ

و حکمت خود را کہ فرمود من شہر علم و علی دروازه

بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ

اوست پس ہر کہ ارادہ کند این شہر و حکمت را

فَلْيَايُنْهَا مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ

باید که از درش در آید پس گفت تو برادر و

وَصِيْبِي وَوَارِثِي لِحْمِكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمِكَ

وصی و وارث منی گوشت تو از گوشت من و خون تو

مِنْ دَمِي وَسَيْلِكَ سَيْلِي وَحَرْبِكَ حَرْبِي وَ

از خون من است و آشتی تو آشتی من و جنگ تو جنگ من است:

الْإِيمَانُ مَخَالِطُ لِحْمِكَ وَدَمِكَ كَمَا خَالَطَ

ایمان آمیخته است با گوشت و خون تو همچنانکه آمیخته است

لِحْمِي وَدَمِي وَأَنْتَ عَدَاؤُ عَلَى الْحَوْصِ

با گوشت و خون من و تو فردا کنار حوض « کوثر »

خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَتُخْرِجُنِي عِدَائِي

جانشین منی و تو می‌پردازد دین مرا و وفا میکند وعده‌های مرا

وَشَيْعَتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبِينَةٍ

و شیعیان تو بر منبرهایی از نورند در جایکه سفید است

و جَوْهَرُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ حَيْرَانِي

روی آنان و در اطراف منند در بهشت و آنها همسایه های منند

وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ

و اگر نبودی تو یا علی شناخته نمی شدند مؤمنان

بَعْدَكَ وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ

بعد از من و «علی» بود بعد از آنحضرت و سید هدایت از گمراهی

و نُورًا مِنَ الْعَمَى وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ

ورد شنائی از «تاریکی» نابینائی در سیمان محکم خدا و

صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ لَا يُسْبِقُ بَقْرَابَةَ فِي

دراه استوار او که کسی پیشی نگیرد بر او در نزدیکی

رَحِيمٌ وَلَا يُسَافِقُهُ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحِقُ فِي

بر سولہذا^۳ و پیش از او وارد اسلام شده و نرسیده است در

مَنْفَعَةٍ مِنْ مَنَافِعِهِ بِحَدِّ وَحَدِّ الرَّسُولِ

فضیلتی از فضائل آنجناب می پیاید طریق حضرت رسول را

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَالْهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى

که رحمت خدا بر هر دو آنها و فرزندانشان باد و می جنگید بر

التَّأْوِيلِ وَلَا تَأْخُذُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَمَّةٌ

تأویل «قرآن» و میگرفت او را در راه خدا ملامت ملا سکران

قَدْ وَتُرْفِيهِ صِنَادِ بَدِ الْعَرَبِ وَقَتْلِ

بتحقیق از زمین برد در راه خدا بزرگان عرب را و کشت

أَبْطَالَهُمْ وَنَاوَسَ ذُو بَالِهِمْ فَأَوْدَعَ

پهلوانان آنها را و دستگیر کرد گرگان آنها را پس بویعت نهاد

قُلُوبِهِمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَخَبْرِيَّةً

در دلهای آنان کیندمائی از جنک بذر و غزوه خیمه

وَ حَنْبِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ فَأَصَبْتُ عَلَى

وحنین و غیر آنها پس پیام کردند بر عداوت

عَدَاوَتِهِ وَ أَكَبْتُ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى

آن و هجوم آوردند بر انداختن او تا اینکه

قَتَلَ الثَّاكِبِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ

کشت مخالفین و عدول کشتندگان و خارجین از دین را

وَ لَمَّا قَضَى مَحَبَّهُ وَ قَتَلَهُ أَشْفَى الْأَخْرَبَ

و چون مرگش در رسید و کشت او را شقی ترین خلف

يَتَّبِعُ أَشْفَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يَمَثَلْ أَمْرَ رَسُولٍ

به پیروی از شقی ترین سلف اتمثال نشد فرمان رسول

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمُنَادِينَ

خدا صلی الله علیه و آله در باره را بنمایان

بَعْدَ الْمُنَادِينَ وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى

یکی پس از دیگری و امت اصرار داشتند بر

مَفْنِيهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطْعِهِ رَحْمِيهِ

دشمنی او اجتماع داشتند بر قطع رحم او

وَإِقْصَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى

و بر تبعید کردن فرزندان او مگر اندکی از آنانکه وفا کردند

لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَمِثْلَ مَنْ قُتِلَ وَ

برای رعایت حق در باره آنها پس کشته شد آنکه کشته شد و

سُبِيَّ مَنْ سُبِيَ وَأُضِيَّ مَنْ أُضِيَّ وَ

ایر شد آنکه ایر شد و تبعید شد آنکه تبعید شد و

جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا بَرَّحُوا لَهُ حُسْنُ

جاری گشت برای آنان قضا با آنچه امید میرود برایش حسن

الْمَوْبِقَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا

ثواب چون زمین برای خدا بوده و بارش میکند

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

بهر که خواهد از بندگان خود و خیر عاقبت پرهمیزکاران است

وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا

و منزّه است پروردگارا هر آینه و عده پروردگارا انجام

لَفَعُولًا وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ

شدنی است و هرگز خلاف نمیکند خدا در وعده خود و

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْأَطَائِبِ

او است عزیز و حکیم پس برای پاکیزگان

مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ صَلَّيَ اللَّهُ

از اهل بیت محمد و علی که درود در رحمت خدا

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ وَ

بر آنان و فرزندان شان باید بگریزند گریه کنندگان و

إِيَّاهُمْ فَلَيْبُدُ بِالنَّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ

بر آنان باید ناله کند ناله کنندگان و بر مانند آنها

فَلْيُذْرِفِ الدَّمُوعُ وَلْيُصْرُخِ الصَّارِخُونَ

باید اشکها جاری گردد و باید شیون کنند شیون کنندگان

وَيَضِجُ الضَّاجُونَ وَيَعِجُ الْعَاجُونَ

و ضجه نمایند ضجه کنندگان و فریاد بر آورند فریاد کنندگان

أَبْنُ الْكُحْسَنِ أَيْنَ الْكُحْسَنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ

که کجاست حسن و کجاست حسین کجا یازند فرزندان

اَحْسَبِنِ صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٍ

حسین که صالح کند یکی پس از دیگری در استخوانند

بَعْدَ صَادِقٍ ابْنِ السَّيْلِ بَعْدَ السَّيْلِ

یکی پس از دیگری گمایند آنانکه راه سنجاشند یکی پس از دیگری

ابْنِ الْخَبْرَةِ بَعْدَ الْخَبْرَةِ ابْنِ الشُّمُوسِ

گمایند آنانکه خوبانند یکی پس از دیگری گمایند خورشیدهای

الظَّالِعَةِ ابْنِ الْأَقْتَارِ الْمُنِيرَةِ ابْنِ

درخشان گمایند ماههای تابان گمایند

الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ ابْنِ أَعْلَامِ الدِّينِ

ستارگان سروران گمایند پرچمهای دین

وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ ابْنِ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي

و پایه های علم گما است بقیه اند آنکه جز از

لَا تَخْلُوا مِنَ الْعِزَّةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمَعْدُ

عزت « پیغمبر » که راهنمایا یزد نیست کجا است آنکه آماده است

لِقَطْعِ دَابِرِ الظِّلَّةِ ابْنِ الْمُنْظَرِ لِإِقَامَةِ

برای قطع دنباله ستمکاران کجا است آنکه چشمها براه او است برای

الْأَمِّ وَالْعَوْجِ ابْنِ الْمُرْجِي لِإِزَالَةِ الْجُورِ

استوار ساختن پستی و کجی ها کجا است آنکه امید میرود برای از بین بردن

وَالْعُدْوَانِ ابْنِ الْمُدْحَرِّ لِتَجْدِيدِ الْفِرَاقِصِ

ظلم و عداوت کجا است آنکه ذخیره شده برای تجدید واجبات

وَالسُّنَنِ ابْنِ الْمُخْتَبِرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ

و مستحبات کجا است آنکه اختیار شده برای برگردانیدن آئین و

الشَّرِيعَةِ ابْنِ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ

شرعیات کجا است آنکه آرزو میرود برای زنده کردن قرآن

وَحُدُودِهِ آيِنٌ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ

وحدود آن کجا است زنده کنند آثار دین و اهل دین

آيِنٌ قَاصِمٌ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ آيِنٌ هَادِمٌ

کجا است در هم شکننده شوکت ستمکاران کجا است ویران کننده

آيِنِيَةُ الشُّرْكِ وَالنِّفَاقِ آيِنٌ مُبِيدٌ هَلِ

بنایهای شرک و دورویی کجا است نابود کننده اهل

الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ آيِنٌ

فسق و فجور و معصیت و گناه و سرکشی و تمرد کجا

حَاصِدٌ فُرُوعِ الغَيِّ وَالسِّقَاقِ آيِنٌ

است درو کننده شاخه های کراهی و اختلاف کجا است

ظَامِسٌ اَثَارِ الزَّيْغِ وَالْاَهْوَاءِ آيِنٌ قَاطِعٌ

محو کننده آثار کجروی و هوا پرستی کجا است برنده

حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ أَهْنُ مُيَسِّرٌ

ریشمانهای دروغ و افتراء کجاست ناپودکننده

الْعُنَاةُ وَالْمُرَدَّةُ أَهْنُ مُتَّاصِلِ أَهْلِ

سرکشان و متمردان کجاست بنیان کن اهل

الْعِيَادِ وَالْمُضْلِلِ وَالْإِلْحَادِ أَهْنُ مَعْرِضٌ

عناد و گمراهی و بیدینی کجاست عزت بخش

الْأَوْلِيَاءِ وَمَذِلُّ الْأَعْدَاءِ أَهْنُ جَامِعٌ

دوستان و ذلیل کننده دشمنان کجاست کرد آورنده

الْكَلِمَةِ عَلَى النَّقْوَى أَهْنُ بَابِ اللَّهِ الَّذِي

کلمه بر اساس تقوی کجاست درب «تشکیلات» خدا که

مِنْهُ يُوْتِنِي أَهْنُ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ

از او درآیند کجاست وجه لته که سوی او

بَنُو حَبَّةِ الْأَوْلِيَاءِ ابْنِ السَّبَبِ الْمُنْصِلِ

روی آوردند دوستان کجاست واسطه متصل

بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ابْنِ صَاحِبِ يَوْمِ

میان زمین و آسمان کجاست صاحب روز

الْفَجِّ وَنَاشِرِ رَأْيِهِ الْهَدْيِ ابْنِ مُؤَلِّفِ

پیروزی و ناشر برهم هدایت کجاست کرد آورنده

شَمَلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا ابْنِ الطَّالِبِ

دامن دستکاری و خوشنودی کجاست خواستار

بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ ابْنِ

خون پیغمبران و فرزندان پیغمبران کجاست

الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ ابْنِ

خواستار خون شهید در کربلا کجاست

الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ أَعْتَدَهُ عَلَيْهِ وَإِفْتَرَى

آنکه یاری شده بر آنکه تجاوز کرده «بمحقق» او و افترا بسته

أَبْنُ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا

کجا است مضطری که جواب داده میشود هرگاه دعا کند

أَبْنُ صَدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى

کجا است بهترین مخلوقات که صاحب نیکی و پرهیزگاریست

أَبْنُ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَإِبْنُ عَلِيٍّ

کجا است فرزند پیغمبر برگزیده و فرزندان علی

الْمُرْتَضَى وَإِبْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ وَإِبْنُ

مرتضی و فرزندان خدیجه ای که رؤسید است و فرزند

فَاطِمَةَ الْكُبْرَى بَابِي أُمِّي وَنَفْسِي

فاطمه ای که بزرگوار است پدر و مادرم و جانم و ندای تو باد

لَكَ الْوِقَاةُ وَالْحَمْدُ يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ

و سپر بلائی وجودت ای سپر بزرگمردان مقرب

يَا بَنَ النَّجَّاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا بَنَ الْمُدَاةِ

ای سپر نخبهان مکرم ای سپر راهنمایان

الْمُهْدِيِّينَ يَا بَنَ الْخَيْرِ وَالْمُهْدِيَّاتِ

راه یافته ای سپر برگزیدگان پاکیزگان

يَا بَنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا بَنَ

ای سپر بزرگمردان بانجابت ای سپر

الْأَطْلَاقِ الْمُطَهَّرِينَ يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ

پاکان پاکیزگان ای سپر سروران

الْمُنْتَجِبِينَ يَا بَنَ الْقَمَائِفَةِ الْأَكْرَمِينَ

برگزیدگان ای سپر رؤسای باکرامت

يَابِنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَابِنَ السُّرُجِ

ای پسر ماههای درخشان ای پسر چراغهای

الْمُضِيئَةِ يَابِنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ يَابِنَ

روشن ای پسر ستارگان فرورونده ای پسر

الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَابِنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ

ستارگان درخشنده ای پسر راههای آشکار

يَابِنَ الْأَعْلَامِ اللَّامِحَةِ يَابِنَ الْعُلُومِ

ای پسر پرچمهای برپا شده ای پسر علمهای

الْكَامِلَةِ يَابِنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَابِنَ

کامل ای پسر سنتهای مشهور ای پسر

الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَابِنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ

علامت های وارده ای پسر معجزات موجوده

يَا بَنَ الدَّلَائِلِ المَشْهُودَةِ يَا بَنَ الصِّرَاطِ

ای پر دلیلهای آشکار ای پر راه

المُسْتَقِيمِ يَا بَنَ النَّبِيَّ العَظِيمِ يَا بَنَ مَنْ هُوَ

راست ای پر خبری بس بزرگ ای پر کسیکه او

فِي امْرِ الكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلى حَكِيمٍ وَّ

در اصل کتاب به پیشگاه خداوند بلند مرتبه و حکیم است

يَا بَنَ الْاَيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَا بَنَ الدَّلَائِلِ

ای پر آیات و معجزات ای پر دلیلهای

الظَّاهِرَاتِ يَا بَنَ الْبِرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ

روشن ای پر برهانهای واضح و

الْبَاهِرَاتِ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا بَنَ

آشکار ای پر حجت های کامل ای پر

النِّعَمِ الشَّابِغَاتِ بِأَيْنَ طُهُ وَالْمُحْكَمَاتِ

نعمت های فراوان ای سپر کمره «آیات» محکمات

يَأْنِ بَسِّ وَالذَّارِيَّاتِ بِأَيْنَ الطُّورِ وَ

ای سپر بس و الذاریات ای سپر طور و

الْعَادِيَّاتِ بِأَيْنَ مَنْ دَنَى فَنَدَى فَنَكَانَ

العادیات ای سپر کسیکه نزدیک شد پس فرود آمد و شد

قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ دُونََ وَاقْتِرَابًا

باندازه پهنای دو کمان یا نزدیکتر یک نزدیکی و تقریبی

مِنَ الْعَالِيِّ الْأَعْلَىٰ لَبْتُ شِعْرِي أَبْنِ

از والای بلند مرتبه کاشش میدانستم تا کجا

اسْتَفْرَّتْ بِكَ النَّوَىٰ بَلْ أَمَىٰ أَرْضِ

قرار داده است ترا دوری بگردد کدام زمین

تُفَلِّكُ أَوْ ثَرِيَّ أَوْ رِضْوِيَّ أَوْ غَيْرَ هَٰؤُلَاءِ

خاکی است که ترا در برداشته آیا بر ضوی «کو بهت در دین» هستی یا غیر آن

ذِي طُورِي عَزِيزٌ عَلَيَّ اِنَّ اَرِي الْخَلْقَ وَ

یا در ذی طوی هستی «موضعی است بجز» گران است بر من که برینم خلق را

لَا تُرِيَّ وَلَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيًّا وَلَا نَجْوٰى

و تو دیده نشوی و نشنوم از نفسی و نه رازی

عَزِيزٌ عَلَيَّ اِنَّ تُحِيطَ بِكَ دُوْنِيَّ لِلْوٰى

و گران است بر من که احاطه کند تو را نه مرا . بلای

وَلَا يَنَالُكَ مِنِّيْ صَاحِبٌ وَلَا اَشْكُوْهُ بِنَفْسِيْ

و نزد ترا از من ناله و شکایتی جامع بقدايت

اَنْتَ مِنْ مُّخْتَبٍ لِّمَنْ يَخْلُ مِنْ اِنْفِئْسِيْ اَنْتَ

تو غائبی هستی که دور نیستی از ما جامع بقربانت

مِنْ نَارِ حِجِّ مَا نَحَّ عَنْ نَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ

که بدر رفتن ای ولی از ما بیرون هستی جانم بفضایت که آرزوی

شائقِ بتمنی من مؤمن و مؤمنه ذکر او

کسی هستی که پیوسته در اشتیاق و تمنای تو است از مرد و زن ایمان که بیاد تو

فَحَنَّا نَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَفْدِ عِزِّ لَا يُسَاوِي

نال کنند جانم بفضایت و وابسته بعزتی که برابر ندارد

نَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَهْلِ مَحْدٍ لَا يُجَارِي

جانم بفضایت که صاحب عظمت و بزرگواری هستی که همپایه ندارد

نَفْسِي أَنْتَ مِنْ نِلَادِ نِعَمٍ لَا تُصَاهِي

جانم بقرابت که مولود نعمت مانی هستی مشابیه ندارد

نَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي

جانم بفضایت که معادل شرفی هستی که برابر ندارد

إِلَى مَنِّي أَحَارُفِكِ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى

تا یکی سرگردان باشم درباره تو ای مولای من و تا

مَنِّي وَآيٌ خِطَابٍ أَصِفُ فِئِكَ وَآيٌ

چه وقت و با چه خطاب تو صیف نموده و با «کدام عبارت»

نَجْوَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاخِي

با تو راز گویم گراست بر من که جواب بشنوم از غیر تو و مشغول مردم

عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ أَنْبِئَكَ وَبِحَذِّكَ الْوَرَى

سخت است بر من که بر تو بگویم و با گذارندت مردم

عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ بَجْرِى عَلَيَّكَ دُونَهُمْ مَا

ناگوار است بر من که جاری شود بر تو نه بر دیگران آنچه

جَرِي هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلَ مَعَهُ الْعَوَائِلَ

جاری است آیا کمکی هست که طولانی گردانم با او ناله

وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَرُوعٍ فَأَسَا عِدْ جَزَعَهُ

گریه را آیا جرع کسندۀ هست که یاری کنم به جزع او

إِذَا خَلَا هَلْ فُذِبَتْ عَيْنٌ فَمَا عَدَّ هُنَا

در خلوت آیا خاشاک افتاده شده چشمی که یاریش کند

عَبْنِي عَلَى الْقَدَمِ هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنِ أَحْمَدَ

چشم من در خاشاک افتادگی آیا بسوی تو ای پسر احمد

سَبِيلٌ فَنُلْقِي هَلْ يَصِلُ يَوْمًا مِنْكَ

راهی هست که ملاقات شوی آیا متصل میشود امروز ما. از تو

بَعْدَهُ فَنَحْطِي مَتَى نَزِدُ مَنَا هَلِكَ الرَّوْبَةَ

بعد از آنیکه کا میاب شویم. کی وارد می شویم به نهرهای سیراب کننده تو

فَتَرَوْنِي مَتَى نَنْفَعُ مِنْ عَذَابِ مَا إِلَيْكَ فَتَدُّ

که سیراب شویم. کی بهره مند می شویم از آب گوارای تو. تحقیق

ظَالِ الصَّدُوقِ مَتَى نَعَادِيكَ وَتُرَاوِحِكَ

دراز شد عطش ما کی صبح و عصر را بجزورت بر میا دریم

فَقُفِّرْ عَيْنَنَا مَتَى تَرَيْنَا وَتُرَابِكَ وَتَدْنِشْتِكَ

تا روشن شود چشم ما کی ما را می بینی و ما هم ترا به بینیم در حالیکه

لِوَاءِ النَّصْرِ تَرَى آثَرَنَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ

پرچم نصر را بپاداری ایامی بینی ما را که بگردت باشیم و تو

تَأْمُرُ الْمَلَائِكَةَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَذَابًا

امامت کنی ب مردم و پر کرده باشی زمین را با عدل

وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَ

و چنانینده باشی بدشمنانت خواری و عذاب را و

أَبْرَثَ الْعُنَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ وَقَطَعْتَ

بر اندازی سرکشان و سکران حق را و قطع کنی

ذَابِرَ الْمُنْكَرِينَ وَاجْتَنَّتْ أُصُولَ

دنباله منکران را و به کنی ریشه های

الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

ستمکاران را و ما هم بگوئیم الحمد لله رب

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ

العالمین بار خدا یا تو کشاینده گرفتاریها

وَالْبَلَاءِ وَالْبَلَاءِ وَالْبَلَاءِ وَأَسْأَلُكَ

و بلا های و بسوی تو «از دشمن» شکایت میرم و بفرود آید

الْعَدْوِ وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى

رسیدگی به شکایات و تویی پروردگار آخرت و دنیا

فَاغِيثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عِبْدَكَ

بداد برس ای دادرس دادخواهان بنده حقیرت را

الْمُبْتَلَىٰ وَآرِهِ سَيِّدَهُ بِأَشَدِّ الْقُوَىٰ

که مبتلا است و بنا باو آقایش را ای نیرومند و قوی و

أَزَلَّ عَنْهُ بِهِ الْأَسَىٰ وَالْجَوَىٰ بِرَدِّ عَلَيْهِ

بر طرف نما از آن بوسید آنحضرت بدی و غصه را و خنک گردان جویش را

يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ السُّنُوبَىٰ وَمِنْ لِبِهِ الرَّحَىٰ

ای آنکه بر عرش غنچه داری و ای آنکه بسوی اوست برگشت

وَالْمُنْتَهَىٰ اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ الْتَائِفُونَ

و انجام کارها خداوندا و ما بندگان تو ایم مشتاقیم

إِلَىٰ وِلَايَتِكَ الْمَذْكُورِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلْفَتَهُ

به ولی تو که بیاد آورنده تو و پیغمبرت میباشد افریدی از

لَنَا عِصْمَةٌ وَمَلَأَ ذَاوَأَمْنَهُ لَنَا قِوَامًا

برای نگهدار و پناه و بیاد داشتیش برای ما پایه زندگی

وَمَعَاذًا وَجَعَلَنَّهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِثْلًا مَامًا

و پناہگاہ و فرار ش دادی برای مؤمنین از ما پیٹوا

فَلْيَغْنِهِ مِثْلًا نَحِيْبَةً وَسَلَامًا وَرِزْدًا بِذَلِكَ

پس برسان بر او از ما درود و سلام و پیٹزا بر ما بد نھیبت

يَا رَبِّ اِكْرَامًا وَاَجْعَلْ مُسْتَفْرَّهً لَنَا

ای خدا کرامتی و قرارده قرارگاہ اورا برای ما

مُسْتَفْرَّاهً وَمُقَامًا وَاَنْتُمْ نَعْمَتُكَ

قرارگاہ و مقام و تمام نمانعت خود را بر ما باینکہ

بِقُدُومِكَ اِيَّاهُ اَمَّا مَنَا حَتَّى نُورِدَ نَا

مقدم داری اورا بر ما با مامت تا آنکہ وارد کنی مارا

جَنَانِكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ

بہشتت و برفاقت شہیدان از بندگان

خُلصَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

خالصت بار خدايا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ

محمد و درود فرست بر محمد که جد او و پيغمبر تو است

السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَعَلَى أَمِيهِ السَّيِّدِ

و سرور بزرگتر است و بر پدرش که سرور

الْأَصْغَرِ وَجَدِّهِ الصِّدِّيقِ الْكَبِيرِ

کوچکتر است و بر جد او که صدیق بزرگ

فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَرْيَمَ صَفِيَّةَ

فاطمه دختر محمد است و بر هر که انتخابش فرمودی

مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ

از پدران او که نیک مردانند و بر خود آنجناب بهترین و

أَكَلْ وَأَمْرٌ وَأَدْوَمٌ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ

کاملترین و تمامترین و دائمیترین و بیشترین و فراوانترین

مَا صَلَّبْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ

درودی که فرستادی بر هر یک از برگزیدگان و

وَخَيْرَ نِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ

سچان از آفریدگانت و درود فرست بر او

صَلْوَةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَابَةَ

درودی که نهایتی به عدد آن و پایانی

لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ لِأَمْدِهَا اللَّهُمَّ

بدنباله آن و خاتمه بمدت آن نباشد بار خدایا

وَافِمْ بِهِ الْكُنَّ وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ

بپاوار بوسید او حق را و نابود کن بوسید آن باطل

وَ اَدِلْ بِهٖ اَوْلِيَاءَكَ وَ اذِلْ بِهٖ اَعْدَاءَكَ

و نیرومند گردان به او دوستانت را و ذلیل کن باو دشمنانت را

وَ صِلِ اللّٰهَ رَبَّنَا وَ بَيْنَهُ وَصَلَةٌ

و به پیوند خداوند ما میان ما و او را پیوندمی که

تُوَدِّيْ اِلَى مُرَافِقَةِ سَلْفِنَا وَ اَجْعَلْنَا

بیاخوایم به رفاقت پیشینان و قرار ده ما را

مِمَّنْ يَّأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَ يَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ

از آنانکه بگیرند دامن ایشان و بیا سازند در سایه ایشان

وَ اَعِنَّا عَلَى تَادِيَةِ حُقُوفِهِ اِلَيْهِ وَ

و یاری کن ما را که حقوق آنحضرت را ادا کنیم و

الْاِحْتِنَابِ فِي طَاعَتِهِ وَ اجْتِنَابِ

در طاعتش کوشش بنمائیم و از نافرمانیش اجتناب

مَعْصِيَتِهِ وَآمِنُ عَلَيْنَا بِرِصَانِهِ وَ

ورزیم و منت گذار بر ما به خوشنودی او و

هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاةَهُ

بخشش بما هر «مجت» و رحمت و دعاء

وَخَيْرُهُ مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ

و خیر او را بهترین است که برسیم با او بر رحمت تو

وَ فَوْزًا عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ

و بجا بیایی در پیشگاه تو و قرار ده نمازهای ما را بسید

مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَ

او پذیرفته شده و گناهان ما را آمرزیده شده و

دُعَاةَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا

دعایهای ما را مستجاب شده و قرار ده روزیهای ما را

بِهِ مَبْسُوطَةٌ وَهُوَ مَنَابِهٍ مَكْفِيَةٌ

به او بسط داده شده و اندوههای ما را کفایت شده

وَحَوَّاءُ نَجَابَةٍ مَفْضِيَةٌ وَأَقْبَلُ إِلَيْنَا

و حاجت های ما را بر آورده و توجه فرما به سوی ما

بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَأَقْبَلْ تَقَرُّبَنَا

بچهره باکرامت خود و به پذیر نزدیکی ما را

إِلَيْكَ وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً

ب سوی خودت و بنگر بسوی ما بنظر رحمت خود

نَسْتَكِيلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ

تا در پیشگاه تو به کمال کرامت برسیم

ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَأَسْقِنَا

پس بر مگردان آنرا از ما بچودت و سیراب کن ما را

مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

از حوض چشم جدی صلی الله علیه و آله

بِكَاسِيهِ وَيَبْدِيهِ رَبًّا وَبَاهِنِيًّا

بجام و دست او سیر و سیراب و گوارای

سَائِغًا لِأَظْمَأَ بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فراوانی که تشنگی بدنبال نداشته باشد ای مهربانترین مهربانان

خطبتي الأكرم
يوم الغدير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مؤلفي غدير خم واسناد الخطبة.

يظهر من سطور تاريخ الغدير من بين مائة وعشرين ألف
رجل الذين حضروا مجمع غدير خم واصغوا وسمعوا جماعة
كثيرة رواة الحديث من الكتاب والمؤلفين المربوطين بالغدير
والذي ظفرتنا عليه لاعلام النسل الالهي وابقاء الذكر
الى ما شاء الله وللتحقيق الزايد من اعظم مكينات العالم
اول من جمع ودون الاحاديث راجعة الى غدير خم
ابو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري الاملي
المولود سنة ٢٢٤ المتوفى سنة ٣٢٠ فانه ألف كتاباً وسماه الولاية

وذكر فيه أكثر من ثقب وسبعين طريقاً. والف أيضاً كتاباً

١٨٥٨

سماه فضائل علي بن أبي طالب كما نقله الحوي في معجم الأدباء

والف أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد الهمداني المعروف

بالحافظ ابن عفة الموثق سنة ٣٣٣ كتاباً سماه كتاب الولائي في

طرق حديث الغدير الذي نقله عن مائة وخمس طرق كما نقل

عن تهذيب النبوة ص ٣٢٧ ج ٧ .

أبو بكر محمد بن عمرو بن محمد بن سالم التميمي البغدادي

طريقاً

المعروف بالجعافي الموثق سنة ٣٥٥ نقله عن مائة وخمس وعشرين

أبو طالب عبد الله بن أحمد بن زيد الأنباري الموثق سنة ٣٥٦

وسماه طريق حديث الغدير كما نقله النجاشي ص ١٦١

أبو غالب أحمد بن محمد بن محمد الزوارقي المنوفي سنة ٣٦٨.

أبو الفضل ابن محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني

المنوفي سنة ٣٧٢ بنقل التجاشي ص ٢١٢.

الحافظ علي بن عمر الدارقطني البغدادي المنوفي سنة ٣٨٥ على

ما نقله الكنجي الشافعي في الكفاية ص ١٥ وجماعة كثيرة من الذين

الفوا سنة وعشرين كتاباً مستقلاً في وقعة الغدير غير الكتب

الذي لم نطفر عليها واهمها كتاب عبقات الأناوار تأليف المير

حامد حسين اللكهنوي المنوفي سنة ٣٦٠ في اثني عشر مجلد.

والف ولده السيد ناصر حسين ثمانين مجلداً واثناً

عليها فصلاً وعشرون مجلداً.

ومن الاصحاب اكثر من الف نفر ومن التابعين ١٤٤ نفر^{نقلوه}
ومن العلماء ٢٥٣ كتاباً معتبراً الى زماننا هذا في هذا الموضوع
العظيم .

واحمد بن حنبل باربعين طريقاً ومحمد بن جرير الطبري^{البحري}
وسبعين طريقاً والجزر المقي^{بما} بن ثمانين طريقاً وابن عفة^{بما} بن ائمة
طريقاً والتجستاني^{بما} بن ائمة وعشرين طريقاً. والجمالي^{بما} بن ائمة وخمس
وعشرين طريقاً. والامير محمد اليماني^{بما} بن ائمة وخمسين طريقاً

هذا ما استخرج مؤلف الكتاب الاستاذ عيسى بن عماد زاده وفقه الله تعالى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على

سيدنا ونبينا محمد صلى الله عليه وسلم وبعد

ان جماعتم من المؤمنين طلبوا مني ان اكتب واعدهم

اسماء ورواة الخطبة والحديث وناقليها وهم كثيرين

لا يمكنني ان اذكر اسماء جميعهم ولكن من باب ما لا

يدرك كله لا يترك كله انقل الميسور منهم وفيه الكفاية

وهذا هو اسمائهم

١- ابو هريرة الدوسي المتوفى سنة ٥٧ الى ٥٩ كما نقله

تاريخ بغداد ص ٢٩ ج ١

٢- أبو لبلى الأنصاري المقتول في صفين سنة ٣٧ على

نقل مناقب الخوارزمي ص ٢٥ .

٣- أبو زينب ابن عوف الأنصاري عن أسد الغابة

ص ٣٠٧ ج ٣ .

٤- أبو فضالة الأنصاري مقتول في صفين - أسد

الغابة ص ٣٠٧ ج ٣ .

٥- أبو فدامة الأنصاري قتل يوم الحرة عن أسد

الغابة ص ٢٧٦ ج ٣

٦- أبو عمرة ابن عمرو بن محسن الأنصاري نقل أسد الغابة

صفحة ٣٠٧ ج ٣ .

٧- أبو الهيثم بن نبهان قبيل صفين سنة ٣٧ نقلًا عن ابن عقدة

في مقتل الخوارزمي ص ٦٧

٨- أبو رافع قبضي مولى رسول الله (ص) في حديث الولاية

نقلًا عن الخوارزمي - الغدير ص ١٦ ج ١

٩- أبو زويث خويلد المنوفي في خلافة عثمان عن الخوارزمي

١٠- أبو بكر بن أبي قحافة المنوفي سنة ١٣ نقلًا عن أبي بكر الجعفي

في النخب

١١- أسامة بن زيد بن حارثة الكلابي المنوفي سنة ٥٤

نقلًا عن نخب المناقب

١٢- أبي بن كعب الأنصاري الخزرجي رئيس القراء المنوفي

سنة ٣٠ - ٣٢ نقلًا عن نخب المناقب

١٣- اسعد بن زرارة الأناضلي نقلًا عن ابن عقدة في اسنى المطالب

١٤- اسماء بنت عميس الخثعمية نقلًا عن ابن عقدة في كتاب الولاية

١٥- أم سلمة طاهرة زوجة رسول الله ص، نقلًا عن ابن

عقدة عن عمرو بن سعيد في بنابيع المودة ص ٤

١٦- أم هانئ بنت أبي طالب نقلًا عن بنابيع المودة للفند ^{ص ٤٠}

١٧- أبو حمزة انس بن مالك الأناضلي الخرجي خادم

رسول الله ص، الموثق في سنة نقلًا عن خطيب بغداد ص ^{٧٢} ٤٧٧

١٨- براء بن عازب الأناضلي الأوسي المقيم في الكوفة

الموثق في سنة نقلًا عن مسند أحمد بن حنبل ص ٢٨١ ج ٤

١٩- يزيد بن خصيب أبو سهل الأسدي الموثقي سنة ٦٣

نقلاً عن مسندك الحاكم ص ١١٠ ج ٣

٢٠- أبو سعيد ثابت بن وديعة الأنصاري الخزرجي

المدني نقلاً عن ابن عقدة في أسد الغاب ص ٣٠٧ ج ٣

٢١- جابر بن سمرة بن جنادة كوفي الأمامة الموثقي سنة

نقلاً عن ابن عقدة في كز العمال ص ٢٩١ ج ٣

٢٢- جابر بن عبد الله الأنصاري الموثقي في المدينة سنة ٧٨

وقد عمّر أربع وتسعين سنة نقلاً عن إسحاق بن عبد البر ^{ص ٤٧٣ ج ٢}

٢٣- جبلة بن عمرو الأنصاري بنقل ابن عقدة في حديث ^{الولاية}

٢٤- جبر بن مطعم بن عبد قريش الموثقي سنة ٥٩ نقلاً عن

فأضى بهلول هجرت ص ٦١ في تاريخ ال محمد

٢٥- جرير بن عبد الله بن جابر البجلي المنوفى سنة ٥٤ نقلاً

عن مجمع الزوائد للحافظ الهيثمى ص ١٠٦ ج ٩

٢٦- ابو ذر جندب بن جنادة الغفارى المنوفى سنة ٣١ في

حديث الولاية عن نقل فرأى السَّمطين واسنى المطالب^{٨٥}

٢٧- ابو جنيدة جندع بن عمرو بن مازن الانصارى عن

أسد الغابة ص ٢٠٨ ج ١

٢٨- حبة بن جوين ابو فدا مزرع بن بجلى المنوفى سنة ٧٩ عن

نقل ابن عقده في أسد الغابة ص ٢٦٧ ج ١

٢٩- حبشى بن جنادة السلولى كوفى لافا من قتل يوم المنا^{ينقل}
^{شدة}

اصبح بن نباتة في اسد الغابة ص ٢٠٧ ج ٣

٣٠ - حبيب بن بديل بن ورفاء خزاعي عن نفل ابن عقدة

في الاصابة ص ٣٠٤ ج ١

٣١ - حذيفة بن اسيد ابو سرحة غفاري الذي من اصحاب

الشجرة المنوفة سنة بنقل بنابيع المودة ص ٣٨

٣٢ - حذيفة بن اليمان اليماني المنوف سنة نقل عن ابن عقدة

في اسنى المطالب ابن حجر في التفریب ص ٨٢

٣٣ - حسان بن ثابت الشاعر الشهير رسول الله نظما ونثرا

٣٤ - السبط الاكبر الحسن المجتبي نقل عن ابن عقدة والنجاشي

في التخب والخوارزمي وغيره

٣٥- السَّبَطُ الْأَصْفَرُ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ نَقْلًا عَنْ ابْنِ عَقْدَةَ

وَمَاتَ مِنَ الْكُتُبِ كَحَلِيَّةِ الْأَوْلِيَاءِ لِأَبِي نَعِيمٍ ص ٦٤ ج ٩ ^{وغيره}

٣٦- ابُو ابُو خَالِدِ بْنِ بَدَا لَأَنْصَارِ الْمَقْتُولِ فِي حَرْبِ الرُّومِ ^{٥٢}

نَقْلَهُ مَحَبَّ الدِّينِ الطَّبْرِيِّ فِي رِيَاضِ النَّظَرِ ص ٦٩ ج ٢

٣٧- ابُو سَلِيمَانَ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ الْمَغِيرَةِ الْمَخْزُومِيِّ الْمَنُونِيِّ

سُئِلَ نَقْلَهُ الْجَعَابِي فِي التَّحْتَبِ .

٣٨- خَرِيمَةُ بْنُ ثَابِتٍ الْأَنْصَارِيُّ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ مَقْتُولٌ فِي

صَفِينٍ سُئِلَ نَقْلًا عَنْ ابْنِ عَقْدَةَ فِي أَسَدِ الْغَابَةِ ص ٣٠٧ ج ٣

٣٩- ابُو شَرِيحٍ خُوَيْلِدِ بْنِ عَمْرِو الْخَزَاعِيِّ مَقِيمٌ الْمَدِينَةِ الْمَنُونِيِّ ^{٦٨}

شَاهِدٌ يَوْمَ الْمُنَاشِدَةِ فِي حَدِيثِ الْغَدِيرِ .

٤- رفاع بن عبد منذر الأَنْصَارِي نقلًا عن ابن عقدة

ومناقب الجعابي وكتاب الغدير لمنصور التزازي

٤١- زبير بن العوام قرشي مقتول سنة ٣٦ رواه ابن عقدة

نقلًا عن حافظ المغازلي في رواة الغدير.

٤٢- زيد بن أرقم الأَنْصَارِي الخزرجي المثنوي سنة ٦١ بنقل

مسند أحمد بن حنبل ص ٣٦١ ج ٤ ومثالث من الكتب.

٤٣- أبو سعيد زيد بن ثابت المثنوي سنة ٤١ بنقل ابن عقدة

في أسنى المطالب.

٤٤- زيد بن يزيد بن شراحيل الأَنْصَارِي شاهد يوم

المناشدة على ما نقله ابن عقدة في أسد الغابة ص ٢٣٣ ج ٢

٤٥- زيد بن عبد الله الانصاري نقله ابن عقدة في حيد الولاء

٤٦- أبو اسحق سعد بن أبي وقاص المنوفى سنة ٥٨ نقله حافظ

التسائي في الخصائص ص ٣

٤٧- سعد بن جنادة عوفى أبو عطية نقله ابن عقدة ومقتل ^{الخوارزمي}

٤٨- سعد بن عبادة الانصاري الخزرجي المنوفى سنة ١٥

وهو من نقباء اثني عشر نقله أبو بكر الجعابي في نخب المناقب

٤٩- أبو سعيد سعد بن مالك الانصاري الخزرجي الخدرا

المنوفى سنة ٧٤ مدفون في البقيع نقله ابن عقدة .

٥- سعيد بن زيد الفرشي العدوي المنوفى سنة ٥٥ وهو من

العشرة المبشرة نقله ابن المغازلي .

٥١- سعيد بن سعد بن عبادة الأنصاري نقل ابن عقدة في كتابه

٥٢- أبو عبد الله سلمان الفارسي المتوفى سنة ٣٧ رواه ابن عقدة

والجماعي والحموي الشافعي.

٥٣- أبو مسلم سلمة بن عمرو الأسلمي المتوفى سنة ٧٤ نقل ابن عقدة

٥٤- أبو سليمان سمرة بن جندب الفزاري المتوفى في البصرة

سنة نقله ابن عقدة.

٥٥- سهل بن حنيف الأنصاري الأوسي المتوفى سنة ٣١ نقله

ابن عقدة في أسد الغابة ص ٣٠٧ ج ٣.

٥٦- أبو العباس سهل بن سعد الأنصاري الخزرجي السلمي

المتوفى سنة ٩١ ذكر في مناقب المودة ص ٣٨.

٥٧- ابو امامة الصدوق العجلاني الباجلي كان يسكن الشام

الموثقي سنة نقله ابن عقدة .

٥٨- ضميرة الاسدي عن رواية حديث الغدير في الولاية

٥٩- طلحة بن عبد الله التميمي قتل يوم الجمل سنة و عمره

٦٣ سنة نقله مروج الذهب ^(السعودي) ص ١١ ج ٢

٦٠- عامر بن عمير التميمي على ما رواه ابن عقدة عن الاصمعي

لابن حجر العسقلاني ص ٢٥٥ ج ٢

٦١- عامر بن لبيلى بن حمزة كما رواه ابن عقدة في اسد الغابة

ص ٩٢ ج ٢ .

٦٢- عامر بن لبيلى الغفاري كما روى في الاصابية ج ٢ .

٦٣- أبو الطفيل عامر بن واثله بعث المنوفى سنة على ما نقله

الامام حنبل في المسند ص ١١٨ ج ١

٦٤- عائشة بنت ابي بكر ابن ابي قحافة زوجة رسول الله

كما نقله ابن عقدة في حديثه لولا يذ.

٦٥- عباس بن عبد المطلب بن هاشم عم رسول الله الموقى

سنة عن طريق ابن عقدة عن الجزري في اسنى المطالب

٦٦- عبد الرحمن بن عبد ربه الانصاري من شهر يوم ربه

كما نقله ابن الاثير في اسد الغابنة ص ٣٠٧ ج ٢

٦٧- ابو محمد عبد الرحمن بن عوف القرشي الزهري المنوفى

سنة من العشرة المبشرة عن كتاب الغدير لمصو والرازي

٦٨- عبد الرحمن بن يعمر الدبلي اودبلي مقيم الكوفة كما نقله ابن عقدة

٦٩- عبد الله بن ابي عبد الاسد المخزومي كما نقله ابن عقدة

٧٠- عبد الله بن بشير المازني كما نقله ابن عقدة

٧١- عبد الله بن بديل بن ورقاء شيخ خراة قتل في صفين

وهو من شهود امير المؤمنين ^(ع) علي ما نقله ابن عقدة

٧٢- عبد الله بن ثابت الانصاري من شهود يوم الغدير كما

نقله تاريخ ال محمد (ص) ص ٦٧

٧٣- عبد الله بن جعفر بن ابي طالب الهاشمي المنوف سنة

واحتج مع معاوية في هذا الموضوع على ما نقله ابن عقدة

٧٤- عبد الله بن حنطب القرشي المخزومي كما نقله السيوطي

في حياء الميت للحافظ الظيراني .

٧٥- عبد الله بن ربيعة كما نقله الخوارزمي في مقبله .

٧٦- عبد الله بن عباس المنوفي سنة ٦٨ كما نقله الشافعي في

المخصا بص ٧ ومثا من انا من غيره

٧٧- عبد الله بن اوفي علقمة الاسلمي المنوفي سنة ٨٧ كما نقله

الحافظ ابن عقدة .

٧٨- ابو عبد الرحمن عبد الله بن عمر الخطاب العدوي

المنوفي سنة ٧٣ كما نقله الحافظ الهيثمي في مجمع الزوايد ص ١٠٦

٧٩- ابو عبد الرحمن عبد الله بن مسعود الهذلي المنوفي سنة ٣٣

دفن في البقيع كما نقله حافظ بن مردويه في الدر المنثور ج ٢ ص ٢٩١

١٠- عبد الله بن يأميل، كما نقله ابن عقدة في كتاب المفرد
في الحديث وأسد الغابة ص ٢٧٤ ج ٢ .

١١- عثمان بن عفان المقتول سنة ٣٥ كما نقله الحافظ ابن
عقدة في رواة الحديث .

١٢- عبدين غازب الأناضاري خايراء بن غازب من
شهود يوم المناشدة، الغدير ص ٥ ج ١

١٣- ابو طريف عبيد بن خاتم المنوفي سنة ٦٨ وعمره مائة
سنة وهو من شهود المناشدة ينابيع المودة ص ٣٨ .

١٤- عطية بن بسر المازني كما نقله ابن عقدة في حذلولي

١٥- عقبة بن عامر الجهني والي مصر المنوفي سنة نقله تاريخ ال محمد

١٦- أمير المؤمنين علي بن ابي طالب ^ع بنظم ونثر ^ع ثمانين الطريق

بنقل احمد بن حنبل في المسند ص ١٥٢ ج ١

١٧- ابو اليقظان عمار بن ياسر العنسي قتل بصفين سنة ٣٧

قتله نصر بن مزاحم ^{في كتاب صفين} ص ١٧٦ وشرح فحج البلاغة ص ٢٧٢ ج ٢

١٨- عمارة الخزرجي الانصاري قتل يوم اليمامة نقله مجمع ^{ط ١٠٧} الزوائد

١٩- عمر بن ابي سلمة بن عبد الاسد المخزومي ربيب رسول الله

ابن ام سلمة زوجته رسول الله المنوفى سنة ١٣ نقله ابن عقدة

٩٠- عمر بن الخطاب قتل سنة ٢٣ نقله ابن المغازلي في المناقب و

مجتب الدين الطبري في الرياض النظرة ص ١٦٦ ج ٢

٩١- ابو نجيد عمران بن حصين الخزاعي المنوفى سنة ٥٢ في البصرة

نقله الترمذي والخطيب الخوارزمي في اسنى المطالب ^{منه}.

٩٢- عمرو بن الحق الخزاز الكوفي ^{المؤقت} سنة نقله الخوارزمي ^{عقده} عن ابن

٩٣- عمرو بن شراحيل من رواة الخطيب بين الصحابة كما نقله الخوارزمي

٩٤- عمرو بن العاص من شعراء غدير خم كما نقله ابن قتيبة في الاما ^{بالسنة}

٩٥- عمرو بن مرة الجهمي نقله ابن جنبل والطبراني في كثر العمالك ^{منه}

٩٦- الصديق الظاهرة فاطمة الزمراء بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم نقله

ابن عقدة ومثالث من طرق الغير في كتاب الغدير.

٩٧- فاطمة بنت حمزة بن عبدالمطلب نقله ابن عقدة ومنصور

الرازي الغدير.

٩٨- قيس بن ثابت بن شماس الانصاري في شهر حديث الغدير

كانفله ابن حجر في الاصابه ص ٢٠٥ ج ١ .

في معجم الصحابة
أو في الأئمة
الحديث
من رواية

٩٩- قيس بن سعد بن عبادة الانصاري الخزرجي من رواية

١٠٠- ابو محمد كعب بن عجرة الانصاري المدني المنوفى سنة

من رواية الحديث كانفله ابن عقدة ص ٥٦

١٠١- ابو سليمان مالك بن حويرث اللبني المنوفى سنة ٦٤ كما

احمد بن حنبل في المناقب .

١٠٢- مقداد بن عمرو الكندي الزهيري المنوفى سنة ٢٣ عمر

سبعين سنة كانفله ابن عقدة

١٠٣- ناجية بن عمرو الخزاعي من شهوة يوم المناشدة كما

نقله ابن عقدة وابن حجر في الاصابه ص ٥٤٢ ج ٣ .

١٠٤- أبو بريمة فضيلة بن عتبة الأسدي المنوفي في نجر اسان

سنة بطريق ابن عقدة .

١٠٥- نعمان بن عجلان الانصاري من شهر يوم المناشدة عن طريق

اصبح بن نباتة في تاريخ ال محمد ص ٦٧ .

١٠٦- هاشم بن عتبة المرفال ابن ابي وقاص الزهر المديني ^{سنة ٢٧ بنقل ابن عقدة} بنقل ابن عقدة

١٠٧- ابو وسنذ وحشى بن حرب الحبشي الحمصي نقله ابن عقدة عن مقتل

الخوارزمي وعده من رواية حديث الغدير ص ٥٧

١٠٨- وهب بن حمزة كما نقله الخوارزمي من رواية جده الغدير والصحابة

١٠٩- ابو جحيفة وهب بن عبد الله الشوازي المنوفي سنة ٧٤ نقله ابن عقدة

١١٠- ابو مرزوم بن علي بن مرة بن وهب الثقفي كما نقله اسد الغاصر ^{٢٤١٢٣}

كتبه احمد النجفي الزنجاني في طهران سنة ١٣٩٢ من الهجرة

حُطِّبَ إِلَى الْأَكْرَمِ
يَوْمَ الْغَدِيقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَى فِي تَمَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ
وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ وَهَرَّ
جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ مَجِيدَ الْمَزِيدِ مَجْمُودِ الْأَبْرَارِ
بَارِي الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَدْحُورَاتِ وَجَبَّارِ الْأَرْضِينَ
وَالسَّمَوَاتِ سُبُوْحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ مُنْفَضِلٌ
عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَاءةٍ مُنْطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ آثَاءٍ يُلْحِظُ كُلَّ عَيْنٍ الْعَيُونَ
لَا تُرَاهُ كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ قُدُّوسٌ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَمَنْ عَلَّمَهُمْ
بِنِعْمَتِهِ لَا يُعْجَلُ بِإِنْقَامِهِ وَلَا يُبَاذِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ
عَذَابٍ قَدِّمَهُمُ السَّرَّاءُ وَعَلِمَ الضَّمَانُ وَكَمْ يَخْفَعُ عَلَيْهِ الْمَكْنُونُ

وَلَا اسْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ لَهُ الْأَحَاطُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ
الْغَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ وَهُوَ مُنْتَهَى الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءٌ دَأْمٌ قَاسِمٌ
بِالْقِسْطِ لِإِلَهِ الْأَهْوَاءِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ جَلَّ عَنْ أَنْ تَدْرِكُهُ
الْأَبْصَارُ وَهُوَ بِدِرْكِ الْأَبْصَارِ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا يَلْحَقُ
أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ
عَلَانِيَةً إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي
مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ وَالَّذِي بَعْثَنِي الْأَبَدَ نُورَهُ وَالَّذِي يُفِئِدُ
أُمَّةً بِالْأُمُشَاوَرَةِ مُشِيرًا وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا
تَفَاوُتٌ فِي تَدْبِيرِهِ صَوْرًا مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ وَخَلَقَ مَا خَلَقَ

بِأَمْعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلِفُ وَلَا أَحْتِيَالٍ أَنْشَاهَا فَكَانَتْ
وَبَرَاهَا فَبَانَتْ فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ
أَحْسَنُ الصَّنِيعَةِ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ وَالْأَكْرَمُ الَّذِي رَجِعُ
إِلَيْهِ الْأُمُورُ وَأَشْهَدَانَهُ الَّذِي تَوَاضَعُ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزِّهِ وَيَخْضَعُ
كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَا لِكُ الْأَمْلاكِ وَمُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَمُسَخِّرُ
الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ كُلُّ مَجْرِي لِأَجْلِ مَسْمِي يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ
يُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يُطْلِبُهُ حَيْثَ أَفَاحِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عِنْدِ
وَمُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَمْ يَكْرُمِعَهُ ضِدُّهُ وَلَا يَدُ أَحَدٍ
صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَاللهُ وَاحِدٌ رَبُّ
مَا جَدُّ نِشَاءٌ فَيَمْضَى وَيُرِيدُ فَيَقْضَى وَيَعْلَمُ فَيُحْصَى وَيُؤْتِي حُجَّتَهُ

وَيَقْفِرُ وَيُعْنِي وَيُضْحِكُ وَيُنْكِي وَيُدْنِي وَيَقْضِي وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْخُدْيَةُ وَالْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يُوجِي
الليل في النهار ويوجي النهار في الليل لا إله إلا هو العزيز
الغفار مجيب الدعاء ومجزل العطاء محصي الأنفاس ورب
الجنة والناس لا يشكل عليه شيء ولا يضجبه صراخ المشركين
ولا يبرمه الحاح الملحجين العاصم للصالحين والموفق للمفلحين
ومولى العالمين الذي استحق من كل خلق أن يشكروه ويحمده
على السراء والضراء والشدة والرخاء وأومر من يروم ملكه
وكتبه ورسله أسمع أمره وأطيع وأبادر إلى كل ما يرضاه
وأستسلم لفضائه ورغبته في طاعته وخوفه من عقوبته

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرُهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرَهُ أُوتِرَكَ
عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأُودِي مَا أُوجِبُ
إِلَيْكَ مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَجَلَّ بِمِنْهُ فَأَرَعْدُ لَا يَدْفَعُهَا أَحَدٌ
وَأَنْ عَطِيتُ حِيلَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِأَنَّهُ قَدْ عَلِمَنِي أَنِّي لَمْ
أَبْلِغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتُهُ فَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ
وَتَعَالَى الْعِزَّةُ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
وَأَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتُهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
مَعَا شِرَّ النَّاسِ مَا فَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَهُ إِلَيْكَ وَأَنَا
مُتَيْنٌ لَكُمْ سَبَبٌ نَزُولِ هَذِهِ الْأَيَاتِ إِنَّ جَبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَّطَ

الَّتِي مَرَّارًا ثَلَاثًا يَا مَرْيَمُ عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَهُوَ السَّلَامُ أَنْ أُنْفِثَ
 فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلَمُ كُلَّ أَيْبُصٍ وَأَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي
 طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي
 مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ
 وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ
 بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِي وَإِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَعَلِيٌّ
 ابْنُ أَبِي طَالِبٍ فَأَمَّ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ بِرُيَاةِ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ وَسَأَلْتُ جَبْرِيئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يُبَلِّغَنِي
 لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ لَكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لَعَلِّي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ

الْمُنَافِقِينَ وَادْعَالِ الْكَاذِبِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ
 الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْسِينَةِ
 مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَحْسَبُونَهُ هَيْبَةً وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ
 وَكَثْرَةُ أَذَاهُمْ لِي غَيْرُ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْتِي إِذْ نَاوَزَعَمُوا ابْنَ كَدَّكَ
 لِكثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِبَائِي وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 فِي ذَلِكَ وَمِنَهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ
 قُلْ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ
 يُؤْمِنُ بِالْيَوْمِئِينِ وَلَوْ شِئْتَ أَنْ اسْمِيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُبَيَّ
 إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لِأَوْمِيَّتِي وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلَّيْتُ وَلَكِنِّي
 وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ أَنْ يُبَلِّغَ

مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِي الْقَائِمُ مِنَ اللَّهِ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِنَّمَا مَا
مُقَرَّرٌ طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى النَّائِبِينَ
لَهُمْ بِالْحَسَانِ وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْأَعْيُنِ وَالْعَرَبِيِّ
الْحَرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ
وَعَلَى كُلِّ مَوْجِدٍ مَا ضَرَّحَكُمْ جَائِزُ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنِ
خَالَفَهُ مَرْجُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ صَدَقَ فَقَدْ غَفَرَهُ اللَّهُ وَلِمَنْ سَمِعَ
مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ أَخْرَجَ مَقَامَ أُمَّةٍ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ
فَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْتَادُوا وَالْأَمْرُ بِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ

رَبِّكُمْ وَوَلِيِّكُمْ وَالْهَٰكِمُ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ مُحَمَّدٌ وَوَلِيُّكُمْ
الْقَائِمُ الْمَخَاطِبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَوَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ
بِأَمْرِ اللَّهِ وَرَبِّكُمْ ثُمَّ الْأِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
يَوْمَ تَلْفُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَأَحْلِلَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَلَا حَرَامًا
إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَرَفْتُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَلُ بِمَا
عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ مَعَاشِرَاتِنَا
مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَفَدَّ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي وَكُلِّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَفَدَّ
أَخْصَيْتُهُ فِي عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَفَدَّ عَلَّمَ عَلِيًّا
وَهُوَ الْأِمَامُ الْمُبِينُ مَعَاشِرَاتِنَا لَا تَضِلُّوا عِنْدَ وَلَا تَفِرُّوا
مِنْهُ وَلَا تَسْكَبُوا مِنْهُ وَلَا يَبْئُوهَ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ

وَيَعْمَلُ بِرٍ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهَى عَنْهُ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ
لَوْمَةٌ لَا يَمُتُ ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَهُوَ الَّذِي كَفَى
رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَأْخُذُ
اللَّهُ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ مَعَ شِرِّ النَّاسِ فَضْلُهُ فَضْدُ
فَضْلِهِ اللَّهُ وَأَقْبَلُوهُ فَضْدُ نَصَبِهِ اللَّهُ مَعَ شِرِّ النَّاسِ إِنَّهَا
مِنَ اللَّهِ وَلَنْ يَبُوءَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْ تَكْرُ وَلَا يَنْهَى وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَأَنْ تَعْبُدُ
عَدَا بَأْتِكُمْ أَبَدًا الْآبَادِ وَدَهْرَ الذُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ يُخَالِفُوهُ
فَضَلُّوا نَارًا أَوْ قُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ
أَيُّهَا النَّاسُ يَا وَاللَّهِ بَشَرًا لَا وَلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

وَأَنَا خَاتِمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ
مِنَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ فَمَنْ شَكَ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ
كَفْرًا بِنَجَاهِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ
شَكَ فِي الْكَلِمَةِ وَالشَّاكِ فِي الْكُلِّ فَلَهُ النَّارُ مَعَ أَشْرَ النَّاسِ
حَبَابِي اللَّهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَامِيَةٌ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنِّي إِلَى
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَتُحَدِّثُ بِأَبْدَانِ الْأَبْدِينَ وَدَهْرِ الدَّاهِرِينَ عَلَى
كُلِّ حَالٍ مَعَ أَشْرَ النَّاسِ فَضِلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي
مَنْ ذَكَرَ وَأَنْتُمْ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقَ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ
مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ إِلَّا إِنَّ
جِبْرِئِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا

وَلَمْ يَبُولَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي فَلَنْظُرْ نَفْسُ مَا قَدَّمَتْ
لِعَدِي وَانْفُوا اللَّهَ أَنْ تَخَالِفُوهُ قَبْلَ قَدَمِ بَعْدِ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ بِخَيْرٍ
بِمَا تَعْمَلُونَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنَّبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرْتُمْ فِي كِتَابِهِ
يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنِّبِ اللَّهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ نَدَبَرُوا
الْقُرْآنَ وَافْتَمُوا آيَاتِهِ وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مَثَلَهُ
فَوَاللَّهِ لَنْ يَبَيِّنَ لَكُمْ زُجْرَهُ وَلَا يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا
الَّذِي أَنَا أَخِذُ بِيَدِهِ وَمُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَشَأْنُ بَعْضِهِ وَمَعْلَمُكُمْ
إِنَّ مِنْكُمْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي
وَوَصِيِّ وَمَوْلَا لِي مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ مَعَاشِرَ النَّاسِ
إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وَرْدِي هُمُ الثَّقَلَيْنِ الْأَصْفَرُ وَالْقُرْآنُ هُوَا ^{الثَّقَلَانِ}

الأكبر فكل واحد مني عن صاحبه وموافق لمن يقربنا
حتى يردا على الخوض أمنا الله في خلقه وحكامه فأصبح
ألا وقد آذيت ألا وقد بلغت ألا وقد آسمعت ألا وقد
أوضحت ألا وإن الله عز وجل قال وأنا قلت عن الله عز وجل
ألا إنه ليس أمير المؤمنين غير أخي هذا ولا تحل امرأة المؤمنين
بعدي لأحد غيره (ثم ضرب يده إلى عضده فرفعه وكان
منذ أول ما صعد رسول الله صلى الله عليه وآله قال
علينا حتى صار رجلا مع ركبته رسول الله صلى الله عليه
وآله ثم قال) معاشر الناس هذا علي وأخي ووصي
وواعي علي وخليفتي على أممي وعلى تفسير كتاب الله عز وجل

وَالذَّاعِي إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ
وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالتَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ خَلِيفَةُ رَسُولِ
اللَّهِ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي وَفَائِلُ التَّوَكُّلِينَ وَ
الْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيْكَ
بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّي اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِ الْآلَةَ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَالْعَن
مَنْ أَنْكَرَهُ وَأَغْضِبْ عَلَى مَنْ جَحَّدَ حَقَّهُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ
عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدَكَ لِعَلِيِّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيَانِ ذَلِكَ
وَنَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكَلْتُ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِمُ
نِعْمَتَكَ وَرَضَيْتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَضَلْتَ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ
الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِي شَهِيدًا إِنِّي قَدِ بَلَغْتُ مَعَا
النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِأَمَانَةٍ قَمْرٍ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ
وَيَمُنُّ بِقَوْمٍ مَقَامَهُ مِنْ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ جِطَّتْ أَعْيُنُهُمْ
وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ وَلَا يُخَفِّفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَ
لَا هُمْ يُنظَرُونَ مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلَيَّ أَنْصَرَكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ
بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عِنْدَ رَاضِيَانِ
وَمَا نَزَلَتْ يَرْضَى لِأَفِيهِ وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
إِلَّا بَدَأَ بِهِ وَلَا نَزَلَتْ يَمْدَحُ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ وَلَا شَهِدَ
بِأَجْتِهِ فِي هَلْ لَيْتَ عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا لَهُ وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا

مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرٌ دِينِ اللَّهِ وَالْمَجَادِلُ عَنِ
رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ النَّفِيُّ النَّفِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي نَبِيكُمْ خَيْرُ نَبِيِّ وَ
وَصِيكُمْ خَيْرُ وَصِيِّ وَنَوْهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ
كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّةٌ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ
إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوا وَهُوَ فَحْطَ أَعْمَالَكُمْ
وَنَزَلَ أَفْئِدَاكُمْ فَإِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُصِيبَ إِلَى الْأَرْضِ
بِمَخْطِئَةٍ وَاحِدَةٍ وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ
وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَّا أَنْتُمْ لَا يُغْضُ عَلَيْنَا إِلَّا شَقِيٌّ وَلَا يَتَوَلَّى عَلَيْنَا
إِلَّا نَفِيٌّ وَلَا يُؤْمِنُ بِدِينِ الْأُمُومِينَ مُخْلِصٌ وَفِي عَلِيٍّ وَاللَّهُ نَزَلَتْ سُورَةُ
الْعَصْرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا
 بِالصَّبْرِ مَعَ شَرِّ النَّاسِ فَمَا سَتَشْهَدُ لَكَ اللهُ وَبَلَّغْنَاكَ رِسَالَتِي وَمَا
 عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ مَعَ شَرِّ النَّاسِ اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تَقَاتِهِ
 وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ مَعَ شَرِّ النَّاسِ آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 وَالنُّورِ الَّذِي نُزِّلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْغَسَ وُجُوهًا قَرَّتْهَا
 عَلَى آذَانِهَا مَعَ شَرِّ النَّاسِ التَّورُ مِنْ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسَلُوكِ
 ثُمَّ فِي عِلِّيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ
 بِحَقِّ اللهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا لِأَنَّ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى
 الْمُفْضَرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِبِينَ وَالْأَثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ
 مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مَعَ شَرِّ النَّاسِ لِيَأْتِيَنَّ رُكُوعًا لِي رَسُولُ اللهِ الْبَكْرُ

فَدَخَلْتُ مِنْ قَبْلِ الرُّسُلِ أَفَانِ مِتُّ وَقُلْتُ انْقَلَبْتُ عَلَى
أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَبْصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي
اللَّهُ الشَّاكِرِينَ الْأَوَّابِينَ عَلَيَّا هُوَ الْمُوصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ
ثُمَّ مِنْ بَعْدِكَ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَمُوتُوا عَلَى اللَّهِ
تَعَالَى إِسْلَامَكُمْ فَيُخِطَ عَلَيْكُمْ وَيُصِيبَكُمْ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ
إِنَّهُ لِبَالِرٍ صَادٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ
إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَبْصُرُونَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى
وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ
وَأَنْصَارُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ
إِلَّا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الضَّعِيفَةِ فَلْيُنْظَرِ أَحَدُكُمْ فِي ضَعْفِيهِ فَذَهَبَ

عَلَى النَّاسِ لِأَشْرَفِيَّةٍ مِنْهُمْ أَمْرُ الضَّعِيفَةِ مَعَاشِرَ النَّاسِ لِي
أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عُقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَغْتُ
مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ
مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلِدًا أَوْ لَمْ يُولَدْ قَطُّ يَبْلُغُ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ
الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَيَجْعَلُونَهَا مَلَكًا وَاعْتَصَابًا
أَلَا لَعْنُ اللَّهِ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ وَعِنْدَهَا سَتْفَعُ لَكُمْ
أَيُّهَا الثَّقَلَانِ فَبُرِّسِلْ عَلَيْكُمَا شَوْاطِئُ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْصِرَانِ
مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ لَمْ يَكُنْ بَدْرُكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ
حَتَّى يَمُرَّ الْحَبِيبُ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ
مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِكُذُوبِهَا وَكَذَلِكَ

بُهْلِكَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَهَذَا عَلَى أُمَّامِكُمْ
وَوَلِيكُمْ وَهُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَصْدُقُ مَا وَعَدَهُ مَعَاشِرَةَ
النَّاسِ قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْبَرُ الْأَوَّلِينَ وَاللَّهُ لَعَنَ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ
وَهُوَ مَهْلِكُ الْآخِرِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَمْ يَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ
نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ تَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِلْكَاذِبِينَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي فِي هَذِهِ وَأَقْرَأْتُهُ
عَلَيْهَا وَنَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَاسْمَعُوا
لِأَمْرِهِ فَسَلُّوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَأَوَانْتَهُوا النَّهْيَ تَرْشُدُوا وَاصْبِرُوا
إِلَى مُرَادِهِ وَلَا يَفْزُقْ بِكُمْ السُّبُلَ عَنْ سَبِيلِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّا
صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَ كُرَيْبًا عِدَّةَ نَزْعِي مِنْ بَعْدِي ثُمَّ

وَلَدَيْهِ مِنْ صُلَيْبِهِ أُمَّةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَيُرِيدُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

إِنَّا كُنَّا نَعْبُدُ وَإِنَّا كُنَّا نَسْتَعِينُ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

نَزَّلَتْ فِي وَفِيهِمْ وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِنَّا لَهُمْ خَصْنَا وَلِئِكَ أَوْلِيَاءُ

اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أَلَا إِنَّ حَرْبَ اللَّهِ هُمُ

الْعَالِيُونَ أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيِّ هُمْ أَهْلُ الشِّطَانِ وَالنِّفَاقِ وَ

الْمُكَادُونَ وَهُمْ الْعَادُونَ وَإِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يُوجِحُ بَعْضُهُمْ

إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ

الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ لَا تَجِدُوا مَا يُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا
آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ
الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ
حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ
وَصَفَاهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ
بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ
الَّذِينَ وَصَفَاهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
أَمِينِينَ وَتَلْقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ أَنْ طَبِّعْتُمْ فَأَدْخَلُوهَا خَالِدِينَ

الْأَيْنَ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
بِغَيْرِ حِسَابٍ الْإِنَّا أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَصِلُونَ سَعِيرًا الْإِنَّا
أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ يَتَمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَهَذَا
زَيْرٌ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتٌ لِحَبَّتِهَا الْإِنَّا أَعْدَانَهُمُ الَّذِينَ
قَالَ عَزَّوَجَلَّ كُلَّمَا آتَى فِيهَا قَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُنَا أَمْ
بِأَيْدِيكُمْ نَذِيرٌ فَالْوَابِلِيُّ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ
اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ الْإِنَّا أَوْلِيَانَهُمْ
الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ مَعَاشِرَ
النَّاسِ شَتَانٌ مَا بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالسَّعِيرِ عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّ اللَّهُ وَ
لَعَنَهُ وَوَلِيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ الْإِنَّا

وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلَىٰ هَادٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَىٰ
وَصِيبي الْأَوَّلِينَ خَاتِمَ الْأُمَّمَاتِ الْفَاتِمَةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُكَ
اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّ الظَّالِمِينَ عَلَى الَّذِينَ آتَاهُ اللَّهُ مِنَ
الظَّالِمِينَ آيَاتَهُ فَاتِحِ الْخُصُوفِ وَمَا دُمُّهَا إِلَّا آيَةُ
فَائِلِ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ إِلَّا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ نَارٍ
لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ آيَاتُهُ نَاصِرِينَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
إِلَّا إِنَّ الْغُرَافَ مِنْ بَجْرِ عَمِيقِ آيَاتِهِ لَيْسَ كُلُّ ذِي فَضْلٍ
بِفَضْلِهِ وَكُلُّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ إِلَّا إِنَّهُ خَيْرٌ لِلَّهِ وَمُخْتَارُهُ
إِلَّا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمَحِيطُ بِهِ إِلَّا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنِ رَبِّ عَزَّ
وَجَلَّ وَالْمُنْتَبِهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ إِلَّا إِنَّهُ الْوَشِيدُ الشَّدِيدُ إِلَّا

إِنَّهُ الْمَفُوضُ إِلَيْهِ إِلَّا أَنَّهُ قَدْ بَشَّرَهُ مِنْ سَلَفٍ بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَّا
الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ
إِلَّا أَنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنُضُورَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي
أَرْضِهِ وَحَكِيمٌ فِي خَلْقِهِ وَأَمِينٌ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَةٌ مَعَنَا
الثَّالِثُ قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَهَذَا عَلِيُّ بِفَهْمِكُمْ بَعْدِي
إِلَّا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مِصَافَقَتِي عَلَى
وَالْإِقْرَارِ بِرِسْمِ مِصَافَقَتِهِ مِنْ بَعْدِي إِلَّا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ
وَعَلِيَّ قَدْ بَايَعَنِي وَأَنَا أَخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ الصَّفَا
وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ وَأَعْمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ

أَنْ تَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ نَطَّوعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ
مَعَاشِرَ النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِهِ إِلَّا اسْتَعْنَوْا
وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا أَفْقَرُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَفَّقْتُمُوهُ^{فِي}
مُؤْمِنٍ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ
فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَوْفَيْتُمْ عَمَلَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحِجَاجُ
مُعَانُونَ وَنَقْمَانُهُمْ مُخْلَفَةٌ وَاللَّهُ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
مَعَاشِرَ النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالنَّفَقَةِ وَلَا تَصِرُوا
عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بَيِّنَةً وَإِفْلَاحٌ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَاتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنْ تَطَالَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَدُ
فَقَصْرُهُمْ أَوْ نَسِيمٌ فَعَلِيٌّ وَلِيكُمْ وَمُسَبِّحٌ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ بَعْدِي وَمَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ مِنِّي وَمَنْ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ
عَنْهُ وَيُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ
مِنْ أَنْ أُخْبِرَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَّا بِالْحَلَالِ وَأَنْتُمْ عَنِ الْحَرَامِ
فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمِرتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالضَّفَقَةَ لَكُمْ
يَقُولُ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَمَّةِ
مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ أُمَّةٌ فَأَتَاهُمُ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْبِضُهُ بِالْحَقِّ مَعَاشِرَ النَّاسِ كُلِّ حَلَالٍ دَلَّكُمْ
عَلَيْهِ وَكُلِّ حَرَامٍ نَهَيْكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ
أُبَدِّلْ أَلْفًا ذَكَرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ وَلَا تُبَدِّلُوهُ
وَلَا تُغَيِّرُوهُ أَلَا وَإِنِّي فَذَا جَدِّ الْقَوْلِ أَلْفًا فَيَمُوتُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا

الرَّكُوعَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ
بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْهَوْا إِلَى قَوْلِي وَتُبْلِغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْهُ وَأَنَا مَرُودٌ
بِقَبُولِهِ وَتَنْهَوُهُ عَنِ مَخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنِّي وَ
لَا أَمْرَ عَمْرُوفٍ وَلَا نَهْيَ عَنِ مُنْكَرِ الْأَمْعِ إِمَامٍ مَعْصُومٍ مَعَا شَرَّ
النَّاسِ الْفُرَّانِ يُعْتَرَفُ كَمَا أَنَّ الْأَثَمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ
مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً
بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ وَقُلْتُ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهَا مَعَا شَرَّ
النَّاسِ النَّفِيُّ النَّفِيُّ أَحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ
رَلَزَلَةَ السَّاعَةَ شَيْءٌ عَظِيمٌ أَذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ
وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالتَّوَابَ وَالْعِقَابَ فَمَنْ

جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيْبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي
الْجَنَانِ نَصِيبٌ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي
بِكَيْفٍ وَاحِدٍ وَقَدْ أَمَرَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنَ السِّبْكِ
الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ أَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ
مِنَ الْأُمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ
فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ
لِمَا بَلَّغَتْ عَن رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ
أَمْرُ وَلَدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأُمَّةِ نُبَاهُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا
وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِينَ وَأَيْدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَنَمُوتُ وَنُبْعَثُ
وَلَا نُنْفِرُ وَلَا نَبْدِلُ وَلَا نَنْشُكُ وَلَا نَزْنَابُ وَلَا نَرْجِعُ مِنْ عَهْدِهِ

وَلَا تَقْضُ الْيَتَامَىٰ وَطِيعُ اللَّهِ وَطِيعُكَ وَعَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَلَدَهُ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَمَحَلَّهُمَا
عِنْدِي وَمَنْزِلَتَهُمَا مِن رِجِّي عَزَّوَجَلَّ فَفَدَا دَيْتُ ذَلِكَ لِيَكُمُ
وَأَنْتُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَنْتُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ
أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَأَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ وَقُولُوا اطَّعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ
وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا
مِيثَاقًا مَا خُوذَ إِلَّا مِنْ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ فُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا
وَمُصَافَهَةِ أَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَأَقْرَبَهُمَا بِلسَانِهِ وَلَا
تَبْغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا نَزِيًّا مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا أَشْهَدُنَا

اللَّهُ وَكُنِيَ بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ وَكُلُّ مَنْ
أَطَاعَ مِنْ ظَهَرَ وَاسْتَشَرَ وَمَلَائِكَةُ اللَّهِ وَجُودُهُ وَعَبِيدُهُ وَاللَّهُ
أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أُمَّتِي فَلْيَنْتَسِبْهُ وَمَنْ جَلَّ
فَأَنْتَ مَا يَصِلُ عَلَيْهَا وَمَنْ بَاعَ فَإِنَّمَا يَبِيعُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِدَالِ اللَّهِ قَوْلًا
أَيْدِيهِمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فَأَنْفُوا اللَّهَ وَابِيعُوا عَلَيْنَا آمِينَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأُمَّةَ كُلِّهَا طَيِّبَةً بِأُفْوَةٍ مُبْلِكِ اللَّهِ
مَنْ غَدَرَ وَبَرَّحِمِ اللَّهِ مَنْ وَفَى فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى
نَفْسِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلُّوا عَلَيَّ
بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقُولُوا اسْمِعْنَا وَأَطِعْنَا غُضْرَانِكَ بِنَاوَالِكَ

الْمَصْبُورُ وَقُولُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا
 أَنْ هَدَانَا اللَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ فِضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدَّاتُهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ
 فَمِنْ آثِمَاتِ كُتُبِهَا وَعَزَفِهَا قَصْدِ قُوَّةِ مَعَاشِرِ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَعَلِيًّا وَالْأُمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُمْ فَتَدْفَرُ قُوَّةً عَظِيمًا مَعَاشِرَ النَّاسِ
 السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ
 أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا مَا يُرِضِي اللَّهَ
 عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ
 شَيْئًا اللَّهُمَّ اغْضَبِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاغْضِبِ عَلَى الْكَافِرِينَ وَالْكَافِرَاتِ

كِتَابُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّسْمَانِيِّ

از همین نویسندگان:

۱- دروپردازی پشتوانه ماتریالیسم (ردیه علیه ماتریالیستهای
جیره‌خوار).

۲- انتخاب برترین سیستم (پیرامون اسلام - مارکسیسم)

۳- علی (ع) همای رحمت (مجموعه مقالات).

به چاپ رسیده است.

و

۱- دروس پیشواشناسی

با مقدمه: آیة‌الله سعید تهرانی

۲- نامه‌هایی به: امت اسلامی (علیه اسلام‌شناسان مغرض)

۳- فضائل السادات

۴- سیری کوتاه در اصول فقه

۵- جلد دوم انتخاب برترین سیستم

۶- هستی‌نما

۷- عشقی که بشهادت انجامید

آماده چاپ می‌باشد